پرتوی از دهه مهدویه

استاد علی اکبر مهدی پور

به ضمیمه:

گزیده ای از اخبار تشکیل کنفرانس ها - جشنواره ها - کتابخانه های تخصصی و خدمات مهدوی داخل و خارج از کشور

The eighth annual celebration of the ten blessed days of mahdawiyya

بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از دهه مهدویه

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

مرکز جهانی حضرت ولیعصر(عج)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از دهه مهدویه

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : پرتوی از دهه مهدویه/علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : اصفهان: مرکز جهانی حضرت ولیعصر(عج)، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۴۶ص.؛ ۲۱/۵× ۱۱/۵ س م.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- کرامت ها

رده بندی کنگره : BP۲۷۱/۶۰۴۲۲ /م۸۶ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۷

ص:۱

اشاره

مقدمه

« يا اَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنا وَ اَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا

بِبِضاعَةٍ مُزْجاةٍ »

ای عزیز :

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فرو ریخته و

اینک با بضاعتی اندک بسویت آمده ایم .

(یوسف : ۸۸)

ای عزیز فاطمه :

در کام طوفانها فرو رفتیم ،

در زیر ضربات دشمن لگدمال شدیم

سایه سنگین فتنه ها را بر شانه های خود

لمس کردیم ، در هر گوشه ای صدای دادخواهی بلند شد

با یک دنیا امید بسویش دویدیم و نومید برگشتیم و اینک ،

برخیــز :

برخیز و کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریز ، پرچم حق را

بر فراز گیتی برافراز و ریشه ظلم و ستم از روی زمین برانداز .

اَللّهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ اِلَیْکَ فی دَوْلَهٍ کَریمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الاِْسْلامَ وَاَهْلَهُ ،

وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ اِلی طاعَتِکَ

وَالْقادَهِ اِلی سَبیلِکَ ، وَتَرْزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ ؛

بارالها ، ما اظهار اشتیاق می کنیم به درگاه تو ، در یک دولت عزیزی

که اسلام و مسلمانان را با آن عزّت و شوکت عنایت فرمایی ، نفاق و

منافقان را با آن خوار گردانی ، ما را در آن دولت از فراخوان ها به

سوی فرمان بریِ تو و از پیشوایان به راه خود قرار دهی ، و به

وسیله ی آن دولتْ کرامت دنیا و آخرت به ما روزی فرمایی .

فرازی از نیایش منتظرانِ حضرت بقیه اللّه

ارواحنا فداه در شبهای ماه مبارک رمضان .(۱)

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۵۸۱ .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی آلِ مُحَمَّدٍ وَأصْلِحْ لَنا إمامَنا...

اَللّـهُمَّ امْلاَءِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً ...

وَاجْعَلْنی مِنْ خِیارِ مَوالیهِ وَشیعَتِهِ ...

وَارْزُقْنِی الشَّهادَهَ بَیْنَ یَدَیْهِ حَتّی ألْقاکَ وَأَنْتَ عَنّی راضٍ ؛

بارالها، بر محمّد وآل محمّد درود بفرست و امرِ امام ما را اصلاح بفرما ...

بارخدایا ، زمین را به وسیله ی او پر از عدل و داد بفرما ، همان گونه

که پر از جور و ستم شده است ...

خدایا ، مرا از بهترین دوستان و شیعیان او قرار بده ...

بارالها ، شهادت در رکاب او را به من ارزانی بدار ، تا به لقایت برسم

در حالی که از من خشنود باشی .

فرازهایی از نیایش امام زین العابدین علیه السلام

در صحرای عرفات .(۱)

۱- [۱] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۶۹۸ .

این اثر ناچیز که خود از برکات دهه ی مبارکه ی مهدویه است و به

منظور اظهار عجز و ناتوانی از انجام وظیفه و تقدیم عریضه ی شایسته به

پیشگاه سلیمان دورانها ، سلطان زمین و آسمانها ، نور چشم حضرت

زهرا ، خاتم الأوصیاء ، حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه ، قلمی گردیده ؛

چون ران ملخی از مورچه ی بی مقداری ، به پیشگاه سلطان سریر

ارتضا ، حضرت علی بن موسی الرّضا ، علیه آلاف التحیه والثناء ، به امید

قبول تقدیم می گردد .

به همین مناسبت هشت فراز از سخنان درر بار هشتمین امام را پیرامون

جان جانان ، کعبه ی مشتاقان ، قبله ی چشم به راهان ، به جای مقدمه در

طلیعه ی کتاب به راهیان کوی و منتظرانِ ظهورش تقدیم می داریم :

فهرست............

ص:۹

سیمای طاووس اهل الجنّه در آیینه ی طاووس الائمّه

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پیرامون حضرت بقیه اللّه ارواحنا

فداه می فرماید :

١ . لَوْ مَدَّ یَدَهُ اِلی اَعْظَمِ شَجَرَهٍ عَلی وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَها ، وَلَوْ صاحَ بَیْنَ

الْجِبالِ لَتَدَکْدَکَتْ صُخُورُها ، یَکُونُ مَعَهُ عَصا مُوسی وَخاتَمُ

سُلَیْمانَ ؛

اگر دست مبارکش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز

کند ، آن را از ریشه و بن برکند و اگر در میان کوه ها بانگ برآورد ،

صخره هایش فرو ریزد .

عصای موسی و انگشتری سلیمان با او خواهد بود .(١)

٢ . فَاِذا خَرَجَ اَشْرَقَتِ الاَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَوُضِعَ میزانُ الْعَدْلِ بَیْنَ

النّاسِ ، فَلا یَظْلِمُ اَحَدٌ اَحَدا ، وَهُوَ الَّذی تُطْوی لَهُ الاَرْضُ وَلا یَکُونُ

لَهُ ظِلٌّ ؛

١- [١] . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ٢ ، ص ٢۴ .

هنگامی که ظاهر شود ، زمین به نور پروردگارش نورانی گردد ،

ترازوی عدالت را در میان مردم نصب کند ، دیگر کسی به کسی

ستم نمی کند . زمین زیر پایش طی شود و برای او سایه نباشد .(۱)

۳ . اِبْنُ سَیِّدَهِ الْاِماءِ ، یُطَهِّرُ اللّه ُ بِهِ الْاَرْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ ، وَیُقَدِّسُها مِنْ کُلِّ ظُلْمٍ ؛

او فرزند سرور کنیزان است ، خداوند به وسیله ی او روی زمین را

از هر ستمی پاک نموده ، از هر گونه بی عدالتی منزَّه می سازد .(۲)

۴ . ما اَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظارَ الْفَرَجِ ؛

شکیبایی و انتظار فرج چقدر زیباست .(۳)

۵ . مَثَلُهُ مَثَلُ السّاعَهِ لا یَأْتیکُمْ اِلّا بَغْتَهً ؛

مثل او مثل رستاخیز است ، جز به صورت ناگهانی اتفاق

نمی افتد .(۴)

۶ . اِنَّ الْخِضْرَ شَرِبَ مِنْ ماءِ الْحَیاهِ ، فَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ ...

وَسَیُونِسُ اللّه ُ بِهِ وَحْشَهَ قائِمِنا فی غَیْبَتِهِ وَیَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُ ؛

حضرت خضر از آب حیات خورده ، او زنده است و نمی میرد ، ...

خداوند به وسیله ی او از قائم ما رفع غربت می کند و با اُنس و

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۳۷۲ .

۲- [۲] . شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۴۷۸ .

۳- [۳] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۱۰ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۳ .

مجالست او از وی رفع تنهایی می کند .(۱)

۷. هنگامی که دعبل شعر معروف خود را در محضر امام رضا علیه السلام خواند ، چون به نام نامی « قائم آل محمّد » رسید ، امام علیه السلام برخاست ، دست روی سر نهاد ، برای نام آن حضرت تواضع کرد ، آنگاه برای فرجش دعا کرد .(۲)

۸. آنگاه خطاب به دعبل فرمود :

ای دعبل ، امام بعد از من پسرم محمّد _ امام جواد _ ، بعد از او پسرش علی _ امام هادی _ ، بعد از او پسرش حسن _ امام حسن عسکری _ و بعد از پسرش :

اَلْحُجَّهُ الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ فی غَیْبَتِهِ ، اَلْمُطاعُ فی ظُهُورِهِ ؛

حجت قائم ، که در عهد غیبتش انتظار او را می کشند ، و در ایام ظهور از وی اطاعت می کنند .(۳)

ای همه غمها را تو پایان ، ای همه دردها را تو درمان ، ای نور یزدان ، ای مهر تابان ، بیا زپرتو رویت ، شب تاریک سحر گردد ، ور نه ای مهر تابان ، بی تو هر لحظه تیره تر گردد .

من در این غار خسته و دلتنگ ، انتظار ترا ستاره کنم ، در این شب تار وحشت زا ، لحظه های ترا شماره کنم .

۱- [۱] . شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۴۸۰ .
۲- [۲] . تستری ، قاموس الرجال ، ج ۴ ، ص ۲۹۰ .

۳- [۳] . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۷۲ .

گر بیایی ، ستاره های سحر ، در نگاه تو رنگ بازند ، گر بیایی کبوتران

امید ، لانه ها را دوباره سازند .

به امید آن روز .

۲۷ رجب ۱۴۲۷ ه .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص:۱۴

امام شناسی :

امام در لغت به معنای : « پیشوا » و « مقتدا » می باشد .

خلیل بن احمد ، پیشوای ارباب لغت می گوید :

کلّ من اقتدی به وقدّم فی الامور فهو إمام ؛

هر کسی که جلودار امور باشد و به او اقتدا کنند ، او « امام » است .(۱)

راغب در این رابطه گوید :

الإمام : المؤتمّ به إنساناً ؛

امام انسانی است که او را پیشوا قرار دهند .(۲)

ابوبشر لغوی می گوید :

امام در لغت عرب جلودارِ مردم را گویند ... که در طول سفر

۱- [۱] . خلیل بن احمد ، کتاب العین ، مادّه « امم » ؛ ترتیب العین ، ص ۵۵ .

۲- [۲] . راغب اصفهانی ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۲۴ .

و تاریکی شب راهبر راهروان است .(۱)

امام و پیشوا در اصطلاح به کسی گفته می شود که جلودار جماعتی باشد

و رهبری ایشان را در یک مسیر اجتماعی ، یا مرام سیاسی ، یا مسلک

علمی و یا دینی برعهده بگیرد .(۲)

امامت ریاست فراگیر دینی ، همراه با ترغیب و تشویق مردمان بر

حفظ مصالح دینی و دنیایی و منعِ آنها از هر چیزی که بر مصالح دینی و

دنیوی آنها لطمه می زند .(۳)

امام رضا علیه السلام در یک حدیث گسترده از جایگاه امام علیه السلام سخن گفته ،

که فرازهایی از آن در اینجا تقدیم می شود :

جایگاه امام والاتر ، ابعادش گسترده تر و ژرفایش عمیق تر از

آنست که مردمان با اندیشه و درایت خود به آن دست یابند ،

یا امامی را از سوی خود برگزینند ...

امام همانند خورشید فروزان نورافشانی می کند ، دست ها و

دیده ها به جایگاه بلندش نمی رسد .

امام ماه تابان ، ستاره ی فروزان ، مشعل درخشان و اختر

هدایتگر در تاریکی های شب دیجور و تیرگی های دریاها و

صحراها می باشد .

۱- [۱] . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۹۶ .

۲- [۲] . علامه طباطبایی ، شیعه در اسلام ، ص ۱۰۹ .

۳- [۳] . خواجه نصیر ، قواعد العقاید ؛ علامه حلّی ، کشف الفوائد ، ص ۷۷ .

امام آب گوارای هدایت بر دلهای تشنه ، راهبر مطمئن بر

شاهراه هدایت ، نجات بخش انسانها از لغزش و سقوط در

پرتگاهها می باشد ...

امام یگانه ی دهراست ، هرگز احدی با او برابری نکند ، هیچ

دانشوری با او قیاس نشود ، هیچ شبیه و نظیری برای او پیدا

نشود ، که همه ی فضایلش اختصاصی است ، هرگز به دنبال

کسب دانش نرود که همه معلوماتش از سوی خداوند منّان به

او افاضه شده است ، دیگر چه کسی می تواند جایگاه او را

بشناسد ، یا درصدد گزینش او برآید ؟ ! هیهات !(۱)

ضرورت وجود امام :

هر عاقل فرزانه ای که از وضع جهان و رفتار مردمان آگاه باشد ، در

ضرورت وجود رییسی نافذ ، مدیر و مدبر ، برای جلوگیری از

خصومت ها ، تجاوزها و تباهی ها تردیدی به خود راه نمی دهد .

با توجه به خاتمیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وسلم و استمرار شریعت و عدم نسخ

آن تا روز رستاخیز ، وجود شخصی به عنوان نگهبان ، مرزبان و مرزدار

آیین اسلام از هرگونه تغییر ، تبدیل و تباهی ضروری می باشد .(۲)

بزرگان شیعه ضرورت وجود امام را از روی قاعده ی لطف به صورت

گسترده تشریع نموده ، اثبات کرده اند که وجود تکلیف و ادامه ی آن در

طول قرون و اعصار ، ضرورت وجود امام را در هر عصر و زمانی ضروری

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ _ ۲۰۵ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۱۶ _ ۲۲۴ .
۲- [۲] . علم الهدی ، الذّخیره ، ص ۴۱۰ _ ۴۲۴ .

می نماید .(۱)

شرایط امام :

اشاره

با توجه به جایگاه رفیع امام در اجتماع ، برای او شرایط ویژه ای هست

که او را از هر فرد دیگری از افراد امت ممتاز می سازد که از آن جمله است :

۱ . عصمت :

انسان برای ادامه ی زندگی به خوراک ، پوشاک ، مسکن و ... نیاز دارد ،

او نمی تواند همه ی آنها را شخصاً تأمین کند و لذا جامعه ی بشری به تعاون و

همیاری نیاز دارد .

این تعاون و تعامل آنها را در معرض تجاوز به حقوق همدیگر قرار

می دهد .

برای جلوگیری از بروز فتنه ، بازستاندن حق مظلوم و ایصال حق به

صاحب حق نیاز مبرم به وجود امام معصوم _ که از هر لغزشی مصون

باشد _ احساس می شود وگرنه او نیز به امامی دیگر محتاج خواهد بود .(۲)

امام در تنفیذ احکام ، اقامه ی حدود ، حفظ شریعت و تأدیب امت

جانشین پیامبر است ، از این رهگذر عصمت در امام دقیقاً همانند عصمت

در پیامبر است ، که باید هرگز گناه صغیره و کبیره از او سر نزد و سهو و

۱- [۱] . شیخ مفید ، تمهید الاصول ، ص ۴۴۵ _ ۴۶۳ ؛ علم الهدی ، الشّافی فی الامامه ، ج ۱ ، ص ۴۷ _ ۱۰۲ .
۲- [۲] . علامه حلّی ، منهاج الکرامه ، ص ۱۳۷ .

نسیان بر او راه نداشته باشد و این عقیده ی همه ی شیعیان است ، به جز آنان

که از راه صحیح منحرف شده اند .(۱)

اعتقاد شیعه ی امامیه در مورد پیامبران و امامان این است که هرگز گناه

صغیره یا کبیره از آنها سر نزند ، چه پیش از نبوت یا بعد از آن .(۲)

۲. نصّ :

شرط عصمت در امام ایجاب می کند که از سوی خداوند بالخصوص

« منصوص » باشد ، زیرا جز خداوند کسی از اسرار و مکنونات قلبی افراد

آگاه نیست .

امام سجاد علیه السلام در این رابطه می فرماید :

اَلْإِمامُ مِنّا لا یَکُونُ اِلاّ مَعْصُوماً ، وَلَیْسَتِ الْعِصْمَةُ فی ظاهِرِ الْخِلْقَهِ

فَیُعْرَفَ بِها ، وَلِذلِکَ لا یَکُونُ اِلاّ مَنْصُوصاً ؛

امام از ما خاندان باید معصوم باشد ، نشانه ی معصوم بودن در ظاهر

خلقت نیست تا همگان آن را بازشناسند ، از این رهگذر باید

منصوص باشد .(۳)

ضرورتِ عصمت امام از ضرورت نصّ از سوی خدا حکایت می کند ،

که تنها او واقف بر سرایر و ضمایر افراد می باشد ، از این رهگذر حق

انتخاب و گزینش به مردم داده نشده ، بلکه باید از سوی پروردگار نصب

۱- [۱] . شیخ مفید ، اوائل المقالات ، ص ۳۵ .

۲- [۲] . علم الهدی ، تنزیه الأنبیاء ، ص ۱۵ .

۳- [۳] . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۱۳۲ .

شده ، توسط پیامبر معرفی شده ، به وسیله ی امام پیشین اعلام گردد ،

چنانکه قرآن کریم می فرماید :

« وَرَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَیَخْتارُ ، ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ » ؛

پروردگارت آنچه بخواهد می آفریند و برمی گزیند ، آنها حق

انتخاب و گزینش ندارند .(۱)

امام علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امام را خداند برمی گزیند ، مردم حق گزینش امام را

ندارند .(۲)

۳ . افضلیت :

امام علاوه بر عصمت و نص ، باید افضل انسانهای موجود در روی زمین

باشد ، یعنی نسبت به احکام شریعت ، اقسام سیاست و تدبیر امور امت از

همه داناتر ، در کمالات از همه برتر ، از نظر نیروی بدنی از همه دلیرتر و

در رغبت به موجبات اجر و پاداش الهی از همه نیرومندتر باشد .(۳)

امام و پیشوای امت باید از همه ی افراد امت افضل باشد ، زیرا تقدیم

مفضول بر فاضل عقلاً و نقلاً قبیح است ، امّا عقلاً ، پس همه ی عقلا بر آن

اعتراف دارند و امّا نقلاً ، قرآن کریم می فرماید :

۱- [۱] . سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۸ .

۲- [۲] . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

۳- [۳] . علم الهدی ، الذّخیره ، ص ۴۲۹ ؛ همو ، الشّافی ، ج ۲ ، ص ۴۱ .

« أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلاّ أَنْ يُهْدى

فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » ؛

آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند برای پیروی کردن

شایسته تر است ، یا کسی که خود هدایت نمی شود مگر اینکه

هدایتش کنند ؟ شما را چه می شود ، چگونه داوری می کنید ؟(۱)

ضرورت شناخت امام :

دلایل عقلی و نقلی فراوانی دلالت می کنند بر اینکه باید همه ی انسانها

در همه ی قرون و اعصار امام زمان خود را بشناسند وگرنه رشته ی اتّصال

آنها با دین مقدس اسلام خواهد گسست و به عهد جاهلیت و بربریت

خواهند پیوست .

یکی از دلایل روشن آن حدیث معروفی است که محدّثان بزرگ شیعه و

سنّی با سلسله اسناد صحیح و معتبر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که

فرمود :

مَنْ ماتَ وَلَمْ یَعْرِفْ اِمامَ زَمانِهِ ماتَ میتَةً جاهِلِیَّةً ؛

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته

است .

این حدیث شریف را بدون هیچ کم و کاست ، در منابع مهم حدیثی

شیعه ، بزرگان جهان تشیع روایت کرده اند ، که از آن جمله است :

۱- [۱] . سوره یونس ۱۰ ، آیه ۳۵ .

۱ . ابوالقاسم علی بن محمّد بن علی خزاز ـ قرن چهارم ـ(۱)

۲ . ابوجعفر محمّد بن علی بن بابویه ، مشهور به : شیخ صدوق ، متوفّای

۳۸۱ ه .(۲)

۳ . سید مرتضی علم الهدی ، متوفّای ۴۳۶ ه .(۳)

۴ . امین الاسلام ، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی ، متوفّای ۵۴۸ ه .(۴)

۵ . سید ابوالقاسم ، علی بن موسی بن جعفر ، مشهور به سید ابن

طاووس ، متوفّای ۶۶۴ ه .(۵)

۶ . علی بن عیسی اربلی ، متوفّای ۶۹۳ ه .(۶)

۷ . حسن بن یوسف بن مطهر حلّی ، متوفّای ۷۲۶ ه .(۷)

۸ . علی بن حسین بن عبدالعالی ، مشهور به محقق کرکی ، متوفّای

۹۴۰ ه .(۸)

۹ . شیخ بهاءالدین محمّد عاملی ، متوفّای ۱۰۳۰ ه .(۹)

۱- [۱] . خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۹۲ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ .

۳- [۳] . علم الهدی ، الذّخیره فی الکلام ، ص ۴۹۵ .

۴- [۴] . امین الاسلام طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

۵- [۵] . سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ص ۴۶۰ .

۶- [۶] . اربلی ، کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۳۱۸ .

۷- [۷] . علامه حلی ، منهاج الکرامه ، ص ۲۷ .

۸- [۸] . محقق کرکی ، نفحات اللاهوت ، ص ۱۳ .

۹- [۹] . فیض کاشانی ، گلزار قدس ، به نقل محدّث قمی در سفینه البحار ، ج ۶ ، ص ۷۵ .

پ۱۰ . ملامحسن فیض کاشانی ، متوفّای ۱۰۹۱ ه .(۱)

۱۱ . محمّد بن حسن ، حرّ عاملی ، متوفّای ۱۱۰۴ ه .(۲)

۱۲ . مولی محمّدباقر مجلسی ، متوفّای ۱۱۱۰ ه .(۳)

اما راویان این حدیث به همین تعبیر از بزرگان اهل سنت :

۱ . مسلم بن حجّاج نیشابوری ، متوفّای ۲۶۱ ه .(۴)

۲ . قاضی عبدالجبار معتزلی ، متوفّای ۴۱۵ ه .(۵)

۳ . محمّد بن فتوح حمیدی ، متوفّای ۴۸۸ ه .(۶)

۴ . مسعود بن عمر بن عبداللّه تفتازانی ، متوفّای ۷۹۱ ه .(۷)

۵ . علی بن سلطان محمّد قاری ، متوفّای ۱۰۱۴ ه .(۸)

۶ . مولی حیدرعلی فیض آبادی هندی ، متوفّای ۱۲۰۵ ه .(۹)

۷ . حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی ، متوفّای ۱۲۹۴ ه .(۱۰)

۱- [۱] . شیخ بهائی ، الأربعین ، ص ۲۰۶ .

۲- [۲] . شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۴۶ .

۳- [۳] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸ ، ص ۳۶۸ ؛ ج ۳۲ ، ص ۳۲۱ و ۳۳۱ ؛ ج ۵۱ ، ص ۱۶۰ ؛ ج ۶۸ ، ص ۳۳۹ .

۴- [۴] . مسلم ، الصحیح ، به نقل ملا علی قاری در الجواهر المضیئه ، ج ۲ ، ص ۴۷۵ .

۵- [۵] . قاضی عبدالجبار ، المغنی ، ج ۱ ، ص ۱۱۶ .

۶- [۶] . حمیدی ، الجمع بین الصّحیحین ، ج ۲ ، ص ۳۰۶ .

۷- [۷] . تفتازانی ، شرح المقاصد ، ج ۵ ، ص ۲۳۹ .

۸- [۸] . ملاعلی قاری ، الجواهر المضیئه ، ج ۲ ، ص ۵۰۹ .

۹- [۹] . فیض آبادی ، ازاله الغین ، به نقل شناخت امام ، ص ۴۲ .

۱۰- [۱۰] . قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۳ ، ص ۳۷۲ .

این متن با تعبیرهای مختلف و طرق متعدد در کتب حدیثی ، تاریخی و

عقیدتی تشیّع و تسنّن آمده ، که مجموعاً به ۳۲ تعبیر بالغ می گردد ، گاهی

تفاوت آنها یک واو ، فاء ، قد و فقد می باشد(۱) که ما در اینجا به متن یاد

شده بسنده می کنیم .

گروهی از علمای شیعه و شماری از علمای اهل تسنن به تواتر حدیث

یاد شده تأکید کرده ، به صراحت اعلام کرده اند که این حدیث در منابع اهل

تشیع و تسنن به طور متواتر ، اجماعی و مورد اتفاق می باشد .(۲)

براساس این روایت و ده ها روایت دیگر که به یک مضمون با تعبیرهای

مختلف از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در کتب پایه و مرجع آمده است ، اگر کسی

امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است ، یعنی همانند

کسی است که پیش از بعثت نبی مکرم به حال بت پرستی ، کفر و الحاد از

دنیا رفته باشد .

در اینجا یک سؤال به طور طبیعی در اذهان نقش می بندد و آن اینکه :

کدامین امام ؟

این کدامین امام است که اگر کسی او را نشناسد ، شناخت خدا و پیامبر

بدون شناخت او انسان را از مرگ جاهلی نجات نمی دهد ؟

۱- [۱] . برای دسترسی به منابع دیگر متن ها ر . ک : نگارنده ، او خواهد آمد ، چ ۱۲ ، ص ۹۴ _ ۱۱۵ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، الافصاح ، ص ۲۸ ؛ سید ابن طاووس ، اقبال الأعمال ، ص ۴۶۰ ؛ شیخ بهائی ، الاربعین ، ص ۲۰۶ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸ ، ص ۳۶۸ ؛ قندوزی ، ینابیع المودة ، ج ۳ ، ص ۴۵۶ ؛ قاضی زنگنه زوری ، تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمّد ، ص ۱۶۶ .

پیروان مکتب خلفا می گویند : امامت با نصّ امام قبلی ، همچنین با

انتخاب اهل حلّ و عقد و راههای دیگر محقق می شود ، امامت مفضول با

وجود افضل مانعی ندارد ، هاشمی بودن ، عصمت و داشتن معجزه شرط

نیست و استدلال می کنند که خلافت خلفای راشدین ثابت است و فاقد

اینها بودند .(۱)

آنگاه روایات نصّ بر خلفای اثناعشر را از بخاری و مسلم نقل کرده ،(۲)

بر صحت آنها تأکید کرده ، اینگونه توجیه می کنند که منظور از خلفای

دوازده گانه دوازده تن از خلفا در طول تاریخ هستند ، که همه ی امت بر

خلافت آنها اعتراف کرده اند و در تعیین آنها گفته اند :

آنچه اتفاق افتاده این است که مردم بر خلافت ابوبکر ، عمر ،

عثمان و علی اتفاق کرده اند ، تا حادثه ی حکمین رخ داده ،

آنگاه معاویه به عنوان خلافت شناخته شده ، بعد از صلح امام

۱- [۱] . ابن حجر مکّی ، الصواعق المحرقه ، ص ۹ .

۲- [۲] . روایات دوازده امام ، دوازده امیر و دوازده خلیفه در همه ی منابع حدیثی آمده ، که به شماری از آنها براساس تسلسل زمانی اشاره می کنیم : ۱) سلیمان بن داود طیالسی ، متوفّای ۲۰۴ ه . در : مسند ، ج ۳ ، ص ۱۰۵ ، ح ۷۶۷ . ۲) نعیم بن حماد مروزی ، متوفّای ۲۲۹ ه . در : الفتن ، ج ۱ ، ص ۳۹ . ۳) احمد حنبل ، متوفّای ۲۴۱ ه . در : مسند ، ج ۵ ، ۸۷ ، ۹۲ ، ۹۷ و ۱۰۷ . ۴) محمّد بن اسماعیل بخاری ، متوفّای ۲۵۶ ه . ، در صحیح ، ج ۹ ، ص ۱۰۱ . ۵) مسلم بن حجاج نیشابوری ، متوفّای ۲۶۱ ه . در صحیح ، ج ۳ ، ص ۱۴۵۱ _ ۱۴۵۳ . ۶) ابوداود ، سلیمان بن اشعث سجستانی ، متوفّای ۲۷۵ ه . در سنن ، ج ۴ ، ص ۱۰۶ . ۷) ترمذی ، محمّد بن عیسی بن سوره ، متوفّای ۲۹۷ ه . در سنن ، ج ۴ ، ص ۵۰۱ ، ح ۲۲۲۳ . ۸) ابن منادی ، احمد بن جعفر بن محمّد ، متوفّای ۳۳۶ ه . در الملاحم ، ص ۲۶۸ _ ۲۷۱ . ۹) ابوالقاسم ، سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفّای ۳۶۰ ه . در المعجم الکبیر ، ج ۲ ، ص ۲۱۴ _ ۲۸۶ . ۱۰) حاکم نیشابوری ، متوفّای ۴۰۵ ه . در المستدرک علی الصحیحین ، ج ۳ ، ص ۱۷ .

حسن مردم بر او نیز اتفاق نموده اند ، سپس بر پسرش یزید

اتفاق نموده اند ، پس از مرگ یزید اختلافی پدید آمده ، تا بر

عبدالملک بن مروان اتفاق حاصل شده ، آنگاه بر چهار پسرش

ولید ، سلیمان ، یزید و هشام اتفاق نظر بوده ، عمر بن

عبدالعزیز نیز در میان سلیمان و یزید قرار گرفته ، این هفت

نفر بعد از خلفای راشدین و دوازدهمین آنها ولید بن یزید بن

عبدالملک است .

این بهترین دست چینی است که ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر

صحیح بخاری ، در ذیل حدیث دوازده امیر آورده(۱) و بسیاری از بزرگان

اهل سنت آن را بهترین توجیه برای دوازده خلیفه دانسته اند .(۲)

ما در اینجا به چهار نکته در کلمات ابن حجر اشاره می کنیم :

۱ . افرادی که ایشان برای مصداق دوازده خلیفه نام برده اند سیزده تن

می شوند که باید یکی از آنها به قید قرعه و یا به هر عنوان دیگر حذف

شود .(۳)

۲ . یکی از دوازده تن در لیست ابن حجر « یزید بن معاویه » است که

جنایات او صفحات تاریخ را سیاه کرده است ، شهادت امام حسین علیه السلام با

بیش از هفتاد تن از بهترین اصحابش ، یکی از جنایات اوست که برای

۱- [۱] . ابن حجر عسقلانی ، فتح الباری ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .

۲- [۲] . ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقه ، ص ۲۰ .

۳– [۳] . خلفای دوازده گانه در کلام ابن حجر عبارتنـد از : ابوبکر ، عمر ، عثمان ، علی ، معاویه ، یزیـد ، عبـدالملک ، ولیـد ، سلیمان ، عمر بن عبدالعزیز ، یزید و هشام پسران عبدالملک و ولید بن یزید بن عبدالملک ، که سیزده تن می باشند .

همه ی خوانندگان معلوم است .

یکی از جنایات دیگر او داستان « حَرّه » است که صفحات تاریخ را

لکه دار کرده است ، گوشه ای از این فاجعه ی بزرگ تاریخ را از کتاب

« تاریخ الاسلام » ذهبی نقل می کنیم :

یزیدْ مسلم بن عقبه را با ۱۲۰۰۰ سوار به مدینه فرستاد و دستور داد که

اگر یک تن از بنی امیه کشته شود ، شمشیر بکشد ، به کسی رحم نکند ،

زخمی ها و فراری ها را بکشد ، سه روز مدینه را غارت کند .(۱)

مسلم بن عقبه وارد مدینه شده از مردم بیعت می گرفت که برده ی یزید

باشند ، او هر چه بخواهد در مورد جان ، مال و ناموسشان تصمیم بگیرد !

هر کس امتناع می کرد او را گردن می زد !

در فاجعه ی حرّه ۳۰۶ تن از افراد سرشناس مهاجر و انصار کشته شدند

که اسامی آنها در منابع تاریخی ثبت شده(۲) ۷۰۰ تن از حاملان قرآن کشته

شدند و به حریم هزار تن از دوشیزگان تعدّی شد !(۳)

جالب تر اینکه این همه جنایت به قصد قربت و برای خشنودی خلیفه

انجام شده ، و لذا مسلم بن عقبه که این همه جنایت را به فرمان یزید انجام

داده ، در لحظات سکرات موت می گوید :

بارالها ، من بعد از شهادتین ، کاری انجام ندادم که از کشتار

اهل مدینه برای من محبوب تر ــ و برای روز رستاخیزم ــ

۱- [۱] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۵ ، ص ۲۵ .

۲- [۲] . همان ؛ خلیفه بن خیاط عصفری ، ص ۲۵۰ .

۳- [۳] . همان ، ص ۲۶ _ ۳۰ .

امیدوار کننده تر باشد ! !(۱)

آخرین جنایت یزید لشکرکشی به مکه ی معظمه بود که در ماه صفر

۶۴ هجری مکه را محاصره کرد ، با منجنیق اهل مکه را سنگباران نمود ،

سپاهیانش در اطراف کعبه آتش به پا کردند ، شعله های آن پرده ی کعبه را

طعمه ی حریق نمود ، سقف کعبه که از چوب بود آتش گرفت ، شاخ های

قوچی که به عنوان فدیه برای حضرت اسماعیل آمده بود و از سقف کعبه

آویزان بود ، در میان شعله های آتش سوخت .(۲)

کدام شخص عاقلی می تواند به خود تحمیل کند که یزید بن معاویه با این

جنایات و کارنامه ی سیاه خلیفه ی پیامبر ، واجب الاطاعه و مخالفتش

حرام باشد .

سوکمندانه اینکه اهل حل و عقل او را امام زمان دانسته ، معرفتش را بر

همگان واجب دانسته اند :

ذهبی با سلسله اسنادش از زید بن اسلم روایت کرده که عبداللّه بن مطیع

در ایام « حَرّه » به نزد عبداللّه بن عمر رفته ، از او کسب تکلیف کرده ، وی

در پاسخ گفته : از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود :

مَنْ نَزَعَ یَداً مِنْ طاعَهٍ لَمْ یَکُنْ لَهُ حُجَّهٌ یَوْمَ الْقِیامَهِ ، وَمَنْ ماتَ

مُفارِقاً لِلْجَماعَهِ فَاِنَّهُ یَمُوتُ مَوْتَهً جاهِلِیَّهً ؛

هر کس دست از اطاعت بکشد روز قیام حجتی نخواهد داشت و

هر کس در حال جدایی از جماعت بمیرد به مرگ جاهلی مرده

۱- [۱] . همان ، ص ۳۳ .
۲- [۲] . همان ، ص ۳۴ .

است .(۱)

۳ . دوازدهمین فردی که ابن حجر او را پایان بخش خلفای دوازده گانه

شمرده ، ولید بن یزید بن عبدالملک ، ششمین خلیفه ی عباسی می باشد .

ولید در حدود سال ۹۰ ه . متولد شد ، به هنگام فوت پدرش خردسال

بوده ، پدرش یزید ، برادرش هشام را جانشین خود و ولید را ولیعهد او

معیّن کرده است .

احمد در مسند با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که

فرمود :

لَیَکُونَنَّ فی هذِهِ الْأُمَّهِ رَجُلٌ یُقالُ لَهُ الْوَلیدُ ، لَهُوَ شَرٌّ عَلی هذِهِ الْاُمَّهِ

مِنْ فِرْعَوْنَ لِقَوْمِهِ ؛

بی گمان در این امت مردی خواهد بود به نام « ولید » که شرِّ او بر این

امت از فرعون بر قوم خود بیشتر است .(۲)

ولید در ربیع الآخر ۱۲۵ ه . پس از فوت عمویش هشام بر مسند

خلافت نشست و در جمادی الآخر ۱۲۶ ه . به دست مردم کشته شد ،

مدت خلافتش در حدود یکسال و دو ماه بود .

در این مدت کوتاه هر جنایتی را انجام داد ، که شماری از آنها به قرار

زیر است :

۱) با دخترش آمیخت و بکارتش را از بین برد ! !

۱- [۱] . همان ، ص ۲۵ .

۲- [۲] . احمد حنبل ، المسند ، ج ۱ ، ص ۴۹ ، ح ۱۰۹ .

۲) به قرآن تفأّل زد ، این آیه آمد :

« وَاسْتَفْتَحُوا وَخابَ کُلُّ جَبّارٍ عَنیدٍ » ؛

طلب گشایش کردند و هر گردنکش کینه توز نومید گردید .(۱)

قرآن را بست ، آنقدر به آن تیراندازی کرد که پاره پاره گردید ، پس

گفت :

ص:۳۰

۱- [۱] . سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۱۵ .

أتوعد کل جبّار عنید

فها أناذاک جبّار عنید

إذا لاقیت ربّک یوم حشر

فقل یا ربّ مزّقنی الولید

آیا هر گردنکش کینه توز را تهدید می کنی ؟ بدان که

آن گردنکش کینه توز من هستم !

هنگامی که در روز رستاخیز پروردگارت را ملاقات

کردی ، بگو که « ولید » مرا پاره پاره کرد ! !(۱)

۳) عازم حج بود ، گفت : به حج می روم که بر پشت بام کعبه شراب

بخورم .(۲)

۴) برکه ای از مشروب فراهم کرده بود ، چون حال طرب او را رخ

می نمود ، خود را در برکه می انداخت ، آنقدر مشروب می خورد که در آن

آثار کاهش ظاهر می شد !(۳)

۵) شبی تا سحر با کنیزش به میگساری مشغول بود ، چون اذان صبح

۱- [۱] . دیار بکری ، تاریخ الخمیس ، ج ۲ ، ص ۳۲۰ .

۲- [۲] . همان .

۳- [۳] . دمیری ، حیاه الحیوان ، ج ۱ ، ص ۱۰۳ .

گفته شد ، سوگند یاد کرد که باید همان کنیز برای مردم امامت کند ، پس

جامه هایش را بر او پوشانید و او در حالیکه مست و جنب بود بر مردم

امامت کرد ! !(۱)

۶) هنگامی که مردم شورش کردند و او را دستگیر کردند و کشتند و

سرش را در دمشق بر نیزه زدند ، برادرش سلیمان گفت :

از رحمت خدا دور باد ، که من گواهی می دهم که در

میگساری افراط می کرد ، در فسق و فجور غوطه ور بود ، حتی

به من هم سوء قصد نمود .(۲)

برای رعایت عفت قلم بیش از این فجایع او را به تصویر نمی کشیم و به

همین مقدار بسنده می کنیم .

آیا کدام عاقل به خود اجازه می دهد که او را با این کارنامه ی سیاه که قلم

از شرح آن شرم دارد ، خلیفه ی مسلمانان بداند ، اطاعتش را واجب بداند ،

و خیال کند که بر همگان لازم است که او را بشناسند وگرنه با مرگ جاهلی

از دنیا می روند ؟ !

ابن حجر عسقلانی او را دوازدهمین خلیفه ی پیامبر و پایان بخش

خلفایی معرفی کرده که شاهرگ حیاتی اسلام به آنها وابسته است ، تا آنها

هستند هیچ آسیبی اسلام را تهدید نمی کند .(۳) و ابن حجر مکی آن را بهترین

چینش و توجیه خلفای اثناعشر دانسته است .(۴)

۱- [۱] . همان ؛ دیار بکری ، همان .

۲- [۲] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۸ ، ص ۲۹۴ .
۳- [۳] . ابن حجر عسقلانی ، فتح الباری ، ج ۱۳ ، ص ۲۱۴ .
۴- [۴] . ابن حجر مکی ، الصواعق المحرقه ، ص ۲۰ .

بسیار جای شگفت است که ذهبی پس از آنکه از غوطه ور شدن او در

معاصی ، حتی تعدی او به همسران پدرش سخن گفته(۱) می نویسد :

کفر و الحاد ولید ثابت نشده ، فقط به جهت اشتهارش به

شرب خمر و لواط بر علیه او خروج کردند .(۲)

آنگاه نقل می کند که در نزد مهدی عباسی نام « ولید » برده شد ، مردی

گفت که او « زندیق » بود ، مهدی عباسی گفت :

مه ، خلافه اللّه عنده أجلّ من أن یجعلها فی زندیق ؛

ساکت باش ، خلافت اللّهی در نزد خداوند بالاتر از آنست که آن را

در یک زندیق قرار دهد !(۳)

بسیار جالب است که بعد از این همه جنایت و ارتکاب معاصی و تعدی

به محارم خود ، مهدی عباسی مقام « خلافه اللّهی » برای او معتقد است ! !

اینجا نوبت به بازگانان حدیث می رسد که برای اثبات مقام خلافه

اللّهی برای یزیدها و ولیدها دست به جعل حدیث زده ، به پیامبر اکرم

نسبت می دهند که فرمود :

یَکُونُ بَعْدی اَئِمَّهٌ لا یَهْتَدُونَ بِهُدایَ وَلا یَسْتَنُّونَ بِسُنَّتی ، وَسَیَقُومُ

فیهِمْ رِجالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّیاطینَ فی جُثْمانِ اِنْسٍ ؛

پس از من پیشوایانی خواهند بود که با هدایت من هدایت

۱- [۱] . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۸، ص ۲۹۳ .

۲- [۲] . همان ، ص ۲۹۴ .

۳- [۳] . همان ، ص ۲۹۱ .

نمی شوند و با سنت من رفتار نمی کنند ، در میان آنها افرادی

متصدی امر می شوند که به ظاهر انسان هستند ، ولی در باطن

دلهای شیاطین در سینه های آنها می تپد .

پرسیدند : اگر چنین روزگاری را درک کنیم چه کنیم ؟ فرمود :

تَسْمَعُ وَتُطیعُ لِلْامیرِ ، وَاِنْ ضَرَبَ ظَهْرَکَ وَاَخَذَ مَالَکَ ، فَاسْمَعْ

وَاَطِعْ ؛

گوش به فرمان امیر باش و از او اطاعت کن ، اگر بر پشت تو تازیانه

بزنند و مال ترا از تو بگیرند ، گوش کن و اطاعت کن ! !(۱)

آنگاه حدیث دیگری را ضمیمه می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود :

مَنْ خَرَجَ مِنَ الطّاعَهِ وَفارَقَ الْجَماعَهَ ، فَماتَ ، ماتَ مَیْتَهً جاهِلِیَّهً ؛

هر کس از اطاعتِ _ سلطان _ بیرون رود و از جماعت جدا شود و از

دنیا بمیرد ، به مرگ جاهلی مرده است .(۲)

سپس نوبت به متکلّمانی چون ابوبکر باقلانی می رسد که در کتاب

« تمهید » که کتاب درسی دانشگاه الازهر می باشد و در رشته های فلسفه و

کلام تدریس می شود ، می نویسد :

امام هرگز با فسق ، ظلم ، غصب اموال ، ریختن خون ناحق ،

تضییع حقوق و تعطیل حدود از امامت خلع نمی شود و خروج

بر علیه او واجب نمی باشد ! !(۳)

۱- [۱] . مسلم ، صحیح مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۴۷۶ ، ح ۱۸۴۷ .

۲- [۲] . همان ، ح ۱۸۴۸ .

۳- [۳] . ابوبکر باقلانی ، التمهید ، ص ۱۸۶ .

و لذا می بینیم که عبدالّله بن عمر شبانه به نزد حجاج بن یوسف می شتابد

و اظهار می دارد که آمدم به وسیله ی تو با عبدالملک بیعت کنم ، زیرا

شنیدم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود :

مَنْ ماتَ وَلا اِمامَ لَهُ ماتَ مَیْتَهً جاهِلِیَّهً ؛

هر کس بمیرد و امامی برای او نباشد ، به مرگ جاهلی مرده است .

ولی همین شخص با امیرمؤمنان بیعت نکرد و از اینکه بدون امام بمیرد

ترسی به خود راه نداد .

و لذا حجاج او را تحقیر کرد ، پایش را از رختخواب بیرون کرد و

گفت : بیا با پای من بیعت کن .(۱)

آیا عقل سلیم باور می کند که انسان با کشیدن دست بر پای حجاج بن

یوسف ثقفی از مرگ جاهلی رهایی یابد و بدون آن به مرگ جاهلی

بمیرد ؟ !

سوکمندانه باید گفت که پیروان مکتب خلافت ، نه تنها خلیفه ، بلکه

هر یک از کارگزاران دولتی را از مصادیق خلیفه اللهی دانسته ، هرگونه

مخالفت با او را حرام می پندارند :

زیاد بن کسیب عدوی می گوید : با ابوبکره پای منبر « ابن عامر » بودیم ،

لباس نازک پوشیده بود و خطبه می خواند . ابوبلال گفت : به امیرِ ما نگاه

کنید که لباس فاسقان را می پوشد !

۱- [۱] . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۳ ، ص ۲۴۲ .

ابوبکره گفت : ساکت باش که از پیامبر شنیدم که گفت :

مَنْ أهانَ سُلْطانَ اللّه ِفِی الْأَرْضِ ، أهانَهُ اللّه ُ؛

هر کس به « سلطانِ خدا در زمین » اهانت کند ، خداوند او را خوار

می سازد !(۱)

ابوبکره آزاد شده ی پیامبر است ، در بصره اقامت گزید ، از فقهای بصره

به شمار می رفت ، هنگامی که به والیِ معاویه اهانت می شود ، او را

« سلطانِ خدا در روی زمین » می نامد و به اصطلاح نهی از منکر می کند ،

ولی هنگامی که احنف بن قیس را می بیند که لباس رزم پوشیده به قصد یاری

امیرمؤمنان و جنگ با سپاه معاویه حرکت کرده ، به او می گوید :

این کار را نکن که اینها برای دنیا می جنگند و حکومت را

بدون مشورت به دست گرفته اند ! !(۲)

ظاهراً جای تعجب نیست ، زیرا « ابوبکره » در دامن « سمیّه » تربیت

شده ، و با زیاد بن ابیه از یک پستان شیر خورده است .(۳)

نگارنده از قدیم الایام در مورد پیروان مکتب خلفاء از خود

می پرسید : آنانکه از کارنامه ی سیاه خلفای بنی امیه و بنی مروان آگاه

هستند ، چگونه آنها را خلیفه ی خداوند و سلطانِ خدا در روی زمین

می دانند ؟ ! چگونه آنها را واجب الاطاعه می پندارند و هر گونه خروج بر

علیه آنها را حرام می دانند ؟ !

۱- [۱] . ترمذی ، سنن ، ج ۴ ، ص ۵۰۲ .

۲- [۲] . ذهبی ، سیر اعلام النبلاء ، ج ۳ ، ص ۸ .

۳- [۳] . همان ، ص ۶ .

اخیراً با دانشمند فرهیخته ی مصری استاد « صالح الوردانی » آشنا شدم

که قبلًا از پیروان مکتب خلافت بود ، اخیراً به مکتب اهلبیت پیوسته

است(۱) او گفت :

هنگامی که تاریخ را ورق زدم ، کارنامه ی سیاه خلفای

بنی امیه ، بنی مروان و بنی عباس را مشاهده کردم ، با خود

گفتم : اینها کیانند که من ناگزیر از شناخت اینها باشم ؟ !

نزدیک بود از اسلام برگردم ، لکن خداوند بر من منت نهاد ،

مرا با مکتب اهلبیت آشنا ساخت ، از زیر خروارها خاک که

در طول ۱۴ قرن بر روی مکتب راستین نشسته بود ، اسلام

راستین علوی را با تحقق و پژوهش بیرون کشیدم ، به آغوش

اسلام بازگشتم ، اسلامی ناب از سرچشمه ی زلال علوی .

۱- [۱] . محقق برجسته ، دانشمند فرهیخته ، استاد صالح الوردانی ، از علمای برجسته ی مصری ، اخیراً به مکتب اهلبیت پیوسته ، و به همین دلیل سه سال تمام در پشت میله های زندان در مصر باستان ، از والاترین حقوق بشر برخوردار شده ! دین خود را به پیروان مکتب خلفا ادا کرده ، با نشر آثار ارزشمندی چون : ۱) اهل السنه شعب اللّه المختار ۲) ابن باز فقیه آل مسعود ۳) الامام علی سیف اللّه المسلول ۴) تثبیت الامامه لآل بیت النّبی ۵) تصحیح العبادات ۶) الحرکه الاسلامیه فی مصر ۷) الخطر الوهابی ۸) فقهاء النفط ۹) مذکرات معتقل سیاسی ۱۰) موسوعه آل البیت و دهها اثر دیگر به دفاع از حریم اهلبیت عصمت و طهارت پرداخته است .

۴ . در ده ها روایت معتبر و مستند اهل سنت ، حضرت مهدی علیه السلام

پایان بخش خلفای دوازده گانه معرفی شده ، ولی ابن حجر به این عنوان

توجه نکرده « ولید » را با آنهمه جنایت و خباثت دوازدهمین خلیفه معرفی

کرده است ! !

* * *

سیمای امام در آیینه ی قرآن

خداوند منان در آیات فراوان پیرامون امام و امامت سخن گفته ، ابعاد

مختلف آن را در لابه لای آیات قرآن بیان فرموده ، که به جهت محدودیت

صفحات این نوشتار به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . « وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ

إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ » ؛

به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود ، پس از

عهده ی آنها برآمد .

فرمود : من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

گفت : از عترت من نیز ؟

فرمود : عهد من به ستمکاران نمی رسد .(۱)

بی گمان واژه ی « امام » در این آیه غیر از نبوت و فراتر از آن است ، زیرا

این گفت و گو در اواخر عمر حضرت ابراهیم علیه السلام ، یعنی ده ها سال پس از

۱- [۱] . سوره بقره ۲ ، آیه ۱۲۴ .

نبوّت او رخ داده است ، زیرا :

۱ . حضرت ابراهیم تا سنین بالا فرزند نداشت و لذا هنگامی که

فرشتگان به او نوید فرزند دادند ، فرمود :

آیا پس از آنکه من پیر شدم به من بشارت فرزند

می دهید ؟ .(۱)

۲ . همسرش نیز با اظهار شگفتی گفت :

آیا من در حالی که پیرزن هستم فرزند می آورم و این شوهرم

پیری کهنسال است ؟ به راستی این شگفت آور است .(۲)

۳ . چون صاحب فرزند شد ، عرضه داشت :

حمد خدای را که در پیری اسماعیل و اسحاق را به من عطا

فرمود .(۳)

۴ . تقاضای امامت برای عترت خود پس از اعطای اسماعیل و اسحاق

بوده ، زیرا تعبیر « ذریّه » به کار برده ، که به معنای فرزندان خردسال

می باشد .(۴)

۵ . این تقاضا پس از آزمون وی با ذبح حضرت اسماعیل بود که منطق

وحی در این رابطه به صراحت می گوید :

۱- [۱] . سوره حجر ۱۵ ، آیه ۵۴ .

۲- [۲] . سوره هود ۱۱ ، آیه ۷۲ .

۳- [۳] . سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۳۹ .

۴- [۴] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱ ، ص ۲۶۹ .

به راستی این امتحان آشکاری است .(۱)

روی این بیان حضرت ابراهیم علیه السلام در سنین کهنسالی پس از انجام

مأموریت خطیر ذبح فرزند و دیگر آزمونهای سخت به مقام : « امامت »

مفتخر شده است ، یعنی سالیان دراز پیامبر بود ، ولی امام نبود ، چنانکه در

احادیث فراوان به آن تصریح شده است :

امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید :

خداوند ابراهیم را به « بندگی » برگزید ، پیش از آنکه او را به

پیامبری برگزیند .

سپس او را به « نبوت » برگزید ، پیش از آنکه به رسالت

برانگیزد .

آنگاه او را به « رسالت » برانگیخت ، پیش از آنکه به

« خُلَّت » برگزیند .

آنگاه او را به « خُلَّت » (دوستی) برگزید ، پیش از آنکه

امامت را به او عطا کند .

هنگامی که همه ی این مقامات برای او گرد آمد فرمود :

« إِنِّی جاعِلُكَ لِلنّاسِ إِماماً » ؛

من ترا برای مردم « امام » قرار دادم .

این مقام به قدری در نظرش باشکوه جلوه کرد که برای

فرزندانش نیز آرزو کرد ، خطاب شد که : عهد من به ستمگران

نمی رسد .(۲)

۱- [۱] . سوره صافات ۳۷ ، آیه ۱۰۶ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۵ ؛ شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۳ .

امام رضا علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

امامت مقام بسیار بلندی است که خداوند آن را پس از نبوّت

و خُلَّت ، به عنوان سومین فضیلت و شرف به ابراهیم عطا

نمود و او را با مدال :

« إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماماً » مفتخر فرمود .

ابراهیم خلیل از روی خوشحالی برای ذریه اش نیز این مقام را

تقاضا نمود ، خطاب شد :

« لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ » .

فَأبْطَلَتْ هذِهِ الْایَهُ اِمامَهَ کُلِّ ظالِمٍ اِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ وَصارَتْ فِی

الصَّفْوَهِ ؛

این آیه امامت هر ستمگری را تا روز قیامت مُهر بطلان زده و

منحصراً امامت در میان برگزیدگان قرار گرفته است .(۱)

شماری از مفسران عامه نیز با این آیه ی شریفه استدلال کرده اند که

هرگز ستمگر به مقام امامت و منصب خلیفه اللّهی نمی رسد :

۱ . طبری در تفسیر این آیه از مجاهد و عکرمه نقل کرده که گفته اند :

شخص ستمگر هرگز امام نمی شود .(۲)

۲ . آنگاه طبری نتیجه می گیرد که :

۱- [۱] . شیخ صدوق ، عیون الأخبار ، ج ۱ ، ص ۱۷۱ ، ب ۲۰ ، ح ۱ .

۲- [۲] . طبری ، جامع البیان ، ج ۱ ، ص ۴۱۸ .

هر گز از ظالم پیشوایی که مردم از او پیروی کنند نخواهد

بود . خداوند در پاسخ تقاضای ابراهیم خبر داد که تقاضای او

را پذیرفته ، جز در مورد آن عدّه از ذریّه ی او که ستمگر

باشند .(۱)

۳ . قرطبی در تفسیر این آیه می نویسد :

ابراهیم علیه السلام در مورد ذریّه اش تقاضای امامت کرد ، خداوند به

او خبر داد که در میان آنها افراد گنهکاری خواهد بود .(۲)

۴ . آنگاه از گروهی از اهل فضل نقل کرده که آنها گفته اند :

این آیه دلالت می کند که امام باید اهل فضل ، احسان ، عدل و

صاحب توان بر اراده ی امور باشد ، پس اهل فسق و فجور

شایستگی امامت را ندارند .(۳)

۵ . قرطبی سپس از « ابن خویز منداد » نقل می کند که گفت :

هیچ ستم پیشه ای نمی تواند : پیامبر ، امام ، خلیفه ، حاکم ،

مفتی یا امام جماعت باشد .(۴)

۶ . سیوطی در تفسیر این آیه از مجاهد نقل کرده که گفت :

خداوند هیچ ستمگری را به امامت نصب نمی کند که مردم از

۱- [۱] . همان .
۲- [۲] . قرطبی ، الجامع لأحكام القرآن ، ج ۲ ، ص ۱۰۷ .
۳- [۳] . همان ، ص ۱۰۸ .
۴- [۴] . همان ، ص ۱۰۹ .

او پیروی کنند .(۱)

۷ . نظام الدین حسن بن محمّد بن حسین نیشابوری ، متوفّای ۷۲۸ ه . در

تفسیر خود می نویسد :

کسی که کفر بورزد ، ولو به اندازه یک چشم به هم زدن ،

شایستگی پیامبری را ندارد ، همچنین شخص فاسق در حال

فسق ، به اتفاق جمهور مسلمین عقد امام بر او جایز نیست ،

زیرا هر فاسق و گنهکاری ظالم می باشد .

سپس می افزاید :

میزان در عدالت ظاهر افراد است ، ما به ظاهر افراد نگاه

می کنیم ، خدا از باطن اشخاص آگاه است . برخلاف شیعیان که

آنها عصمت را شرط می دانند و می گویند : امام باید معصوم

باشد ، ظاهراً و باطناً .(۲)

آری شیعه ی امامیه براساس منطق عقل و رهنمودهای قرآن کریم معتقد

هستند که باید امام معصوم و منصوص باشد ، چنانکه از این آیه ی شریفه به

خوبی استفاده می شود .(۳)

۲ . « وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ » ؛

۱- [۱] . سیوطی ، الدرّ المنثور ، ج ۱ ، ص ۱۱۸ .

۲- [۲] . نیشابوری ، غرائب القرآن و رغائب الفرقان _ در حاشیه تفسیر طبری _ ج ۱ ، ص ۳۹۲ .

۳- [۳] . علامه طباطبائی با دلایل بسیار محکم و استوار اثبات کرده که این آیه شریفه دلالت می کند که باید امام معصوم و منصوص باشد . ر . ک : علامه طباطبائی ، تفسیر المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۶۷ _ ۲۷۹ .

آن را کلمه ای پایدار در نسل او قرار داد .(۱)

در این آیه ی شریفه از اجابت دعای ابراهیم و قرار گرفتن عهد امامت

در دودمان او سخن رفته است .

جالب توجه است که گزارش این دعا و استجابت آن در تورات نیز آمده

و در کتاب مقدس که هزاران بار توسط انجمن پخش کتاب مقدسه چاپ و

منتشر شده و به بیش از یکهزار زبان ترجمه شده ، تا به امروز دست

نخورده باقی مانده است و اینک متن تورات :

و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم ، اینک او را

برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم ، دوازده

رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم .(۲)

در تفسیر آیه ی فوق ده ها حدیث از پیامبر اکرم ، اصحاب و

اهلبیت علیهم السلام وارد شده که توضیح می دهد منظور از ضمیر « جَعَلَها » امامت

و منظور از ضمیر « عَقِبِهِ » ابراهیم خلیل می باشد ، که به شماری از آنها

اشاره می کنیم :

۱ . سُدّی در این رابطه می گفت :

منظور از تبار حضرت ابراهیم آل محمّد علیهم السلاممی باشند .(۳)

۲ . امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

۱- [۱] . سوره زخرف ۴۳ ، آیه ۲۸ .

۲- [۲] . کتاب مقدس ، عهد عتیق ، سِفر پیدایش ، ب ۱۷ ، فراز ۲۰ .

۳- [۳] . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ .

یعنی امامت را تا روز قیامت در نسل حضرت ابراهیم قرار

داد .(1)

۳ . امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه فرمود :

رسول خدا از تبار ابراهیم بود ، ما اهلبیت نیز از تبار ابراهیم

و از تبار پیامبر هستیم .(2)

۴ . از ابوهریره پرسیدند : آیا منظور از « اهلبیت » همسران پیامبر

هستند ؟

گفت :

نه ، بلکه منظور از اهلبیت ایل و تبار آن حضرت می باشند و

آنها امامان دوازده گانه هستند ، که خداوند آنها را در آیه ی :

« وَ جَعَلَها کَلِمَهً باقِیَهً فِی عَقِبِهِ » بیان فرموده است .(3)

۵ . امام باقر علیه السلام با توضیح بیشتر به جابر جعفی فرمود :

امامان همانها هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنها را با اسم معرفی

کرده و فرموده : در شب معراج اسامی امامان را دیدم که با

نور بر عرش الهی نوشته شده بود ، و آنها دوازده تن بودند .

سپس امام باقر علیه السلام آنها را اینگونه برشمرد :

علی ، دو سبط ، علی ، محمّد ، جعفر ، موسی ، علی ، محمّد ،

۱- [۱] . همان .

۲- [۲] . سید شرف الدین ، تأویل الآیات الظاهره ، ج ۲ ، ص ۵۵۵ .

۳- [۳] . خزاز ، كفايه الأثر ، ص ۸۷ .

علی ، حسن و حجّت قائم علیهم السلام که اینها امامان برگزیده از

خاندان عصمت و طهارت می باشند .(۱)

در این رابطه احادیث فراوان از طریق پیشوایان معصوم رسیده است ،

که به نمونه های یاد شده بسنده کردیم .(۲)

۳ . « وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَی اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ یَکُونَ

لَهُمُ الْخِیَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ » ؛

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبر در موضوعی فرمان

دادند ــ در برابر فرمان خدا و پیامبر ــ از خود حق گزینش داشته باشند .(۳)

امام رضا علیه السلام در ضمن خطبه ی بسیار مفصلی که در نخستین روزهای

ورودش به مرو ایراد فرموده ، با این آیه ی شریفه به انتصابی بودن امام

استشهاد نموده ، می فرماید :

یَخْتارُ اللّه ُالْإِمامَ وَلَیْسَ لَهُمْ اَنْ یَخْتارُوا ؛

امام را خداوند برمی گزینند ، آنها حق گزینش ندارند .(۴)

روزی خلیفه ی دوم در ضمن یک گفتگوی طولانی به ابن عباس گفت :

قریش نمی خواست که نبوت و خلافت در خاندان شما جمع

شود ، از این رهگذر رایزنی کردند و خلیفه ی خود را

۱- [۱] . همان ، ص ۲۴۶ .

۲- [۲] . ر . ک : سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۸ ، ص ۵۴۶ ــ ۵۵۶ .

۳- [۳] . سوره احزاب ۳۳ ، آیه ۳۶ .

۴- [۴] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۸ ــ ۲۰۵ ؛ علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۱۴۳ .

برگزیدند و انتخاب درستی نمودند .

ابن عباس گفت : آیا در امان هستم ؟ خلیفه گفت : آری ، هر چه

می خواهی بازگوی .

ابن عباس گفت : این که گفتی : « قریش نمی خواست » خداوند

می فرماید :

« ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ » ؛

این بدان جهت است که آنها دوست نداشتند آنچه را که خداوند

برای ایشان نازل کرده بود ، پس اعمالشان را حبط و نابود کرد .(۱)

و اما این که گفتی : « قریش رایزنی کرد و برگزید » ، خداوند می فرماید :

« وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ » ؛

پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد

برمی گزیند . آنها حق گزینش ندارند .(۲)

تو خود آگاهی که خداوند از میان بندگانش کسی را که می خواست

برگزید ، پس اگر قریش برگزیده ی خدای را برمی گزیدند ، در آن صورت

انتخاب درستی بود .(۳)

این گفتگو بسیار طولانی است ، علاقمندان به متن کامل آن مراجعه

کنند .(۴)

۱- [۱] . سوره محمّد ۴۷ ، آیه ۹ .

۲- [۲] . سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۸ .

۳- [۳] . عبدالفتاح عبدالمقصود ، الامام علی بن ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۲۲۰ .

۴- [۴] . همان ، ص ۲۱۷ _ ۲۲۱ .

آیه ی بعدی راز این حقیقت را برملا کرده می فرماید :

« وَ رَبُّکَ یَعْلَمُ ما تُکِنُّ صُدُورُهُمْ وَ ما یُعْلِنُونَ » ؛

پروردگار تو می داند آنچه را که در سینه های خود مخفی داشته و

آنچه را که ابراز می دارند .(۱)

این دو آیه(۲) به صراحت و شفافیّت کامل اعلام می کند حق گزینش

منحصراً از آنِ خداست ، جز او احدی حق گزینش ندارد ، زیرا تنها او از

اعماق دل مردمان و فرجام کار آنان خبر دارد .

۴ . « وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا » ؛

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند .(۳)

قرآن کریم در آیه ی دیگری در همین رابطه می فرماید :

« وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ کانُوا بِآیاتِنا

یُوقِنُونَ » ؛

آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند ، زیرا

شکیبایی پیشه کردند و به آیات ما باور داشتند .(۴)

علامه ی طباطبایی از مقرون گشتن هدایت در آیات مربوطه به امام به

۱- [۱] . سوره قصص ۲۸ ، آیه ۶۹ .

۲- [۲] . یعنی : آیه ۶۸ قصص و ۳۶ احزاب .

۳- [۳] . سوره انبیاء ۲۱ ، آیه ۷۳ .

۴- [۴] . سوره سجده ۳۲ ، آیه ۲۴ .

این نتیجه رسیده که در قرآن کریم همه جا امامت مقرون به هدایت و مقیّد

به « بِأَمْرِنا » می باشد ، یعنی : امام هادی امت است ، لکن به فرمان خدا ، نه

به فرمان مردم . آنگاه به تفصیل در مورد فرمانِ خدا سخن گفته است .(۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید :

از آنها پیشوایانی قرار دادیم که به فرمانِ ما هدایت می کنند ،

نه به فرمان مردم . آنها فرمان خدا را بر فرمان مردم مقدم

می دارند و حکم خدا را بر حکم آنها مقدم می دارند .(۲)

و در حدیث دیگری فرمود :

این آیه منحصراً درباره اولاد فاطمه علیهاالسلام نازل شده است .(۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه از پدر بزرگوارشان روایت کرده اند که

فرمود :

منظور امامان از تبار حضرت فاطمه می باشند ، که خداوند به

وسیله ی روح ــ بزرگترین فرشته ــ به سینه های آنها وحی

می کند .(۴)

زید شهید در یک حدیث طولانی از جابر بن عبداللّه انصاری نقل می کند

که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به ایشان فرموده بود :

۱- [۱] . علامه طباطبایی ، المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۷۲ .
۲- [۲] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۱۷۰ .
۳- [۳] . فرات بن ابراهیم کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۱ ، ص ۳۲۹ ؛ حاکم حسکانی ، شواهد التّنزیل ، ج ۱ ، ص ۵۸۳ .
۴- [۴] . بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۴۸۸ .

چون پسرم محمّد (باقر) را درک کردی ، سلام مرا به او

برسان ، او همنام من و شبیه ترین مردمان به من می باشد .

دانش او دانش من و داوریِ او داوریِ من است .

هفت امام معصوم از نسل او پدید آیند ، که آنها امین ،

معصوم ، امام و نیکوکار می باشند .

هفتمین آنها مهدی آنهاست که زمین را پر از عدل و داد کند ،

آنگونه که پر از جور و ستم شده باشد .

آنگاه آیه ی شریفه را تلاوت نمود .(۱)

۵ . « یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ » ؛

به یاد آورید روزی را که هر گروهی از مردمان را با امامشان می خوانیم .(۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

اِمامُهُمُ الَّذی بَیْنَ اَظْهُرِهِمْ وَهُوَ قائِمُ اَهْلِ زَمانِهِ ؛

هر کسی با امامی خوانده می شود که در عهد او می زیسته ، که او

قائم اهل آن زمان می باشد .(۳)

امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود :

پیامبر اکرم با قوم خود ، امیرمؤمنان با قوم خود ، امام حسن

با قوم خود ، امام حسین با قوم خود می آیند و هر کسی در

۱- [۱] . خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۲۹۸ .

۲- [۲] . سوره اسراء ۱۷ ، آیه ۷۱ .

۳- [۳] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۵۳۶ .

زمانِ هر امامی درگذشته با او می آید .(۱)

هنگامی که این آیه نازل شد ، اصحاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عرضه

داشتند :

یا رسول اللّه ! مگر شما امام همه ی مسلمانان نیستید ؟ فرمود :

من رسول خدا هستم بر همه ی مسلمانان ، لکن پس از من

امامانی از اهلبیت من از سوی خدا خواهند بود که در میان

مردم به امر امامت قیام کنند ، مورد ایذاء و تکذیب قرار

می گیرند . هر کس از آنها پیروی کند از من است ، با من است

و مرا دیدار می کند .

آگاه باشید که هر کس به آنها ستم کند ، یا بر ستمِ آنها اعانت

کند ، یا آنها را تکذیب نماید ، از من نیست ، با من نیست و مرا

دیدار نخواهد کرد .(۲)

امام رضا علیه السلام از طریق پدران بزرگوار خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

روایت کرده که در تفسیر این آیه فرمود :

یُدْعی کُلُّ اُناسٍ بِإمامِ زَمانِهِمْ وَکِتابِ رَبِّهِمْ وَسُنَّهِ نَبِیِّهِمْ ؛

هر گروهی با امام زمان خود ، با کتاب پروردگار خود و با سنت

پیامبر خود فراخوانده می شوند .(۳)

سیوطی و آلوسی در ذیل این آیه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که

۱- [۱] . عیاشی ، التفسیر ، ج ۳ ، ص ۶۳ .

۲- [۲] . همان .

۳- [۳] . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۸۰ .

فرمود :

یُدْعی کُلُّ قَوْمٍ بِإمامِ زَمانِهِمْ ؛

هر قومی با امام زمان خود خوانده می شوند .(1)

عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از طریق اهلبیت علیهم السلام از رسول

اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است .(2)

از محضر سالار شهیدان امام حسین علیه السلام پرسیدند : معنایِ « شناخت

خدا » چیست ؟ امام حسین علیه السلام فرمود :

مَعْرِفَهُ اَهْلِ کُلِّ زَمانٍ اِمامَهُمُ الَّذی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طاعَتُهُ ؛

شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که

اطاعتش بر آنها واجب است .(3)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می فرماید :

با توجه به فراگیر بودن عنوان « کُلُّ اُناسٍ » که همه ی انسانها را

در طول قرون و اعصار شامل می شود ، آیه ی شریفه دلالت

می کند که باید هیچ زمانی از امام حق خالی نباشد .(4)

مفسّر کبیر قرآن کریم در عصر حاضر از بررسی همه ی آیات مربوط به

امامت در قرآن کریم به این نتیجه رسیده است که :

1 . امام باید منصوص و منصوب از طرف خداوند باشد .

1- [1] . سیوطی ، الدرّ المنثور ، ج 4 ، ص 194 ؛ آلوسی ، روح المعانی ، ج 15 ، ص 112 .

2- [2] . شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج 2 ، ص 32 ، ح 61 ؛ مشهدی ، کنزالدقایق ، ج 7 ، ص 455 .

۳- [۳] . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ص ۹ ؛ کراجکی ، کنزالفواید ، ج ۱ ، ص ۳۲۸ .
۴- [۴] . علامه طباطبائی ، المیزان ، ج ۱ ، ص ۲۷۳ .

۲ . امام باید معصوم به عصمت الهی باشد .

۳ . تا یک انسان در روی زمین هست ، باید روی زمین خالی از امام حق

نباشد .

۴ . امام باید مؤیَّد به تأییدات الهی باشد .

۵ . باید اعمال مردم از امام پوشیده نباشد .

۶ . امام باید بر همه ی آنچه مورد نیاز مردم در امور دین و دنیاست ،

عالم باشد .

۷ . هرگز امکان ندارد که در میان مردم کسی پیدا شود که در فضایل

نفسانی از او برتر باشد .

سپس می فرماید : این ها هفت مسأله از امّهات مسائل امامت است که

از بررسی آیات مربوط به امامت در قرآن کریم به دست می آید .(۱)

آنگاه در پرتو آیات قرآن و تعمق در معانی آن به این نتیجه می رسد که

هدایت امامان با هدایت پیامبران متفاوت است :

۱ . هدایتی که برعهده ی پیامبران بوده ، از نوعِ « اِرائَهُ الطَّریق » بود .

۲ . هدایتی که برعهده ی امامان هست ، از نوعِ « ایصال به مطلوب »

می باشد .(۲)

* * *

۱- [۱] . همان ، ص ۲۷۲ _ ۲۷۵ .
۲- [۲] . همان ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۴ .

فراتر از خورشید

اشاره

در محیط زیست ما نورهای فراوانی هستند که همه روزه با آنها سر و

کار داریم ، همانند نور شمع ، چراغ ، مشعل ، ماه ، اختران و خورشید

فروزان ، که همواره محیط زندگی ما را روشن نگه داشته ، تیرگی ها را کنار

زده ، دیدگان ما را نوازش داده ، دلهایمان را صفا بخشیده ، ارتباط ما را با

آنچه در پیرامون ما هست ممکن ساخته اند .

آیا تا به حال در مورد انواری فراتر از نور خورشید ، مفیدتر از نور

خورشید و سریع تر از سرعت نور اندیشیده اید ؟

در این بخش از کتب ، در پرتو انوار درخشان آیات قرآن ، از انواری

سخن می گوییم که فراتر از نور خورشید می باشند :

ص:۵۴

۱ . خدا

خداوند منان در قرآن کریم خود را « نور » نامیده می فرماید :

« اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ » ؛

خدای نور آسمانها و زمین است .(۱)

راغب گوید : خدای را از این جهت « نور » می نامند که او « منوِّر » است ،

یعنی : نوربخش و نورانی کننده ، که از باب مبالغه در فعلِ تنویر خود را

« نور » نامیده است .(۲)

علامه ی طبرسی گوید : سه معنا برای این آیه گفته شده :

۱ . هدایتگر آسمانها و زمین است به آنچه مصلحت آنهاست .

۲ . نوربخش آسمانها و زمین است به وسیله ی خورشید ، ماه و

ستارگان .

۳ . زینت بخش آسمانهاست با فرشتگان و زینت بخش زمین است ،

پیامبران و دانشوران .(۳)

امام رضا علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

هادٍ لِاَهْلِ السَّماواتِ وَهادٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ؛

خدا هدایتگر اهل آسمانها و هدایتگر اهل زمین است .(۴)

۱- [۱] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۲- [۲] . راغب اصفهانی ، المفردات ، ص ۵۰۸ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۲۴ .

۴- [۴] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۸۹ ؛ شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۵ ؛ همو ، معانی الأخبار ، ص ۱۵ .

۲ . قرآن

در برخی از آیات قرآن ، از آن نور تعبیر شده ، از جمله :

« وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ » ؛

و پیروی می کنند از نوری که با او نازل شده است .(۱)

بسیاری از مفسّران نور را در این آیه به قرآن تفسیر کرده اند و در نقلی از

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز روایت شده است .(۲)

۳ . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

در شماری از آیات قرآن از رسول عالمیان نور تعبیر شده ، از جمله :

« قَدْ جاءَكُمْ مِنَ اللّهِ نُورٌ وَ كِتابٌ مُبِینٌ »

برای شما از سوی خداوند نور و کتابی بیانگر آمده است .(۳)

که منظور از نور رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام

می باشند .(۴)

۴ . امیرمؤمنان علیه السلام

در بسیاری از آیات قرآن از امیرمؤمنان علیه السلام نور تعبیر شده است ، از

جمله :

۱ . « وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا »

۱- [۱] . سوره اعراف ۷ ، آیه ۱۵۷ .

۲- [۲] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۴ ، ص ۷۵۰ .

۳- [۳] . سوره مائده ۵ ، آیه ۱۵ .

۴- [۴] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۱۶۴ .

لکن ما او را نوری قرار دادیم که به وسیله ی او هر کسی از بندگان خود را

بخواهیم هدایت می کنیم .(۱)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود : منظور از نور در این آیه

علی علیه السلام است .(۲)

و در حدیث دیگری فرمود : منظور از نورْ علی بن ابی طالب علیه السلام است .(۳)

۲ . « أَ فَمَنْ شَرَحَ اللّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلی نُورٍ مِنْ رَبِّهِ » ؛

آیا آن کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام گشوده است ، پس او بر

نوری از پروردگار خود می باشد .(۴)

واحدی گفته این آیه در حق حمزه سیدالشهداء و علی علیه السلام نازل شده

است .(۵)

۳ . « یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً

مُبِیناً » ؛

هان ای مردم برای شما برهانی از سوی پروردگارتان آمده و به سوی

شما نوری آشکار فرستادیم .(۶)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

۱- [۱] . سوره شوری ۴۲ ، آیه ۵۲ .

۲- [۲] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ .

۳- [۳] . شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۵۵۱ .

۴- [۴] . سوره زمر ۳۹ ، آیه ۲۲ .

۵- [۵] . واحدی ، اسباب النزول ، ص ۲۴۸ ؛ ابن شهر آشوب ، مناقب علی بن ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۸۰ .

۶- [۶] . سوره نساء ۴ ، آیه ۱۷۴ .

منظور از برهان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم و منظور از نور

علی علیه السلام است .(۱)

۵. ولایت علی علیه السلام

در شماری از آیات قرآن از ولایت امیرمؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام نور

تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱ . « لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ » ؛

تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد .(۲)

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام در تفسیر این آیه فرمودند :

یعنی شما را از کفر به ایمان ، یعنی به سوی ولایت علی علیه السلام

بیرون آورد .(۳)

۲ . « يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤا نُورَ اللّهِ بِأَفْواهِهِمْ » ؛

می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند .(۴)

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند : منظور از نور خدا چیست ؟ فرمود :

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد .(۵)

۳ . « يَهْدِي اللّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ » ؛

۱- [۱] . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۲۸۵ .

۲- [۲] . سوره حدید ۵۷ ، آیه ۹ .

۳- [۳] . سید هاشم بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۹ ، ص ۳۸۰ .

۴- [۴] . سوره صف ۶۱ ، آیه ۸ .

۵- [۵] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۵۸ .

خداوند هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند .(۱)

امام زین العابدین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند .(۲)

امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

خداوند هر کس را دوست بدارد به ولایت ما هدایت

کند .(۳)

ابن مغازلی نیز با اسناد خود از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خداوند هر کس را بخواهد به ولایت ما هدایت می کند .(۴)

۶ . امامان علیهم السلام

در آیات فراوان از امامان معصوم علیهم السلام نور تعبیر شده ، از جمله :

۱ . « نُورٌ عَلی نُورٍ » ؛

نوری بر فراز نور .(۵)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه ی نور فرمود :

یعنی : امام به دنبال امامی دیگر .(۶)

۱- [۱] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۲- [۲] . بحرانی ، البراهان ، ج ۷ ، ص ۸۷ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۲۶ .

۴- [۴] . ابن مغازلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۶ ، ح ۳۶۱ .

۵- [۵] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۶- [۶] . شیخ صدوق ، التوحید ، ص ۱۵۷ .

امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود :

یعنی : إِماماً مُؤَیَّداً بِنُورِ الْعِلْمِ وَالْحِکْمَهِ فی أَثَرِ إِمامٍ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ علیهم السلام ؛

یعنی : امامی تأیید شده با نور دانش و فضیلت ، به دنبال امام دیگری

از آل محمّد علیهم السلام .(۱)

حافظ ابن مغازلی از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که در این رابطه

فرمود :

یعنی : امام پشت سرِ امامی دیگر .(۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

یعنی : امامی پشت سرِ امامی دیگر از تبار فاطمه علیهاالسلام .(۳)

۲ . « وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ » ؛

برای شما نوری قرار می دهد که در پرتو آن حرکت کنید .(۴)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پیروی کنید .(۵)

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمود :

۱- [۱] . همان ، ص ۱۵۸ .
۲- [۲] . ابن مغازلی ، مناقب علی بن ابی طالب ، ص ۳۱۷ ، ح ۳۶۱ .
۳- [۳] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .
۴- [۴] . سوره حدید ۵۷ ، آیه ۲۸ .
۵- [۵] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ و ۴۳۰ ، ح ۸۶ .

برای شما امامی قرار می دهد که از او پیروی نمایید .(۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در تفسیر این آیه مصداق را مشخص کرده فرمود :

منظور از نور در این آیه علی علیه السلام است .(۲)

امام باقر علیه السلام با بیان شفاف تر فرمود :

یعنی : برای شما امام عادلی قرار می دهد که از او پیروی کنید

و آن علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد .(۳)

۳ . « وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النّاسِ » ؛

برای او نوری قرار دادیم که در پرتو آن در میان مردم گام بسپارد .(۴)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه نیز فرمود :

منظور از نور امامی است که از او پروی کنند .(۵)

۴ . « فَآمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا » ؛

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید .(۶)

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه خطاب به ابوخالد کابلی فرمود :

ای اباخالد ، سوگند به خدا نور همان امامان از آل محمّد علیهم السلام

هستند تا روز رستاخیز ، به خدا سوگند آنها همان نور

۱- [۱] . شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۶۶۸ .

۲- [۲] . همان ، ص ۶۶۹ .

۳- [۳] . بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۱۵ .

۴- [۴] . سوره انعام ۶ ، آیه ۱۲۲ .

۵- [۵] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ ؛ عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۷۵ ، ح ۸۹ .

۶- [۶] . سوره تغابن ۶۴ ، آیه ۸ .

خداوند هستند که فرو فرستاده ، به خدا سوگند آنها نور خدا

هستند در آسمانها و زمین .(۱)

۷ . حضرت مهدی علیه السلام

در آیات فراوان از جان جانان ، حجت یزدان ، ماه تابان ، خورشید

فروزان ، کعبه ی مشتاقان ، امام عصر و زمان ، حضرت بقیه اللّه ارواح

العالمین له الفداء ، به نور تعبیر شده ، که از آن جمله است :

۱ . « یَهْدِی اللّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ » ؛

خداوند هر کس را بخواهد به نور خودش هدایت می کند .(۲)

جابر بن عبداللّه انصاری تفسیر کامل آیه ی نور را از مولای متقیان

امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده ، امیرمؤمنان در این تفسیر ، « مشکات » را به

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، « مصباح » را به خویشتن ، هر فراز دیگری را به یکی از

امامان نور تطبیق نموده ، سرانجام فراز « یَهْدِی اللّه ُلِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ » را به آن

حضرت تطبیق نموده فرمود :

منظور از آن مهدیِ قائم علیه السلام می باشد .(۳)

۲ . « الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ » ؛

آن بلور همانند ستاره ی فروزانی است که از درختی فرخنده برافروخته

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ .

۲- [۲] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .

۳- [۳] . سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۸۸ ؛ همو ، المحجّه ، ص ۱۴۷ ؛ همو ، اللّوامع القرآنیّه ، ص ۲۴۷ .

می شود .(۱)

امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی پاسخ های مولای

متقیان علیه السلام را از چند پرسش تفسیری نقل کرده ، در تفسیر فراز بالا از آیه ی

نور فرمودند :

منظور از « زُجاجَه » (بلو) فاطمه ی زهرا و منظور از « شَجَره

مُبارَکه » رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و منظور از « کَوْکَب دُرِّیّ » همان

قائم منتظر است که زمین را پر از عدل و داد می نماید .(۲)

۳ . « وَ اللّهُ مُتِمُّ نُورِهِ » ؛

خدا نور خود را به اتمام خواهد رسانید .(۳)

امام کاظم علیه السلام در تفسیر این فراز از آیه فرمود :

خداوند با ولایت قائم علیه السلام نور خود را به اتمام می رساند .(۴)

۴ . « فَآمِنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا » ؛

به خدا ، پیامبر خدا و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید .(۵)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن خطبه ی غدیرخم مضمون این آیه شریفه را

تلاوت کردند ، سپس فرمودند :

مَعاشِرَ النّاسِ اَلنُّورُ مِنَ اللّه ِفِیَّ مَسْلُوکٌ ثُمَّ فی عَلِیٍّ ، ثُمَّ فِی النَّسْلِ

۱- [۱] . سوره نور ۲۴ ، آیه ۳۵ .
۲- [۲] . نعمانی ، رساله محکم و متشابه ، ص ۴ .
۳- [۳] . سوره صف ۶۱ ، آیه ۸ .
۴- [۴] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۴۳۲ ، ح ۹۱ .

۵- [۵]. سوره تغابن ۶۴ ، آیه ۸.

مِنْهُ اِلَی الْقائِمِ الْمَهْدِیِّ الَّذی یَأْخُذُ بِحَقِّ اللّه ِ وَبِکَلِّ حَقٍّ هُوَلَنا ؛

هان ای مردمان ، این نور در من قرار گرفته ، سپس در علی ، سپس

در نسل او تا قائم مهدی ، که حق خدا و همه ی حقوق ما را

می گیرد .(۱)

آنگاه به تفصیل ویژگیهای حضرت مهدی علیه السلام را برشمرده ، در پایان

می فرماید :

اَلا اِنَّهُ الْباقی حُجَّةً وَلا حُجَّهَ بَعْدَهُ ، وَلا حَقَّ اِلاّ مَعَهُ ، وَلا نُورَ اِلاّ

عِنْدَهُ ، اَلا اِنَّهُ لا غالِبَ لَهُ وَلا مَنْصُورَ عَلَیْهِ ؛

آگاه باشید که او بازمانده ی حجت ها می باشد ، پس از او حجتی

نیست ، حق تنها با اوست ، نور تنها در نزد اوست ، هرگز احدی به

او غالب نمی شود و کسی بر او چیره نمی گردد .(۲)

۵ . « وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها » ؛

زمین با نور پروردگارش روشن گردد .(۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

رَبُّ الْاَرْضِ یعنی اِمامُ الْاَرْضِ ؛

منظور از « رَبُّ الْاَرْضِ » ، امام زمین است .

مفضل پرسید : هنگامی که او خروج کند چه اتفاقی رخ می دهد ؟

۱- [۱] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۱ ، ص ۶۱ .
۲- [۲] . همان ، ص ۶۴ .

۳- [۳]. سوره زمر ۳۹ ، آیه ۶۹.

فرمود :

اِذَنْ یَسْتَغْنِی النّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَنُورِ الْقَمَرِ ، وَیَجْتَزُونَ بِنُورِ

الْاِمامِ ؛

در آن هنگام مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و به نور

امام علیه السلام بسنده می کنند .(۱)

و در حدیث دیگر با بیان روشن تر فرمود :

اِنَّ قائِمَنا اِذا قامَ اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَاسْتَغْنَی النّاسُ عَنْ

ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَهُ ؛

چون قائم ما قیام نماید ، زمین با نور صاحبش روشن گردد و مردم

از نور خورشید بی نیاز شود و تاریکی از بین برود .(۲)

در برخی نقلها این فراز نیز آمده است که :

وَصارَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ واحِداً ؛

شب و روز یکی شود .(۳)

جالب توجه است که این مضمون در کتب آسمانی نیز آمده است ، به

عنوان نمونه دو فراز از انجیل را در اینجا می آوریم :

شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد ، زیرا

که جلال خدا آن را منور می سازد .(۴)

۱- [۱] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۲۵۳ .

۲- [۲] . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۸۱ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۹۳ .

۳- [۳] . طبری ، دلائل الامامه ، ص ۴۵۴ و ۴۸۶ .

۴- [۴] . کتاب مقدس ، عهد جدید ، مکاشفه یوحنا ، ۲۱ : ۲۴ .

دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب

ندارند ، زیرا که خداوند خدا برایشان روشنایی می بخشد .(۱)

این بود نمی از یم ، قطره ای از دریا و اندکی از بسیار ویژگیهای امامان

نور در آیات نورانی قرآن کریم ، که تحت عنوان « فراتر از خورشید » تقدیم

گردید .

این بخش را با حدیثی از امام باقر علیه السلام در همین رابطه حُسن ختام

می بخشیم :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی هشتم از سوره تغابن خطاب به ابوخالد

کابلی فرمود :

وَاللّه ِ یا اَبا خالِدٍ : لَنُورُ الْاِمامِ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ

الْمُضیئَهِ بِالنَّهار ؛

وَهُمْ وَاللّه ِ یُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤمِنینَ ، وَیَحْجُبُ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ نُورَهُمْ

عَمَّنْ یَشاءُ فَتُظْلَمُ قُلُوبُهُمْ ؛

به خدا سوگند ای اباخالد ، نور امام در دلهای مؤمنان از نور

خورشید فروزان در وسط روز پرنورتر است .

به خدا سوگند امامان دلهای مؤمنان را منوّر می سازند ، لکن نور

آنها را از هر کس بخواهد در حجاب قرار می دهد ، پس دلهای آنها

تاریک می گردد .(۲)

۱- [۱] . همان ، ۲۳ : ۵ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ .

* * *

ص:۶۷

نقش امام در زدودن تاریکی ها

نور و ظلمت دو واژه ی متقابل هستند ، و هر دو بر دو قسم هستند :

۱ . محسوس

۲ . غیرمحوسس

خداوند منان از روی حکمت بالغه و رحمت واسعه اش برای زدودن

ظلمتهای مادی ، انوار مادی و برای زدودن ظلمتهای معنوی ، انوار معنوی

قرار داده است .

خداوند برای زدودن تاریکی های محسوس ، خورشید ، ماه ، ستارگان ،

چراغ ، شمع ، انواع پرتو افکن های نفتی ، گازی ، برقی و غیره در اختیار

انسانها قرار داده است .

این خورشید جهان افروز ملیونها سال با نور خود به کرات منظومه نور

و حرارت داده ، با خاصیت میکروب زدایی خود محیط زیست را قابل

زیست نموده ، با خاصیت پرورش خود گیاهان و جانداران را پرورش داده

است .

ماه و ستارگان در غیاب خورشید نقش او را در سطحی فروتر انجام

داده اند ، ولی هرگز خورشید ، ماه ، ستارگان و دیگر ابزار پرتوافکن و

انرژی زا نمی توانند تاریکی دلها را بزدایند و از انوار درخشان خود بر دلهای

تاریک بتابانند و تاریکی جهل ، حرص ، شقاوت و ... را از آن ها بزدایند .

برای زدودن تاریکی های معنوی انوار معنوی لازم است ، که با تابش

آنها بر دلهای تاریک ، هر گونه تاریکی را از آنها بزدایند و با انوار الهی آنها

را روشن و منور بنمایند .

در بخش پیشین با جلوه هایی از نور امام آشنا شدیم و دانستیم که نور

امام از نور خورشید فراتر و پرفروغتر است .

برای زدودن تاریکی های معنوی خداوند نور امام را با قدرت و وسعت

بسیار والایی قرار داده ، که بر هر دلی بتابد زوایای تاریک آن را منور

می سازد و او را از تاریکی بیرون آورد به ساحل نجات ، سعادت ، رحمت و

نور می رساند .

نور امام برافروخته از نور خدا و نور رسول خدا است ، از این رهگذر

این عمل امام را قرآن کریم ، گاهی به خدا ، گاهی به رسول خدا و گاهی به

امامان نور نسبت می دهد :

۱ . « اللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ » ؛

ص:۶۹

خدا ولی کسانی است که ایمان آورده اند ، آنها را از تاریکی ها به سوی نور

بیرون می برد .(۱)

ظلمات در این آیه بی گمان ظلمتهای معنوی ، از قبیل گناه ، جهل و

پیروی خلفای جور می باشد و نور در مقابلْ عبارت از توبه ، ایمان و پیروی

از اولیای الهی است ، چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

از ظلمت های گناه به سوی نور توبه و مغفرت به وسیله ی

پیروی از امام عادلِ انتخاب شده از سوی خدا بیرون

می برد .(۲)

۲ . « کِتابٌ اَنْزَلْناهُ اِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ » ؛

این کتابی است که آن را به سوی تو فروفرستادیم تا مردمان را از تاریکی ها به

سوی نور بیرون ببری .(۳)

در این آیه نیز منظور از تاریکی ها ، تاریکی های معنوی می باشد .

۳ . « أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النّاسِ کَمَنْ

مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها » ؛

آیا کسی که مرده است ، پس او را زنده کردیم و برای او نوری قرار دادیم

که به وسیله ی آن در میان مردم گام می سپارد ، آیا او همانند کسی است که

در میان تاریکی ها باشد و از آن بیرون شدنی نباشد ؟ !(۴)

۱- [۱] . سوره بقره ۲ ، آیه ۲۵۷ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ج ۱ ، ص ۳۷۵ .

۳- [۳] . سوره ابراهیم ۱۴ ، آیه ۱ .

۴- [۴] . سوره انعام ۶ ، آیه ۱۲۲ .

در آیه ی نخستین از بیرون آمدن انسانها از تاریکی های معنوی به

وسیله ی خدا ، در آیه ی دوم به وسیله ی پیامبر اکرم و در آیه ی سوّم به

وسیله ی امامان گفتگو شده است .

در آیات فراوان تأکید شده که هدایت نور و ضلالت ظلمات است ،

هدایت زندگی و ضلالت مرگ است ، از این رهگذر معلوم می شود که

مهم ترین نقش امامان نور ، زنده کردن دلهای مرده و بیرون آوردن آنها از

تاریکی ها به سوی نور ایمان می باشد .

از تقابل نور و ظلمات در این آیات استفاده می شود که امام عادل مشعل

هدایت و خلفای جور کانون ظلمات هستند ، چنانکه در احادیث فراوان

به این حقیقت اشاره شده است :

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود :

« مَیْت » یعنی کسی که چیزی نمی داند ، « نُور » یعنی امامی که

از او پیروی کنند ، « ظُلُمات » یعنی کسی که امام را

نشناسد .(۱)

و در حدیث دیگری فرمود :

مَیْت ؛ کسی که امامت را نمی داند ، نُور ؛ امامی که از او پیروی

کنند ، که علی بن ابی طالب است و ظُلُمات ؛ این مردمانی که

چیزی نمی دانند .(۲)

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۸۵ .

۲- [۲] . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۳۷۶ .

و در تفسیر قمی آمده است :

مَیْت ؛ جاهل به حق و ولایت ، نُور ؛ ولایت و ظُلُمات ؛ ولایتِ

غیرامامان می باشد .(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به هنگام گفتگو از خلقت نوری امامان فرمود :

خداوند بعد از من و بعد از علی ، یازده تن امام بر گزید ، یکی

پس از دیگری ، هر کدام درگذرد دیگری جای او برخیزد ،

همانند ستارگان آسمان ، که هر ستاره ای غروب کند ، ستاره ای

دیگر طلوع می کند ، که هدایتگرانِ هدایت یافته هستند ، هر

کس به آنها حیله کند ، یا آنها را خوار سازد ، به آنها صدمه

نمی زند ، آنها حجت خدا در روی زمین و گواهان خدا در

میان بندگان خدا هستند ، هر کس از آنها اطاعت کند ، از خدا

اطاعت کرده و هر کس آنها را نافرمانی کند ، خدا را نافرمانی

کرده ، آنها همواره با قرآن و قرآن با آنهاست ، از یکدیگر جدا

نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند .(۲)

همه ی انوار حسّی و ظاهری محیط ظاهری و مادی را روشن می سازند

ولی انوار درخشان الهی هم محیط زندگی معنوی انسان را در این سرای

روشن می سازند ، هم در آن سرای ، پیشوایان نور هم در این جهان راهبر و

راهنما هستند و دلهای مستعد را از نور ایمان آکنده می سازند ، هم در سرای

آخرت پیشوا و پشتیبان هستند و اهل ایمان را تا مراتب والای رحمت الهی

۱- [۱] . علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی ، ج ۱ ، ص ۲۱۵ .
۲- [۲] . سید هاشم بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۴۹۷ .

رهنمون می شوند :

« یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ

بِأَیْمانِهِمْ » ؛

روزی که مردان و زنان با ایمان را می بینی که نورشان در پیشاپیش آنها و از

سوی راست آنها پیش می تازد .(۱)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود :

امامان نور روز رستاخیز پیشاپیش مؤمنان و از سوی راست

آنان پیش می تازند تا آنها را به جایگاه خود در بهشت

برسانند .(۲)

انوار درخشان الهی همانند انوار حسّی جهان طبیعت است ، اگر کسی

نخواهد از نور خورشید استفاده کند ، بین خود و نور خورشید عایق ایجاد

کند ، از نور خورشید محروم خواهد بود ، شرط استفاده از انوار الهی نیز

پیروی از نور الهی است ، چنانکه در شماری از آیات قرآن این معنی به

صراحت آمده است ، از جمله :

« وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ » ؛

و پیروی کردند از نوری که با او نازل شده است .(۳)

پس اگر کسی از این نور پیروی نکند و از تابش نور الهی بر دلش

جلوگیری نماید ، از آثار حیاتبخش آن محروم خواهد بود ، و لذا می بینیم

۱- [۱] . سوره حدید ۵۷ ، آیه ۱۲ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۵ .

۳- [۳] . سوره اعراف ۷ ، آیه ۱۵۷ .

که قرآن کریم در مورد هدایتگری خود می فرماید :

« ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ » ؛

این کتاب که شکی در آن نیست ، هدایت است برای پارسایان .(۱)

قرآن برای همه ی انسانها هدایتگر است ، ولی تنها تقوا پیشگان از

هدایت آن سود می برند .

امام نیز خورشید فروزانی است که هر لحظه نورافشانی می کند ، ولی

تنها کسانی از این انوار بیکران بهره می برند که از آنها پیروی کنند و بین خود

و این انوار درخشانْ با گناهان سدّ ایجاد نکنند .

قرآن کریم شرط استفاده از انوار الهی را ایمان و عمل صالح معرفی کرده

می فرماید :

« رَسُولاً یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِ اللّهِ مُبَیِّناتٍ لِیُخْرِجَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا

الصّالِحاتِ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ » ؛

پیامبری آیه های روشنگر خداوند را برای شما تلاوت می کند ، تا کسانی را که

ایمان آورده عمل صالح انجام دهند ، از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد .(۲)

روی این اساس شرط استفاده از نور الهی ایمان و عمل صالح است ، اگر

ایمان و عمل صالح نباشد ، انسان از این نور محروم می شود .

اگر مردم نخواهند از نور امام استفاده کنند ، امام در پشت پرده ی غیبت

قرار می گیرد و همگان از ارتباط مستقیم ـ دو سویه ـ محروم می شوند .

وجود مقدس امام عصر علیه السلام به علی بن مهزیار فرمود :

۱- [۱]. سوره بقره ۲ ، آیه ۲.

۲- [۲]. سوره طلاق ۶۵ ، آیه ۱۱.

يَابْنَ الْمازِيارِ ، اَبى : اَبُومُحَمَّدٍ عَهِدَ اِلَيَّ اَنْ اُجاوِرَ قَوْماً غَضِبَ اللّه ُ

عَلَيْهِمْ ؛

ای پسر مهزیار ، پدرم ابومحمّد (امام حسن عسکری علیه السلام) با من

پیمان بسته که با قومی که خداوند به آنها غضب کرده مجاورت

نکنم .(۱)

امیرمؤمنان علیه السلام در بیان شفافی راز این محرومیت را توضیح می دهد :

وَاعْلَمُوا اَنَّ الاْرْضَ لا تَخْلُو مِنْ حُجَّهٍ لِلّه ِ عَزَّوَجَلَّ ، وَلكِنَّ اللّه َ سَيُعْمى

خَلْقَهُ عَنْها بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَاِسْرافِهِمْ عَلى اَنْفُسِهِمْ ؛

بدانید که زمین هرگز خالی از حجت خدای عزوجل نمی شود ،

لکن خداوند آفریده هایش را به جهت جور ، ستم و اسرافشان بر

خودشان ، ــ از دیدار حجت خدا ــ نابینا می سازد .(۲)

* * *

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۲ .

۲- [۲] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۱ .

خورشید نهان در پشت ابرهای گران

در آستانه ی دوازدهمین قرن آغاز غیبت کبری هستیم .

روز نیمه ی شعبان ۳۲۹ هجری علی بن محمّد سمری ، آخرین نایب

خاص حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه درگذشت و آخرین خورشید فروزان

امامت در پشت ابرهای گران « غیبت کبری » قرار گرفت .(۱)

۱- [۱] . روز نهم شعبان ۳۲۹ ه . توقیع شریف از سوی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه به آخرین نایب خاص رسید ، که ای علی بن محمّد سمری تا شش روز دیگر دنیا را وداع خواهی کرد ، کسی را به جای خود معرفی نکن ، که غیبت دوم فرارسید ، و دقیقاً روز نیمه شعبان ۳۲۹ ه . درگذشت و غیبت کبری آغاز گردید . ر . ک : شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۱۶ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ .

خداوند منان با حکمت بالغه اش یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر

برای ارشاد و هدایت مردمان فرستاد که غالب آنها توسط طاغوت های

زمان خود به شهادت رسیدند ، پس از این قبیله ی نور که از آدم ابوالبشر تا

حضرت ختمی مرتبت ادامه داشت ، خداوند منان دوازده امام از خاندان

پیامبر اکرم برگزید و توسط شخص پیامبر اسامی و مشخصات آنان را بیان

نمود .(۱)

خداوند منان با حکمت بالغه اش دوازدهمین امام نور را به عنوان خاتم

اوصیاء و آخرین حجت خود برگزیده بود ، مردمان یازده مشعل هدایت را

به دست خود به شهادت رسانیدند و از دوازدهمین حجت روی گردان

شدند ، خداوند به آنها غضب کرد و آخرین امام نور را در پشت پرده ی

غیبت قرار داد .

محمّد بن فرج می گوید : ابوجعفر ـ امام جواد ـ علیه السلام به من نوشت :

اِذا غَضِبَ اللّه ُ تَبارَکَ وَتَعالی عَلی خَلْقِهِ نَحّانا عَنْ جِوارِهِمْ ؛

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی بر مردمان غضب نمود ، ما را از

مجاورت آنها دور می سازد .(۲)

در مدت هفتاد سال (۲۶۰ تا ۳۲۹ ه .) چهار تن از شخصیتهای

برجسته ی جهان تشیع متصدی امر سفارت بودند که پرسش های مردم را به

محضر امام علیه السلام ایصال نموده ، پاسخ های آن حضرت را با خط شریف آن

۱- [۱] . آیت اللّه صافی از مراجع تقلید معاصر جلد اول کتاب « منتخب الأثر » را به بشارات مربوط به دوازده امام نور

اختصاص داده ، ۳۱۰ حدیث در این رابطه گرد آورده است .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۳ .

حضرت که برای خواص شیعیان شناخته شده بود ، به مردم می رسانند .

این چهار تن عبارت بودند از :

۱ . ابوعمرو ، عثمان بن سعید بن عمرو ، متوفّای ۲۶۵ ه .

۲ . ابوجعفر ، محمّد بن عثمان بن سعید عَمری ، متوفّای ۳۰۵ ه .

۳ . ابوالقاسم ، حسین بن روح نوبختی ، متوفّای ۳۲۶ ه .

۴ . ابوالحسن ، علی بن محمّد سَمَری ، متوفّای ۳۲۹ ه .

نایب اول از عهد امام هادی علیه السلام مورد عنایت و توجه امامان بوده ، امام

هادی به احمد بن اسحاق قمی می فرماید :

این ابوعمرو ، ثقه و امین است ، آنچه به شما بگوید از من گفته

است و آنچه به شما ابلاغ کند ، از من ابلاغ کرده است .(۱)

امام عسکری علیه السلام در مورد وی و پسرش محمّد بن عثمان می فرماید :

عَمری و پسرش هر دو ثقه هستند ، آنچه به شما ابلاغ کنند ،

از سوی من ابلاغ کرده اند و آنچه به شما بگویند ، از قول من

گفته اند .(۲)

نایب دوم در لحظات واپسین اعلام کرد که به امر حضرت من مأمور

شده ام که حسین بن روح را به جای خود نصب کنم ، او وکیل و سفیر

حضرت ، مورد اعتماد و وثوق آن حضرت می باشد ، به او مراجعه کنید و

بر او اعتماد کنید .(۳)

۱- [۱] . همان ، ص ۳۳۰ .

۲- [۲] . همان .

۳- [۳] . طوسی ، الغیبه ، ص ۳۷۱ .

او نیز در لحظات آخر به علی بن محمّد سمری وصیت نمود و او را قائم

مقام خود اعلام کرد .(۱)

با توجه به حسّاسیت موضوع ، معجزات و کرامات فراوانی به دست

نواب چهارگانه رخ داده که شیعیان در نیابت و سفارت آنها دچار تردید

نشوند .(۲)

خداوند منان از روی رحمت واسعه اش برای آمادگی اذهان بندگان ،

برای بسیاری از پیامبران دوران غیبتی پیش آورده ، تا مردم آخرالزّمان از

پیشینه ی آن در عصر پیامبران آگاه بشوند و بتوانند غیبت حجت خدا را بر

خود هموار کنند .(۳)

شیخ صدوق در دیباچه ی کتاب شریف « کمال الدین و تمام النعمه »

می نویسد :

شبی در عالم رؤیا به محضر حضرت صاحب العصر

والزّمان علیه السلام رسیدم ، فرمود : چرا کتابی پیرامون غیبت

نمی نویسی ؟ ! عرضه داشتم که در این رابطه کتابهایی تألیف

کرده ام .

فرمود : اینک کتابی بنویس و در آن غیبت های پیامبران را

بیان کن .(۴)

۱- [۱] . همان ، ص ۳۹۳ .

۲- [۲] . ر . ک : شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۵۳ _ ۳۹۶ .

۳- [۳] . ر . ك : شيخ صدوق ، كمال الدين ، ج ۱ ، ص ۱۲۷ _ ۱۶۱ .

۴- [۴] . همان ، ص ۳ .

شیخ صدوق در این کتاب غیبت پیامبران را بیان کرده ، احادیث پیامبر

اکرم ، فاطمه ی زهرا ، امیرمؤمنان ، امام حسن مجتبی تا امام حسن

عسکری علیهم السلام در مورد غیبت آن حضرت با سلسله اسناد خود برشمرده

است .(۱)

در شماری از احادیث مربوط به غیبت تصریح شده که برای آن حضرت

دو غیبت است :

۱ . کوتاه

۲ . بلند

غیبت کوتاه در میان شیعیان به غیبت « صغری » و غیبت بلند به غیبت

« کبری » مشهور شده است .

به عنوان نمونه به نقل یک حدیث در این رابطه تبرک می جوییم :

مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که

فرمود :

لِلْقائِمِ غَیْبَتانِ ، اِحْداهُما قَصیرَهٌ وَالْاُخْری طَویلَهٌ ، اَلْغَیْبَهُ الْاُولی لا

یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فیها اِلّا خاصَّهُ شیعَتِهِ ، وَالْاُخْری لا یَعْلَمُ بِمَکانِهِ فیها

اِلّا خاصَّهُ مَوالیهِ ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است ، یکی کوتاه دیگری طولانی ، در

غیبت نخستین جز خواص شیعیان از جایگاه او مطلع نمی شوند و

در غیبت دومی فقط خواص خدمتگزاران از جایگاهش مطلع

۱- [۱] . همان ، ص ۲۸۶ _ ۴۰۹ .

می شوند .(1)

مرحوم کلینی در زمان غیبت صغری می زیست و پیش از فرارسیدن

غیبت کبری دیده از جهان فروبسته است .

وی در کتاب شریف کافی که معتبرترین کتاب حدیثی شیعه شناخته

شده ، فصلی را به مسأله غیبت اختصاص داده ، آن را « بابٌ فِی الغیبه » نام

نهاده ، در این باب سه حدیث روایت کرده که در آنها تعبیر : « دو غیبت »

آمده است .(2)

در شماری از آیات قرآن از غیبت آن حضرت گفتگو شده و در احادیث

معصومین علیهم السلام به آن تصریح شده است ، از جمله :

داود بن کثیر رقّی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه ی :

« یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ » ؛

به غیبت ایمان می آورند ،(3) فرمود :

مَنْ اَقَرَّ بِقِیامِ الْقائِمِ علیه السلام اَنَّهُ حَقٌّ ؛

کسی که به قیام قائم علیه السلام باور کند که آن حق است .(4)

و در حدیث دیگری فرمود :

منظور از متّقین در « هُدیً لِلْمُتَّقِینَ » شیعیان علی علیه السلام است

و منظور از « الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ » حجّت غائب علیه السلام

1-[1] . کلینی ، الکافی ، ج 1 ، ص 340 .
2-[2] . همان ، ص 339 _ 340 ، ح 12 ، 19 و 20 .

۳- [۳] . سوره بقره ۲ ، آیه ۲ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۱۷ .

است .

سپس فرمود :

و گواه آن سخن خداوند متعال است که فرمود :

« فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ »

بگو : غیب از آنِ خداست ، پس منتظر باشید که منِ ــ پیامبر ــ

نیز همراه شما از چشم به راهانم .(۱)

که منظور از غیب : « حجّت غائب » است .(۲)

با توجه به خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و عدم نسخ شرایع و محدود

بودن اوصیای پیامبر در دوازده امام نور و به شهادت رسیدن یازده تن از

آنها ، بر خدای سبحان بود که دوازدهمین امام نور را برای این امت باقی

بدارد ، زیرا اگر یک لحظه زمین خالی از حجت باشد ، زمین اهل خود را

در کام خود فرو می برد ، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده و

اینک چند نمونه :

۱ . امام باقر علیه السلام فرمود :

اگر یک روز امامی از ما در روی زمین نباشد ، زمین اهل خود

را در کام خود فرو می برد .(۳)

۲ . امام صادق علیه السلام فرمود :

۱- [۱] . سوره یونس ۱۰ ، آیه ۲۰ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۱۷ .

۳- [۳] . همان ، ص ۲۰۴ .

اگر یک ساعت زمین از حجت خدا خالی باشد ، اهل خود را

در کام خود فرو می برد .(1)

۳ . امام رضا علیه السلام فرمود :

اگر به مقدار یک چشم به هم زدن ،زمین از حجت خدا خالی

باشد ، اهل خود را در کام خود فرو می برد .(2)

روی این بیان چاره ای نیست جز اینکه خداوند حجت خود را در پشت

پرده ی غیبت نگه بدارد ، تا روزی که همگان احساس اضطرار کرده ، به

آستان الهی روی آورده ، ظهور حجت خدا را مسئلت نمایند .

* * *

۱- [۱] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۱ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ص ۱۹۹ ؛ همو ، عیون الاخبار ، ص ۲۱۲ .

نقش امام در بقای این نظام

اشاره

درست سی سال پیش دانشمند فرهیخته ی از سور بن فرانسه در

تلویزیون پاریس ظاهر شد و گفت :

ای اهل عالم من یافتم !

او فیلسوف برجسته ی غرب شادروان « پرفسور هانری کُربَن » بود ، که

بعدها به آغوش اسلام آمد و در سال ۱۳۵۷ ش . با اعتقاد به اسلام و تشیع از

دنیا رفت .

او در حدود سه سال پیش از ارتحال خود که سخت به آیین مسیحیت

پابرجا بود در شب نیمه ی شعبان در سیمای پاریس ظاهر شده ، کشف

ص:۸۴

جدید خود را اینگونه شرح داد :

سالها بود که مشکل بزرگی مرا رنج می داد و من از حل آن ناتوان بودم و

اینک این راز بزرگ گشوده شده ، من نفس راحتی می کشم و کشف این راز

را به عنوان ارمغانی بزرگ به جهانیان اعلام می دارم :

من براساس یافته های علمی خود به این نتیجه رسیده بودم که خداوند

فیّاض علی الاطلاق است و هر لحظه فیض او به سوی جهان هستی سرازیر

است .

برای رسیدن فیوضات بیکران حق تعالی واسطه ی فیضی لازم است .

آنگاه در ادیان بزرگ جهان این موضوع را بررسی کردم ، دیدم از نظر

یهود بعد از حضرت موسی علیه السلام پیامبری مبعوث نشده ، در نتیجه بیش از

چهار هزار سال است که واسطه ی فیض در دنیا وجود ندارد و این از نظر

فلسفه ای که من دریافته بودم غیرممکن بود .

مسیحیت وضع بهتری داشت ، زیرا حضرت مسیح را به پیامبری

پذیرفته بود و لذا تا نزدیک دو هزار سال پیش به وجود واسطه ی فیض

اعتراف داشت ، ولی پس از حضرت عیسی علیه السلام به نبوت پیامبر دیگری

معتقد نبود .

چون به مطالعه در آیین اسلام پرداختم ، دیدم اسلام از جهتی بهتر از

دو آیین پیشین و از جهتی بدتر از آنهاست .

از نظر اینکه مسلمانان پیامبر اسلام را به پیامبری می پذیرند تا شش

قرن بعد از حضرت عیسی علیه السلام واسطه ی فیض را معترف هستند ، ولی از

نظر اینکه پیامبر اسلام را خاتم پیامبران می دانند ، برای همیشه واسطه ی

فیض را منتفی می دانند .

از این رهگذر من در بحران عجیبی فرو رفته بودم ، این ناسازگاری

ادیان با یافته های علم ، مرا کاملاً گیج کرده بود .

من یقین داشتم که نباید بین دانش و دین تضاد باشد ، زیرا دین عبارت از

تشریع خداوند و دانش عبارت از کشف ودیعه های خداوند در جهان

تکوین و طبیعت می باشد .

از یافته های علمی خود نمی توانستم دست بردارم ، زیرا به یافته های

خود باور داشتم ، از دین نیز نمی توانستم چشم بپوشم ، زیرا یقین داشتم که

خداوند بشر را یله و رها نکرده ، تکالیفی از او خواسته و این تکالیف را

توسط حجت های خود به آنان ابلاغ نموده است .

پرفسور هانری کُربَن آنگاه اضافه کرد :

امسال تابستان که طبق سنوات قبلی برای بهره وری از محضر فیلسوف

بزرگ شرق استاد علامه ی طباطبایی به ایران سفر کرده بودم ، مشکل خود

را با ایشان در میان نهادم .

ایشان فرمودند : آنچه از پژوهش و تحقیق در فلسفه دریافته اید که باید

همواره یک نفر به عنوان واسطه ی فیض در روی زمین باشد ، مطلب

درستی است ، ولی لازم نیست که نام این واسطه « پیامبر » باشد ، بلکه

می تواند « امام » باشد .

آنچه مسلم است این است که باید همواره یک نفر انسان معصوم روی

زمین باشد ، که حجت خدا باشد و واسطه ی فیض بین خدا و مردم باشد .

این موضوع در آیین اسلام با حساسیت و شفافیت خاصی بیان شده و

ص:۸۶

جزو اعتقادات قطعی مسلمانان می باشد :

۱ . امام باقر علیه السلام می فرماید :

از روزی که خداوند حضرت آدم را قبض روح کرد ، حتی یک

لحظه زمین را خالی از امامی که حجت خدا بر مردم و

راهنمای مردم به سوی خدا باشد نگذاشت و هرگز زمین

بدون امامی که حجت خدا باشد نخواهد بود .(۱)

۲ . امام صادق علیه السلام فرمود :

اگر در روی زمین دو نفر باشد ، یکی از آنها حجت بر دیگری

خواهد بود .(۲)

۳ . و در حدیث دیگری فرمود :

اگر فقط دو نفر در روی زمین باقی باشد ، یکی از آنها امام

خواهد بود .

سپس فرمود :

دوّمین کسی که از آنها وفات می کند امام می باشد ، تا کسی

نتواند برای خداوند احتجاج نماید .(۳)

۴ . و در حدیثی دیگر با بیان جامع تری فرمود :

اَلْحُجَّهُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ ؛

۱- [۱] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۹ .
۲- [۲] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۴۰ .

۳- [۳] . همان .

حجت خدا پیش از خلق ، همراه با خلق و بعد از خلق می باشد .(۱)

۵ . امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود :

اَللّهُمَّ اِنَّکَ لا تُخْلی اَرْضَکَ مِنْ حُجَّهٍ لَکَ عَلی خَلْقِکَ ؛

بارالها ، تو هرگز روی زمین را از حجت خود بر مخلوقات خود

خالی نمی گذاری .(۲)

آنگاه شادروان هانری کُربَن خطاب به جهانیان اعلام کرد :

هان ای مردم من یافتم :

تنها دین صحیح دین مقدس اسلام و تنها مذهب صحیح مذهب

حقه ی تشیع می باشد .

خوشبختانه ایشان بعداً به آیین مقدس اسلام و مذهب حقه ی تشیّع

مشرف شد و با اعتقاد صحیح از جهان دیده برتافت .(۳)

بهره وریِ ما از امام غائب

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پیرامون غیبت حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه سخن

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۲۱ .

۲- [۲] . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۷۸ .

۳- [۳] . پرفسور هانری کربن در حدود ۲۵ سال همه ساله به ایران سفر می کرد و از محضر مرحوم علامه طباطبائی خوشه چینی می کرد و بهره های علمی خود را در اروپا منتشر می کرد ، از ایشان بیش از ۲۰۰ جلد کتاب و مقاله به یادگار مانده و ده ها دانشجو تربیت کرده ، صدای تشیع را در فضای غرب به طنین انداخته ، سرانجام در سال ۱۳۵۶ ش رسماً به آیین اسلام و مذهب تشیع اعتراف کرده و در ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۷ ش ۴ ذیقعده الحرام ۱۳۹۸ ه . در ۷۴ سالگی در پاریس درگذشت .

می گفت ، جابر بن عبداللّه انصاری پرسید :

آیا شیعیان در عصر غیبت از فیوضات قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم بهره مند

می شوند ؟ پیامبر اکرم فرمود :

ای وَالَّذی بَعَثَنی بِالنُّبُوَّهِ ، اِنَّهُمْ لَیَسْتَضیئُونَ بِنُورِهِ وَیَنْتَفِعُونَ

بِوِلایَتِهِ فی غَیْبَتِهِ ، کَانتِفاعِ النّاسِ بِالشَّمْسِ وَاِنْ تَجَلَّلَها سَحابٌ ؛

آری ، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت ، مردم از وی

نفع می برند و از نور ولایتش کسب نور می کنند ، همانگونه که از

خورشید بهره مند می شوند هنگامی که ابرها آن را بپوشانند .(۱)

جالب توجه و شایان دقت است که چون از امام سجاد علیه السلام آن را سؤال

کردند ، همان پاسخ را داد(۲) ، چون از امام صادق علیه السلام پرسیدند ، همان

پاسخ را فرمود ،(۳) و هنگامی که از حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه

پرسیدند ، در توقیع شریف خود همان پاسخ را مرقوم فرمود .(۴)

غواص بحار علوم آل محمّد علیهم السلام ، علامه ی مجلسی قدس سرهدر

دائره المعارف ارزشمند خود پس از نقل حدیث ، هشت وجه تشبیه برای

تشبیه خورشید امامت در عصر غیبت به خورشید نهان در پشت ابر بیان

فرموده که بسیار ارزشمند است(۵) وجه دیگری به فکر قاصر این ناتوان

رسیده که مشروح آن را در کتاب « او خواهد آمد » آورده است ، خلاصه ی

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ .

۲- [۲] . دکتر احمد محمود صبحی ، نظریه الامامه ، ص ۴۱۳ .

۳- [۳] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۵۷ .

۴- [۴] . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۷۷ .

۵- [۵] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۹۳ _ ۹۴ .

آن را به صورت فشرده در اینجا تقدیم می دارد :(۱)

براساس هیئت جدید که پایه های آن توسط کپلر ، کپرنیک ، نیوتن و

گالیله پی ریزی شده ، خورشید در وسط منظومه ، زمین و دیگر کرات

منظومه در گرداگرد آن در حال حرکت می باشند .

فی المثل کره ی خاکی ما با ۵۹۵۵ ملیارد تن وزن ملیاردها سال است که

با سرعت سرسام آوری (۱۰۶۲۰۰ کیلومتر در ساعت) به دور هسته ی

مرکزی خود (خورشید) می چرخد .

در اثر این حرکت سریع ، نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی آن را از

مرکز خود دور می کند .

در مقابل ، خورشید با جاذبه ی نیرومند خود ، آن را به سوی خود

جذب می کند .

البته زمین نیز خورشید را به سوی خود جذب می کند ، ولی نظر به

اینکه جاذبه ی یک جسم با وزن آن تناسب مستقیم دارد ، جاذبه ی زمین

نمی تواند در خورشید اثر بگذارد . خورشید که سه ملیون و ۳۳۰ هزار

مرتبه از زمین سنگین تر است ، به همان مقدار جاذبه ی آن نیز قوی تر

است .

آن مقدار نیرویی که در اثر جاذبه ی خورشید بر کره ی خاکی ما وارد

می شود ، دقیقاً معادل است با همان نیروی دافعه ای که زمین در اثر حرکت

دورانی خود آن را به دست می آورد .

تعادل این دو نیرو ، زمین را در مدار معین خود به گردش درآورده و

۱- [۱] . نگارنده ، او خواهد آمد ، چاپ دوازدهم ، ص ۱۶۹ _ ۱۸۷ .

بقای آن را تضمین می کند .

اگر جاذبه ی خورشید کمی بیشتر بود ، زمین در یک لحظه به سوی

خورشید کشیده می شد ، به مجرد برخورد با سطح خورشید متلاشی شده ،

با همه ی ساکنانش رهسپار دیار نیستی می شد .

و اگر نیروی گریز از مرکز زمین کمی بیشتر بود ، با شکستن جاذبه ی

خورشید در فضای بیکران پخش و متلاشی می شد و هستی خود را از دست

می داد .

پس آنچه نظام حاکم بر منظومه ی شمسی را تضمین کرده و بقای کرات

منظومه و گردش آنها را بر گرد خورشید فراهم ساخته ، تعادل این دو نیرو

است ، که با حکمت بالغه ی خداوند حکیم تنظیم شده است .

اگر لحظاتی خورشید جهان افروز در پشت ابرهای گران قرار بگیرد ،

نور ، حرارت ، خواص پرورشی ، میکرب کشی و دیگر فواید آن کم رنگ تر

شود ، یک فایده ی مهم آن ثابت و استوار است و آن راز بقای کرات منظومه

است ، که بود و نبود ابر هیچ تأثیری در آن ندارد .

ممکن است بشر با پیشرفت علم و کشف انرژی های جدید روزی از نور

خورشید ، حرارت خورشید و دیگر فایده های آن بی نیاز شود ، ولی هرگز

نمی تواند از جاذبه ی آن بی نیاز شود و چیز دیگری را جایگزین جاذبه ی

خورشید نماید .

آنچه در مورد کره ی خاکی گفتیم ، دقیقاً در مورد سایر کرات منظومه ،

از عطارد ، زهره ــ زمین ــ مریخ ، مشتری ، اورانوس ، نپتون ، پلوتون و ...

نیز جاری است .(۱)

ص:۹۱

۱- [۱] . همین مطلب از اتم کوچکترین مجموعه ی جهان تا کهکشان (بزرگترین مجموعه یجهان هستی) جاری و ساری می باشد . ر . ک : نگارنده ، همان .

از بررسی مطلب فوق راز تشبیه خورشید امامت در عصر غیبت به

خورشید پنهان در پشت ابر روشن می شود .

پس اگر مدتی این خورشید فروزان جهان خلقت در پشت دیوار غیبت

قرار بگیرد ، توفیق دیدار دو سویه از شیعیان و ارادتمندان گرفته شود و

دیگر بهره وری ها از آن کانون نور و هدایت کم رنگ شود ، یک نقش مهم

آن امام نور به قوت و وسعت خود باقی است و هرگز در عصر غیبت

کم رنگ نمی شود و آن راز بقای جهان هستی است ، که براساس روایات

فراوان :

لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ طَرْفَهَ عَیْنٍ مِنْ حُجَّهٍ لَساخَتْ بِأَهْلِها ؛

اگر به مقدار یک چشم به هم زدن حجت خدا در روی زمین نباشد ،

زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد .(۱)

یکی دیگر از فواید امام که در عصر غیبت بدون کم و کاست به انسانها

می رسد رهبری باطنی اعمال مردم است . علامه ی طباطبایی در این رابطه

می فرماید :

امام چنان که وظیفه ی راهنمایی ظاهری را برعهده دارد ،

ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز برعهده دارد و حیات

معنوی مردم را تنظیم می کند و حقایق اعمال را به سوی خدا

سوق می دهد .(۲)

۱- [۱] . شیخ صدوق ، علل الشرایع ، ص ۱۹۹ ؛ همو ، عیون الاخبار ، ص ۲۱۲ .

۲- [۲] . علامه طباطبائی ، تفسیر المیزان ، ج ۱۴ ، ص ۳۰۴ ؛ همو ، شیعه در اسلام ، ص ۱۵۲ .

امام علیه السلام رشته ی اتصال زمین و آسمان است ، چنانکه در زیارت

سرداب مقدس عرضه می داریم :

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَالسَّماءِ ؛

درود بر تو ، ای وسیله ی اتصال زمین و آسمان .(۱)

آنچه از سوی پروردگار به بندگان عنایت می شود توسط امام است و

آنچه از اعمال صالح بندگان به سوی خدا صاعد می شود به وسیله ی امام

می باشد ، چنانکه در یکی از زیارتهای امام حسین علیه السلام می خوانیم :

اِرادَةُ الرَّبِّ فی مَقادیرِ اُمُورِهِ تَهْبِطُ اِلَیْکُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُیُوتِکُمْ ؛

اراده ی پروردگار در تقدیر امور بر شما فرود می آید و از خانه های

شما شرف صدور می یابد .(۲)

روی این بیان وجود اقدس حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه رمز بقای نظام

هستی است ، واسطه ی فیض حضرت احدیت است ، رشته ی اتصال زمین و

آسمان است ، کانون دریافت فیوضات ربانی و نشر آن در میان مخلوقات

است و قرار گرفتن آن حضرت در پشت پرده ی غیبت مانع این عنایت ها

نمی باشد .

روزنه ای به سوی خورشید

اشاره

۱- [۱] . سید ابن طاووس ، مصباح الزائر ، ص ۴۲۱ .

۲- [۲] . ابن قولویه ، کامل الزیارات ، ص ۲۰۰ .

هنگامی که ابرهای تیره و تار بین ما و خورشید جهان افروز حایل

می شود ، آیا مجبور هستیم که منتظر برطرف شدن ابرها باشیم یا راه

دیگری در پیش روی ما هست ؟

ظاهراً پاسخ مثبت است ، زیرا می توانیم سوار هواپیما شده ، جاذبه ی

زمین را بشکافیم ، از لابه لای ابرهای ضخیم بگذریم ، بر فراز ابرها به

پرواز درآمده در برابر تابش مستقیم انوار درخشان خورشید قرار گیریم .

آیا در زمان غیبت که حجت خدا در پشت پرده ی غیبت قرار گرفته

است ، به ناچار باید دندان روی جگر نهاده ، روزگار تلخ هجران را تجربه

کنیم ، و یا روزنه ای به سوی خورشید وجود دارد ؟

ظاهراً اینجا نیز پاسخ مثبت است و راه هایی برای کنار زدن پرده ی

غیبت وجود دارد و اینک اشاره ای کوتاه به این راه ها :

۱ . دعا برای فرج

تأکید فراوان شده که برای فرج دعا کنیم و تصریح شده که اگر امت

اسلامی آن را انجام دهد موجب تعجیل در امر فرج خواهد شد و اگر انجام

ندهد تا پایان تعیین شده به درازا خواهد کشید .

امام صادق علیه السلام می فرماید :

قرار بود بنی اسرائیل ۴۰۰ سال گرفتار باشند ، هنگامی که

گرفتاری بر آنها سخت آمد چهل روز به درگاه خدا گریه و

زاری کردند ، خداوند به موسی و هارون فرمان داد که آنها را

از دست فرعون نجات دهند . در نتیجه ۱۷۰ سال از دوران

گرفتاری آنها کاسته شد .

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود :

وَهکَذا اَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللّه ُعَنّا ، فَاَمّا اِذا لَمْ تَکُونُوا ، فَاِنَّ الاْمْرَ

یَنْتَهی اِلی مُنْتَهاهُ ؛

اگر شما نیز چنین کنید ، خداوند فرج ما را نزدیک می کند ، و اگر

انجام ندهید ، این امر تا به منتهای خود طول می کشد .(۱)

این حدیث شریف صریح است در این که غیبت حضرت بقیه اللّه

ضرورت ندارد که تا روز تعیین شده در علم الهی به درازا بکشد ، بلکه اگر

امت احساس اضطرار کنند و همگی به آستان حضرت احدیت خضوع ،

تضرّع و ابتهال نمایند ، خداوند از بقیه ی دوران غیبت صرف نظر

می فرماید و فرج آن حضرت را جلو می اندازند .

از اینجاست که در احادیث فراوان امر شده برای دعا به تعجیل فرج :

وجود اقدس حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در توقیع شریف می فرماید :

وَاَکْثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الْفَرَجِ ، فَاِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ ؛

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید که فرج شما نیز در آن

است .(۲)

جالب تر این که امام حسن عسکری علیه السلام دعا برای فرج را تنها راه رهایی

از هلاکت دانسته می فرماید :

۱- [۱] . عیاشی ، التفسیر ، ج ۲ ، ص ۳۱۵ .

۲- [۲] . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۲۹۲ .

وَاللّه ِ لَيَغيبَنَّ غَيْبَةً لا يَنْجُو فيها مِنَ الْهَلَكَهِ اِلاّ مَنْ ثَبَّتَهُ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ

عَلَى الْقَوْلِ بِاِمامَتِهِ ، وَوَفَّقَهُ لِلدُّعاءِ بِتَعْجيلِ فَرَجِهِ ؛

به خدا سوگند او آنچنان غايب مى شود كه در آن ايام غيبت از

هلاكت رهايى نمى يابد به جز كسى كه خداوند او را در اعتقاد به

امامت او ثابت قدم نگه دارد ، و او را موفق بدارد كه براى تعجيل در

فرج او دعا نمايد .(۱)

اگر دعا براى فرج تأثير نداشت اينهمه تأكيد نمى شد كه شيعيان و چشم

به راهان براى تعجيل در امر فرج آن حضرت دعا كنند و آنهمه فضيلت و

پاداش براى دعا در مورد فرج آن حضرت بيان نمى كردند .(۲)

۲ . ترک گناه

مهم ترين عامل محروميت امت از حضور حجت خدا در ميان آنها ،

ارتكاب معاصى مى باشد و لذا هنگامى كه على بن مهزيار به پيشگاه جان

جانان ، مهر تابان ، كعبه ى مشتاقان و قبله ى عاشقان بار مى يابد ، جوانى كه

از سوى حضرت مأمور بود او را به محضر مولا برساند ، از او پرسيد : چه

مى خواهى ؟ ! وى گفت :

اَلْاِمامَ الْمَحْجُوبِ عَنِ الْعالَمِ ؛

آن امام پوشيده شده از جهانيان را .

۱- [۱] . شيخ صدوق ، كمال الدين ، ج ۲ ، ص ۳۸۴ .

۲- [۲] . صاحب مكيال ۹۰ فايده براى دعا به فرج آن حضرت بيان كرده است . ر . ك : موسوى اصفهانى ، مكيال المكارم ، ج ۱ ، ص ۳۷۷ _ ۶۰۸ .

آن جوان گفت :

ما هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَلكِنْ حَجَبَهُ سُوءُ اَعْمالِكُمْ ؛

او از شما پوشیده نشده ، این اعمال زشت شما هست که او را از

شما پوشانیده است .(۱)

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در توقیع خود به شیخ مفید می نویسد :

وَلَوْ اَنَّ أَشْیاعَنا وَفَّقَهُمُ اللّه ُ لِطاعَتِهِ ، عَلَی اجْتِماعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِی

الْوَفاءِ بِالْعَهْدِ عَلَیْهِمْ ، لَما تَأَخَّرَ عَنْهُمُ الْیُمْنُ بِلِقائِنا ، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ

السَّعادَهُ بِمُشاهِدَتِنا عَلی حَقِّ الْمَعْرِفَهِ وَصِدْقِها مِنْهُمْ بِنا .

فَما یَحْبِسُنا عَنْهُمْ اِلاّ ما یَتَّصِلُ بِنا مِمّا نَکْرَهُهُ وَلا نُؤْثِرُهُ عَنْهُمْ ؛

اگر شیعیان ما _ که خداوند آنها را به اطاعت خود موفق بدارد _ اگر

در وفا به عهدی که بر گردن آنها بود ، یکدل و یکصدا بودند ، هر گز

یمن دیدار ما از آنها به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما با شناخت

حقیقی جلو می افتاد .

ما را از آنها حبس نمی کند ، جز آنچه از اعمال ناپسند آنها به ما

می رسد ، که ما چنین اعمالی را از آنها انتظار نداشتیم .(۲)

در صدور این توقیع از ناحیه ی مقدسه هیچ تردیدی نیست ، شخصیت

برجسته ای چون « شیخ اسداللّه تستری »(۳) در این رابطه ادعای اجماع نقل

ص:۹۷

۱- [۱] . محدث نوری ، جنه المأوی ، ص ۱۴۸ .

۲- [۲] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۹۹ .

۳- [۳] . شیخ اسداللّه تستری ، متوفّای ۱۲۳۴ ه . شاگرد برجسته ی وحید بهبهانی ، سید مهدی بحرالعلوم ، شیخ جعفر کاشف الغطاء ، میرزا مهدی شهرستانی و سید علی طباطبائی صاحب ریاض می باشد ، که بعد از کاشف الغطاء به مرجعیت تقلید رسیده و با تحقیقات ارزشمندش در تاریخ شیعه شهرت یافته است [شیخ آغا بزرگ تهرانی ، الکرام البرره ، ج ۱ ، ص ۱۲۲] .

کرده است .(۱)

این توقیع شریف صریح است در این که تنها عامل ادامه ی غیبت و

محرومیت امت از دیدار آن امام محبوب گناهان می باشد .

۳ . آراسته شدن به زیور تقوا

هنگامی که احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسکری علیه السلام به محضر آن

حضرت شرفیاب شده ، در مورد امام و حجت بعد از آن حضرت

پرس وجو نمود ، امام عسکری علیه السلام به سرعت وارد اندرون شده ، حجت

خدا را که همانند ماه چهارده شبه می درخشید و در حدود سه ساله بود ، بر

دوش خود نهاده وارد اطاق گردید ، خطاب به احمد بن اسحاق فرمود :

یا اَحْمَدَ بْنَ اِسْحاق لَوْلا کَرامَتُکَ عَلَی اللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلی حُجَجِهِ ،

ما عَرَضْتَ عَلَیْکَ اِبْنی هذا ؛

ای احمد بن اسحاق اگر نبود که تو در نزد خدا و نزد اولیای خدا

گرامی هستی ، فرزندم را به تو ارایه نمی دادم .(۲)

اینجا امام عسکری علیه السلام تصریح فرموده که تنها عامل سعادتمندی احمد

بن اسحاق برای تشرف به دیدار جمال یوسف زهرا این است که او در نزد

خدا و در نزد حجج الهی گرامی می باشد .

۱- [۱] . شیخ اسداللّه تستری ، مقابس الأنوار ، ص ۵ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۸۴ .

قرآن کریم رمز گرامی بودن در نزد خدا را به روشنی بیان کرده

می فرماید :

« إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ » ؛

بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پارساترین شماست .(۱)

با ضمیمه کردن این آیه ی شریفه به بیان امام حسن عسکری علیه السلام به این

نتیجه می رسیم که تنها رمز توفیق دیدار تقوا ، خویشتن داری و پارسایی

است .

و به صریح گفتار حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه تنها مانع راه نیز گناه

می باشد .

نتیجه :

اگر امت اسلامی احساس اضطرار کنند ، به درِ خانه ی خدا بروند یکدل

و یکنوا برای تعجیل در امر فرج دعا کنند ، خداوند موانع ظهور را برطرف

کرده ، به حجت خود فرمان ظهور صادر می کند و به وسیله ی او از جهان

هستی رفع اضطرار می نماید .

اگر همگان چنین اضطراری احساس نکردند ، باز هم راه برای مشتاقان

و چشم به راهان بسته نیست ، آنها می توانند با ترک گناه و آراسته شدن با

زیور تقوا ، روزنه ای به سوی خورشید باز کنند و به دیدار نیم رخی از

جمال دل آرای یوسف زهرا نایل آیند .

۱- [۱] . سوره حجرات ۴۹ ، آیه ۱۳ .

این بخش را با بیان لطیف و زیبایی از شیخ الطائفه حُسن ختام

می بخشیم :

ما هرگز یقین نداریم که آن حضرت از همه ی دوستانش

پوشیده است ، بلکه ممکن است برای بیشتر آنها ظاهر شود .

اما کسی که امام علیه السلام بر او ظاهر نشود ، متوجه می شود که

لابد در او قصور و یا تقصیری است که امام بر او ظاهر

نمی شود .(۱)

* * *

۱- [۱] . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۹۹ .

چشم به راهان طلوع خورشید

ای پرچم نجات در آغوش ، ای چشمه سار عاطفه را نوش ، ای غایب

ناگشته فراموش .

ای همه غمها را تو پایان ، ای همه دردها را تو درمان ، ای همه

نابسامانیها را تو سامان .

ای هر کجا فساد ، تو هادم ؛ ای هر کجا نظام ، تو ناظم ؛ ای هر کجا قیام ،

تو قائم .

پهنه ی گیتی خشکید ، گل بوته ها همه پژمردند ، جز لاله خونرنگ

دلباختگان ، ای چشمه ی جوشان حیات .

شب تیره غیبت به درازا کشید ، دریای سیاه زندگی طوفانی شد ،

ص:۱۰۱

پهندشت انسانیت به کویر تفتان مبدل گشت و من در این شب تار

وحشت زا ، لحظه های ترا شماره می کنم ، ای زداینده ی غم و موعود امم .

این نه تنها منم که در این غار دهشت زا ، انتظار ترا ستاره می کنم ، بلکه

همه ی پیامبران الهی ، در انتظار ظهور واپسین ، حجت خدا ثانیه شماری

نموده ، در آتش هجر او سوخته ، در فراق جانکاهش اشکها ریخته اند .

در تاریخ وصل و هجران و در دفتر عشق و حرمان ، محبتی چنین دیرپا

و محبوبی چنان گریز پا ، چشمی ندیده و گوشی نشنیده است ، که اینک

بیش از یکهزار و یکصد و هفتاد سال است که این جذبه و ناز و این راز و

نیاز ادامه دارد .

سرودها و درودهای حضرت « داود » علیه السلام برگهای زرین عهد عتیق را

به خود اختصاص داده ، که در هر فصلی از زبور ، از ظهور موفور السرور

آن محبوب قرون و دهور ، پایان بخش شب دیجور و مطلع صبح امید و

سرور ، سخن ها گفته و نغمه ها نواخته است .

شادی آسمانیان ، مسرت خاکیان ، غرش دریاها ، به وجد آمدن

صحراها ، ترنم درختان جنگل ها ، آبادانی جهان ، آسایش انسان و آرامش

همگان ، در جای جای این کتاب آسمانی به نمایش گذاشته شده است .(۱)

هر پیامبری از پیامبران پیشین روزهای طلائی و خواستنی پیشوای

موعود را برای امت خود ترسیم نموده ، نوید بهروزی و گسترش عدل

مهدوی را بازگو کرده اند .

این « اشعیا نبی » است که گسترش عدل و برچیده شدن ستم را به دست

۱- [۱] . عهد عتیق ، مزامیر ، مزمور ۳۷ ، بندهای ۱۸ _ ۹ ؛ مزمور ۹۶ ، بندهای ۱۳ _ ۱۰ .

آن یگانه ی دوران خبر داده ، از رجعت مردگان سخن گفته و منتظران

ظهور را ستوده است .(۱)

این حضرت « دانیال » است که از حوادث آخر زمان به تفصیل سخن

گفته ، در پایان فرموده :

« خوشا به حال آنان که انتظار کشند » .(۲)

این حضرت « حیقوق » است که نوید ظهور داده ، از طول غیبتش سخن

گفته ، به امتش فرموده :

« اگرچه تأخیر نماید برایش منتظر باش ، که البته خواهد

آمد » .(۳)

این حضرت « عیسی » علیه السلام است که در بیش از ۵۰ مورد از منجی عالم

سخن گفته ،(۴) به انتظار سازنده فرمان داده ، از غفلت و بی توجهی برحذر

داشته است .(۵)

این رسول گرامی اسلام ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم است ، که پس از

مشاهده ی نور درخشان حجت قائم علیه السلام چون ستارهای فروزان در شب

معراج(۶) به خیل منتظران پیوسته ، منطق وحی از این سوز و گداز پرده

۱- [۱] . همان ، اشعیا نبی ، فصل ۶۵ ، بندهای ۱۳ _ ۹ ؛ ۲۰ _ ۱۸ .

۲- [۲] . همان ، دانیال نبی ، فصل ۱۲ ، بندهای ۵ _ ۱ ؛ ۱۳ _ ۱۰ .

۳- [۳] . همان ، حیقوق نبی ، فصل ۲ ، بندهای ۵ _ ۳ .

۴- [۴] . در اناجیل چهارگانه و ملحقات آنها ۸۰ بار واژه « پسر انسان » تکرار شده ، که تنها ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام تطبیق می کند و ۵۰ مورد دیگر از منجی دیگری در آخرالزمان خبر می دهد . مستر هاکس آمریکایی ، قاموس کتاب مقدس ، ص ۲۱۹ .

۵- [۵] . عهد جدید ، انجیل لوقا ، فصل ۱۲ ، بندهای ۳۵ و ۳۶ .

۶- [۶] . شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ج ۱ ، ص ۴۷ .

برداشته(۱) با یک دنیا شور و اشتیاق می فرماید :

طُوبی لِمَنْ لَقِیَهُ ، وَطُوبی لِمَنْ أَحَبَّهُ ، وَطُوبی لِمَن قالَ بِهِ ؛

خوشا به حال کسی که او را دیدار نماید ، خوشا به حال کسی که او

را دوست بدارد ، خوشا به حال کسی که به امامت او معتقد

باشد .(۲)

این امیر بیان ، پیشوای پروا پیشگان است که بر فراز منبر کوفه با یک

دنیا شوق و شعف از آن میر هدایت سخن گفته ، می فرماید : « برترین قله

شرف ، دریای بیکران فضیلت ، شیر بیشه شجاعت ، ویرانگر کاخ های

ستم ، جهادگر همیشه پیروز ، قهرمان دشمن شکن و ... و در پایان آهی از

اعماق دل برکشیده ، دست روی سینه نهاده می فرماید :

هاه ، شَوْقاً اِلی رُؤْیَتِهِ ؛

آه ، چقدر مشتاق دیدار اویم .(۳)

چون از یاران مهربان آن محبوب دلها سخن می گوید ، می فرماید :

وَیا شَوْقاهُ اِلی رُؤْیَتِهِمْ فی حالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ ؛

آه ، چقدر مشتاقم که آنها را به هنگام ظهور دولتشان دیدار

نمایم .(۴)

۱- [۱] . سوره یونس ۱۰ ، آیه ۲۰ .

۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۶۸ ؛ همو ، عیون الاخبار ، ج ۱ ، ص ۵۲ ؛ صافی ، منتخب الاثر ، ج ۱ ، ص ۲۲۵ ؛ حموینی ، فرائد السمطین ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ .

۳- [۳] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۱۵ .

۴- [۴] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۲۷۰ .

این سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام است که حکومت شکوهمند آن

حضرت را تشریح نموده ، در پایان می فرماید :

فَطُوبی لِمَنْ اَدْرَکَ اَیّامَهُ وَسَمِعَ کَلامَهُ ؛

خوشا به حال آنان که روزگار همایونش را درک نموده به فرمانش

گوش جان بسپارند .(۱)

این سالار شهیدان است که در شب عاشورا به تفصیل از قیام جهانی آن

مصلح آسمانی سخن می گوید .(۲)

این سید ساجدان است که در مجلس یزید در آن خطبه تاریخی خود از

مهدی موعود _ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف _ یاد کرده ، با یاد و نامش مباهات

می کند .(۳)

این باقر علوم اولین و آخرین است که خطاب به « ام هانی » می فرماید :

فَاِنْ أَدْرَکْتِ زَمانُهُ قَرَّتْ عَیْنُکِ ؛

اگر آن روزگار میمون را درک کنی ، دیدگانت روشن گردد .(۴)

این صادق آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم است که در شأن آن امام همام می فرماید :

وَلَوْ اَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَیّامَ حَیاتی ؛

اگر من زمان او را درک می کردم ، همه ی عمر دامن خدمت به کمر

۱- [۱] . کامل سلیمان ، یوم الخلاص ، ص ۳۷۴ .
۲- [۲] . شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۹ .
۳- [۳] . محدّث قمی ، نفس المهموم ، ص ۴۱۱ .
۴- [۴] . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۲۷۶ .

می بستم .(۱)

این عالم اهلبیت امام کاظم علیه السلام است که به هنگام تشریح آن ایام

مسعود به برادر ارجمندش « علی بن جعفر » می فرماید :

پسر جان ! عقلهای شما از درک آن ناتوان و استعدادهای شما

از دریافت آن عاجز است ، اگر زنده بمانید آن را

درمی یابید .(۲)

این امام ثامن و ضامن است که چون نام نامی « قائم آل محمّد » را

می شنود ، برمی خیزد ، دست بر سر می گذارد و برای تعجیل فرج آن

بزرگوار دعا می کند .(۳)

این جوادالائمه علیه السلام است که از قیام شکوهمند آن حضرت و

برنامه های اصلاحی اش در مدینه منوره سخن گفته ، با یاد آن ، دلش را

تسکین می بخشد .(۴)

این امام هادی علیه السلام است که در زندان سامرا به یاد یوسف زهرا اشک

می ریزد و از اختصاص روزهای جمعه به آن حضرت سخن می گوید .(۵)

این امام حسن عسکری علیه السلام است که فرزند دلبندش را چون قرص قمر

در شب بدر ، به شیفتگان و دلدادگان نشان داده ، خطاب به « احمد بن

اسحاق » فرمود :

۱- [۱] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۴۵ .
۲- [۲] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۶۰ .

۳- [۳] . تستری ، قاموس الرجال ، ج ۴ ، ص ۲۹۰ .

۴- [۴] . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۳ .

۵- [۵] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۸۳ .

اگر نبود که تو در نزد خدا و اولیای خدا منزلت خاصی داری ، فرزندم را

به تو ارایه نمی دادم .(۱)

و این جان جانان ، کعبه خوبان ، حجت یزدان ، حضرت صاحب

العصر والزمان ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ است که از طول غیبت در سوز و

گداز است و به شیعیان شیفته و منتظران دلسوخته اش می فرماید :

وَاَکْثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الْفَرَجِ ، فَاِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ ؛

برای تعجیل در امر فرج فراوان دعا کنید که فرج شما در

آنست .(۲)

این سوز و گداز را از طولانی شدن دوران غیبت ، همه ی معصومان

داشتند ، که به تعدادی از آنها فقط اشاره می کنیم :

پیشوای پرواپیشگان بیش از دو قرن پیش از ولادت حضرت

مهدی ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ در قنوت نمازشان می فرمودند :

اَللّـهُمَّ اِنّا نَشْکوُ اِلَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنا وَغَیْبَهَ اِمامِنا ، فَفَرِّجْ ذلِکَ اللّهُمَّ

بِعَدلٍ تُظْهِرُهُ وَاِمامِ حَقٍّ نَعْرِفُهُ ؛

بار خدایا ما به تو شکایت می کنیم رحلت پیامبرمان و غیبت

امامان را ، خدایا گشایشی فراهم نما ، با عدالتی که ظاهرسازی و

پیشوای حقی که شناخت داریم .(۳)

۱- [۱] . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۸ .

۲- [۲] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۷۱ .

۳- [۳] . محدث نوری ، مستدرک وسایل ، ج ۴ ، ص ۴۰۴ .

شهید اول نقل فرموده که امام صادق علیه السلام به شیعیان فرموده بود این

قنوت امیرمؤمنان علیه السلام را در قنوتهای خود بعد از کلمات فرج بخوانند .(۱)

امام باقر علیه السلام نیز همین مضمون را به زراره تعلیم فرموده بود که در

روزهای جمعه در قنوت نمازش بخواند .(۲)

امام هشتم نیز دعایی به این مضمون به شیعیان خود آموزش داده بود که

روزهای جمعه در قنوت نماز ظهر بخوانند .(۳)

امام جواد ،(۴) امام هادی(۵) و امام عسکری علیهم السلام(۶) هر کدام در

قنوت نماز خود برای تعجیل در امر فرج ، سپری شدن شب دیجور غیبت و

گسترش عدل در گستره ی زمین ، به دست آن امام موعود ، دعا می کردند .

پیشوای ساجدان و زینت عابدان در صحرای عرفات در دعای مشهور

روز عرفه عرضه می دارد :

وَأَصْلِحْ لَنا إمامَنا ... اَللّـهُمَّ امْلَاءِ الْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً وَقِسْطاً ...

وَاجْعَلْنی مِنْ خِیارِ مَوالیهِ وَشیعَتِهِ ... وَارْزُقْنِی الشَّهادَةَ بَیْنَ یَدَیْهِ ؛

خدایا امر امام ما را اصلاح فرما ... خدایا زمین را به وسیله ی او پر از

عدل و داد نما ... خدایا مرا از دوستان و شیعیان برگزیده اش قرار

بده ... و شهادت در محضر او را به من روزی بفرما .(۷)

۱- [۱] . شهید اول ، ذکری ، ص ۱۸۴ .

۲- [۲] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۳۶۶ .

۳- [۳] . سید ابن طاووس ، جمال الاسبوع ، ص ۴۱۳ .

۴- [۴] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸۵ ، ص ۲۲۶ .

۵- [۵] . سید ابن طاووس ، مهج الدعوات ، ص ۶۲ .

۶- [۶] . همان ، ص ۶۴ .

۷- [۷] . شیخ طوسی ، مصباح المتهجد ، ص ۶۹۸ .

اینها نمی از یم ، مشتی از خروار و اندکی از بسیار مواردی است که

پیشوایان معصوم ، به هنگام نیایش ، در قنوت ها و یا تعقیبات نمازها ، از

یوسف گمگشته سخن گفته ، از دوران غیبتش شکوه ها نموده ، در فراقش

ندبه ها سر داده ، برای پیشانی شیعیان در عصر غیبت ، سیلاب اشک بر

چهره های خود روان ساخته اند .

* * *

راز و رمز اینهمه سوز و گداز

معشوق و محبوبی که در دلها نفوذ می کند ، معمولاً یک یا چند ویژگی

دارد که در دل عاشقان و شیفتگانش ، در پرتو آن نقاط کمال و قوت تأثیر

می گذارد و آنها را به سوی خود می کشد .

کمال جویی در نهاد بشر به صورت فطری جای دارد ، هر انسانی در هر

عصر و زمانی و در هر شرایطی به سوی کمال جذب می شود و عشق

می ورزد .

محبوب ما همه ی کمالات بشری را به خود اختصاص داده ، مجمع

همه ی کمالات عالم است ، او تنها مصداق حقیقی « آنچه خوبان همه دارند

تو تنها داری » می باشد .

اگر قهرمانان در پرتو نیروی جسمانی خدادادی خود هزاران طرفدار و

علاقمند دارند ، در زیر آسمان هیچ انسانی به قدرت جسمانی او یافت

نمی شود ، امام رضا علیه السلام در این رابطه می فرماید :

از نظر نیروی جسمانی آنقدر قوی و نیرومند است که اگر

دست مبارکش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز

کند ، آن را از ریشه و بن برآورد ، و اگر در میان کوه ها بانگ

بزند ، صخره هایش فرو ریزد .(۱)

اگر یوسف کنعان به جهت جمال بی نظیرش ، زیباترین تابلوهای عهد

کهن را به خود اختصاص داده ، یوسف زهرا در میان دلبران بهشتی عنوان

« طاووس اهل الجنه » را از آن خود ساخته است .(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در شأن او فرموده :

وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ ؛

چهره اش چون ستاره ی سحر می باشد .(۳)

اگر پدران و مادران با مهر و محبت و شفقت خود گوی سبقت را از

همگان ربوده اند ، امام هشتم می فرماید :

وَاَشْفَقُ عَلَيْهِمْ مِنْ ابائِهِمْ وَاُمَّهاتِهِمْ ؛

مهدی موعود بر امت خود از پدران و مادرانشان مهربان تر

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۲۲ .

۲- [۲] . دیلمی ، الفردوس بمأثور الخطاب ، ج ۴ ، ص ۲۲۲ .

۳- [۳] . ذهبی ، میزان الاعتدال ، ج ۳ ، ص ۴۴۹ .

می باشد .(۱)

اگر پدر و مادر همواره نگران سلامتی اولاد و دلسوز و مراقب فرزندان

هست ، این پدر بی نظیر امت در توقیع خود به شیخ مفید می فرماید :

اِنّا غَیْرُ مُهْمِلینَ لِمُراعاتِکُمْ وَلا ناسینَ لِذِکْرِکُمْ ؛

ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از

خاطر نمی بریم .(۲)

اگر پدران و مادران تلاش می کنند که فرزندان خود را در برابر حوادثی

که سلامتی آنها را تهدید می کند حفظ کنند ، آن پدر بی همتای خلقت

همواره بلاگردان امت بوده ، چنانکه خود می فرماید :

بی یَدْفَعُ اللّه ءالْبَلاءَ عَنْ اَهْلی وَشیعَتی ؛

خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند .(۳)

نه تنها شیعیان ، نه فقط آدمیان ، بلکه زمین و آسمان ، گردش خورشید

و ماه ، بقای نظام هستی ، همه و همه به طفیل آن یگانه ی دورانها ، محبوب

دلها و موعود ملت ها می باشد ، چنانکه در احادیث فراوان به صراحت

آمده :

« اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد ، زمین

ساکنان خود را در کام خود فرو می برد » .(۴)

۱- [۱] . کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۱ ، ص ۱۲۹ .

۲- [۲] . طبرسی ، احتجاج طبرسی ، ج ۲ ، ص ۴۹۷ .

۳- [۳] . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۲۴۶ .

۴- [۴] . شـیخ صدوق ، علل الشرایع ، ص ۱۹۸ ؛ نعمـانی ، الغیبه ، ص ۱۴۱ ؛ کلینی ، الکـافی ، ج ۱ ،ص ۱۷۹ ؛ شیخ صدوق ، عیون الاخبار ، ص ۲۱۲ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۳۲ .

نقش امام زمان در جهان هستی ، همان نقش خورشید در منظومه ی

شمسی می باشد ، به طوری که بقای منظومه به طفیل خورشید ، و به تعادل

و دافعه بین خورشید و کرات منظومه بستگی دارد و اگر یک لحظه

جاذبه ی خورشید قطع شود ، کرات منظومه در فضای لایتناهی پرت و

پخش می شوند ، اگر یک لحظه خورشید جهان افروز آفرینش در روی

زمین نباشد ، نشانی از زمین و زمان باقی نمی ماند ، و لذا در احادیث فراوان

وجود امام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده

است .(۱) و این تشبیه بسیار لطیف و پرمعنایی است که نگارنده در برخی

از آثار خود آن را بیان کرده است .(۲)

او با این همه ویژگی یکی از امامان نور است که امام هشتم در شأن آنها

فرموده :

امام ماه تابان ، مشعل فروزان ، نور درخشان ، ستاره هدایتگر

در شبهای دیجور در اقطار و اکناف دریاها و خشکی هاست ...

امام یگانه ی روزگار ، بی نظیر دوران ، که هرگز کس به گرد

راهش نرسد ، هیچ دانشمندی با او برابری نکند ، هیچ چیزی

نظیر ، مثل و جایگزین او نشود ، می باشد .(۳)

۱- [۱] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۵۷ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ص ۳۷۵ ؛ خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۱۵۳ ؛ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۵۳ ؛ حموینی ، فرائد السمطین ، ج ۱ ، ص ۴۶ ؛ قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۳ ، ص ۲۳۸ .

۲- [۲] . نگارنده ، او خواهد آمد ، چاپ یازدهم ، ص ۱۵۷ _ ۱۴۱ .

۳- [۳] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۲۰ _ ۲۱۸ .

دیگر ویژگیهایش را امیر بیان مولای متقیان چنین می ستاید :

او قله ی شرف عرب ، اقیانوس بیکران کرامت بشر ، عزیز اهل

خود ، و برگزیده ی تبار خویش می باشد ، که اگر رگبار مرگ

فرو ریزد نمی هراسد ، اگر پیروانش در محاصره افتد احساس

زبونی نمی کند ، از پیکار با سلحشوران عقب گرد نمی کند ،

سلحشور همیشه پیروز و شیر ژیانی است که دشمن را از

ریشه و بن برمی کند ، شمشیر برنده ای از شمشیرهای خداوندی

است ، دست بخشنده خدا در زمین است ، بلندترین قله های

جهان در برابر بزرگواری اش پست نماید ، کوههای بلند و بالا

در برابر جود و کرمش سست نماید ، دژی محکم و پناهگاهی

مستحکم است ، دانش او از همه گسترده تر و کرامتش از همه

افراشته تر است ...(۱)

* * *

بنیانگذار جهانی آباد و آزاد

او گذشته از این همه فضایل و مناقب ، دست نیرومند خداوند منان

است که روزی از آستین غیبت بیرون آمده ، کاخهای ستمگران را بر

سرشان فرو ریزد ، تیرگیهای جهل ، ظلم ، ستم ، فقر ، تبعیض ، تحقیر ،

نابسامانی ها و ناهنجاری ها را بزداید ، جهانی آباد و آزاد براساس عدل و

۱- [۱] . کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۱ ، ص ۸۴ .

داد در سر تا سر گیتی بنیاد نهد ، حکومت واحد جهانی براساس عدالت و

آزادی ، با محوریت « عدل » و « قسط » تأسیس نموده ، آرزوی همه ی

پیامبران و مصلحان را برآورده ، حاکمیت اللّه را تحقق بخشیده ، اراده ی

تعالی را از جعل خلیفه بر روی زمین عینیت می بخشد .

در ۱۴۸ حدیث از پیشوایان معصوم این مضمون آمده است که :

یَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً ، کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً ؛

جهان را پر از عدل و داد کند ، آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده

است .(۱)

به چند نمونه از این احادیث اشاره می کنیم :

۱) ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کند که فرمود :

تَأْوی اِلَیْهِ اُمَّتُهُ کَما تَأْوِی النَّحْلَهُ یَعْسُو بَها ، یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً

وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً ، لا یُوقِظُ نائِماً وَلا یُهْرِیقُ دَما ؛

امتش به سوی او پناه می برند ، چنانکه زنبوران عسل به ملکه خود

پناهنده می شوند ، زمین را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که پر از

جور و ستم شده ، خفته ای را بیدار نکند و خونی را نریزد .(۲)

۲) اصبغ بن نباته در ضمن حدیثی از مولای متقیان نقل می کند که

فرمود :

۱- [۱] . فهرست این احادیث را در کتاب گرانسنگ « منتخب الاثر » ج ۲ ، ص ۲۳۵ _ ۲۲۲ ملاحظه فرمایید .

۲- [۲] . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۲ ، ح ۹۸۵ .

اَلْحادی عَشَرَ مِنْ وُلْدی ، هُوَ الْمهْدِیُّ یَمْلَأَها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً

وَظُلْماً ، تَکُونُ لَهُ حَیْرَهٌ وَغَیْبَهٌ ، یَضِلُّ فیها اَقْوامٌ وَیَهْتَدی فیها

آخَرُونَ ؛

او یازدهمین فرزند منست ، او همان مهدی است که جهان را پر از

عدل کند ، آنگونه که پر از جور و ستم شده است . برای او دوران

حیرت و غیبتی خواهد بود ، که گروه هایی در آن گم گشته و

گروه های دیگری در آن هدایت خواهند یافت .(۱)

۳) پیامبر رحمت در لحظات واپسین خود ، برای تسلی خاطر حضرت

فاطمه علیهاالسلام به تفصیل از حضرت مهدی ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ سخن

گفته ، از گشودن قلعه های ضلالت و دلهای بسته گفتگو نموده ، از احیای

دین و پر کردن زمین با عدل و داد خبر داده ، در پایان فرمود :

اَلْمَهْدی مِنْ وُلْدِکِ ؛

دخترم این مهدی از تبار تست .(۲)

۴) از سالار شهیدان پرسیدند : آیا شما صاحب این امر هستید ؟

فرمود : نه ، صاحب الامری که جهان را پر از عدل و داد کند ، آن گونه که پر

از جور و ستم شده باشد ، در دوران فترت امامان می آید ، چنانکه پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در دوران فترت پیامبران مبعوث گردید .(۳)

۱- [۱] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۸۸ .

۲- [۲] . طبری ، ذخائر العقبی ، ص ۱۳۶ .

٣- [٣] . سلمى ، عقد الدرر ، ص ١٥٩ .

۵) امام باقر علیه السلام از سالار شهیدان نقل می کند که در تفسیر آیه ی

شریفه ی : « وَ النَّهارِ إِذا جَلّیها »(۱) فرمود : او قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلماست ،

که زمین را پر از عدل و داد نماید .(۲)

۶) امام ششم در ضمن حدیثی می فرمود :

او پایان بخش امامان ، قائم به حق ، بقیه اللّه در زمین ، صاحب زمان ،

خلیفه ی رحمان است ، که اگر به مقدار درنگ حضرت نوح در میان امتش

در غیبت باقی بماند ، از دنیا بیرون نرود جز اینکه ظاهر شده ، جهان را پر

از عدل و داد نماید ، چنانکه پر از جور و ستم شده باشد .(۳)

۷) امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود :

سپاس خدایی را که مرا از دنیا بیرون نبرد ، تا امام بعد از خود را دیدم ،

او شبیه ترین مردمان است به رسول خدا ، در خلقت و سیرت ، خداوند او

را در عالم غیبت نگه می دارد ، سپس ظاهر می سازد ، تا جهان را پر از عدل

و داد کند ، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد .(۴)

* * *

گستره ی عدل مهدوی (عج)

عدالت ریشه در فطرت انسان دارد ، هر انسانی به طور فطری تشنه ی

عدالت است ، این تشنگی و شیفتگی از اعماق وجود او نشأت می گیرد .

۱- [۱] . سوره شمس ۹۱ ، آیه ی ۳ .

۲- [۲] . فرات کوفی ، تفسیر فرات ، ج ۲ ، ص ۵۶۳ .

۳- [۳] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۴۵ .

۴- [۴] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۰۹ .

عدالت قانونی است فراگیر ، که همه ابعاد زندگی اجتماعی را در بر

می گیرد و نظام هستی بر محور آن می چرخد .

اگر در جامعه ای حق هر صاحب حقی به او برسد ، عدالت اجتماعی در

میان آنها رعایت شده است .

عدالت اجتماعی مفهوم بسیار گسترده ای دارد که شامل ابعاد روحی ،

جسمی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، قضایی و جز آنها می شود .

همانگونه که فرشتگان به هنگام خلقت انسان بر روی زمین پیش بینی

کردند و گفتند : « أَتَجْعَلُ فیها مَنْ یُفْسِدُ فیها وَیَسْفِکُ الدِّماءَ » ؛(۱) آیا بر

روی زمین کسانی را قرار می دهی که در آن فساد می کنند و خون می ریزند ؟

از همان آغاز فساد حاکم شد ، جور و ستم آغاز گردید ، پسر آدم :

« قابیل » برادرش « هابیل » را به قتل رسانید و تاکنون این فساد و تباهی

سرتاسر گیتی را فراگرفته است . و اگر در نوار خاصی از مکان و محدوده

خاصی از زمان (چون عهد رسالت و ایام خلافت مولای متقیان) عدالت

حاکم بوده ، از نظر زمان و مکان آنقدر محدود بود ، که در برابر جور و

ستم حاکم بر کره ی خاکی در طول قرون و اعصار بسیار ناچیز می باشد .

از این رهگذر به جرأت می توان گفت ، هدف نهایی از بعثت پیامبران ،

هنوز جامه ی عمل نپوشیده است .

قرآن کریم هدف از ارسال رسل و انزال کتب را « لِیَقُومَ النّاسُ

بِالْقِسْطِ »(۲) بیان فرموده .

۱- [۱]. سوره بقره ۲ ، آیه ۳۰.

۲- [۲]. سوره حدید ۵۷ ، آیه ی ۲۵.

بر این اساس هدف از بعثت پیامبران هنگامی تحقق می یابد که شالوده ی

زندگی مردمان براساس « عدل » و « قسط » استوار شود .

این معنی جز در حکومت عدل حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه ، اتفاق

نیفتاده و اتفاق نخواهد افتاد .

شاخصه های عدل مهدوی (عجّل اللّه تعالی فرجه)

شاخصه هایی که در کلمات پیشوایان معصوم پیرامون حکومت عدل

حضرت مهدی ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ بیان شده ، بسیار فراوان است ،

به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم :

۱) امام حسن مجتبی علیه السلام در ضمن یک حدیث بسیار طولانی

می فرماید :

تَصْطَلِحُ فی مُلْکِهِ السِّباعُ ؛

در سلطنت و دوران فرمان روایی او درندگان با یکدیگر آشتی

می کنند .(۱)

علاوه بر روایات فراوان که این معنی را بیان کرده اند ، در بسیاری از

کتب آسمانی نیز بر آن تصریح شده که تنها به یک مورد از آنها اشاره

می کنیم :

مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد ، به جهت مظلومان

زمین به راستی حکم خواهد کرد . گرگ با بره سکونت

۱- [۱] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۲۹۱ .

خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر

و پرواری با هم ، و طفل کوچک آنها را خواهد راند ... در

تمام کوه مقدس من ضرر و فسادی نخواهند کرد ، زیرا که

جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد .(۱)

۲) در کلمات قدسی آمده است :

در آن زمان امنیت و آسایش را در روی زمین حکمفرما می کنم ، چیزی

به چیزی صدمه نمی زند ، چیزی از چیزی نمی ترسد ، حشرات و حیوانات

به مردمان و یکدیگر آسیب نمی رسانند .(۲)

۳) امام هشتم در فرازی از یک حدیث بسیار زیبا می فرماید :

وَوُضِعَ میزانُ الْعَدْلِ بَیْنَ النّاسِ ، فَلا یَظْلِمُ اَحَدٌ اَحَدا ؛(۳)

۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن یک حدیث بسیار طولانی می فرماید :

هنگامی که حضرت آدم علیه السلام نور مقدس منجی بشریت را مشاهده

کرد ، خطاب شد :

« با این بنده سعادتمند خود ، بندها و زنجیرها را از بندگانم

می گشایم و زمین را پر از مهر و محبّت ، رأفت و رحمت

می نمایم ، آنگونه که پیش از او پر از جور و شقاوت و

سنگدلی شده بود » .(۴)

۱- [۱] . عهد عتیق ، کتاب اشعیا نبی ، فصل ۱۱ ، بندهای ۱۰ _ ۱ .

۲- [۲] . ابن طاووس ، سعد السعود ، ص ۳۴ .

۳- [۳] . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۲ .
۴- [۴] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۲۶ ، ص ۳۱۲ .

۵) رسول اکرم ، نبی مکرم صلی الله علیه و آله وسلم در یک بیان کوتاه امنیت و آرامش را

اینگونه ترسیم می کند :

زنی بر هودجی نشسته ، از حجاز تا عراق در کمال آسایش طی

طریق می کند و از چیزی نمی هراسد .(۱)

۶) شاگرد برجسته مکتب ولایت ، ابن عباس می گوید :

لا یَنْطَحُ فیهِ عَنْزانِ جَمّاءُ وَذاتُ قَرْنٍ ؛

در عهد او دو بز شاخ دار و بی شاخ به یکدیگر شاخ نمی زنند .(۲)

۷) امام باقر علیه السلام این واقعیت را در یک بیان جالب و جامع چنین

ترسیم می کند :

حَتّی لا یُری اَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ ؛

تا جایی که دیگر نشانی از ظلم دیده نشود .(۳)

۸) امام صادق علیه السلام گستره ی عدل مهدوی را در یک جمله چنین

خلاصه می کند :

اَما وَاللّه ِ لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِمْ ، کَما یَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ ؛

به خدا سوگند عدالت او در داخل خانه هایشان به آنها می رسد ،

همانگونه که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند .(۴)

۱- [۱] . متقی هندی ، کنزالعمال ، ج ۱۴ ، ص ۵۷۲ .
۲- [۲] . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۱۰۵۴ .
۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۸۸ .
۴- [۴] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۹۷ .

۹) پیشوای پروا پیشگان می فرماید :

آنگاه حضرت مهدی علیه السلام فرماندهانش را به همه ی شهرها

می فرستد و فرمان می دهد که عدالت را در میان مردم برقرار

کنند ، گرگ و گوسفند در کنار یکدیگر می چرخد ، کودکان با

مارها و عقرب ها بازی می کنند و آسیبی به آنها نمی رسد .(۱)

۱۰) منطق وحی در این رابطه می فرماید :

« اِعْلَمُوا اَنَّ اللّه َ یُحْیِی الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها » ؛

بدانید که خداوند زمین را زنده می کند پس از مرگ آن .(۲)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید :

اَیْ یُحییهَا اللّه ُ بِعَدْلِ الْقائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ ، بَعْدَ مَوْتِها بِجَورِ اَئِمَّهِ

الضَّلالِ ؛

خداوند آن را با عدل حضرت قائم علیه السلام زنده می کند به هنگام

ظهورش ، پس از آنکه با جور و ستم زمامداران گمراه مرده

باشد .(۳)

ابن عباس نیز در همین رابطه گوید :

خداوند زمین را پس از مردن آن به وسیله ی ستم کشورداران ، به

وسیله ی قائم آل محمّد _ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف _ زنده می کند .(۴)

۱- [۱] . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۵۹ .

۲- [۲] . سوره حدید ۵۷ ، آیه ۱۷ .

۳- [۳] . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۴ ؛ شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۳۱ .
۴- [۴] . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۰۹ .

اینها نمی از یم و اندکی از بسیار روایات وارد شده از امامان نور

پیرامون گستره ی عدل تنها بازمانده از حجج الهی و تنها ذخیره ی پروردگار

برای گسترش عدل و داد بر فراز پهندشت جهان بود .(۱)

گامی استوار با برنامه هایی پایدار

دانش آموزی که سه سال در یک کلاس بماند او را از مدرسه اخراج

می کنند که این دانش آموز بازی گوش است ، نباید یکی از صندلی های کلاس

را اشغال کند و فضای آموزشی کشور را محدود سازد .

آیا تاکنون فکر کرده ایم که مراسم اعیاد و وفیات ما آیا هر سال نسبت به

سال های گذشته پیش رفته ، درجا زده یا عقب کرد نموده است ؟

امام صادق علیه السلام برای ما معیار بسیار حساسی قرار داده می فرماید :

هر کس دو روزش یکسان باشد او مغبون است ، و هر کس

فردایش بدتر از امروزش باشد او فریب خورده است .(۲)

چه کنیم که هر روز گامی جلوتر نهاده ، محافل و مجالس ما بهتر از

سالهای قبل باشد ؟

طبیعی است باید در برابر افراد کارشناس و درد آشنا زانو زده ، شیوه ی

برگزاری مراسم مذهبی را بر آنان عرضه کنیم ، کمبودها را جبران کرده ،

۱- [۱] . فهرست ۱۴۸ حدیث در این رابطه در کتاب ارزشمند « منتخب الاثر » ج ۲ ، ص ۲۳۵ _ ۲۲۲ آمده است .

۲- [۲] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۷۸ ، ص ۲۷۷ .

لغزش ها را اصلاح کرده ، نعوذباللّه به جای عرض ادب به پیشگاه حضرت

ولی عصر ارواحنا فداه ، قلب شریفش را آزرده نکنیم .

من همواره برای جوانانی که از یکماه قبل از دهه ی مهدویه شب و روز

با یک اخلاص بی نظیر در حسینیه ها ، مهدیه ها ، مساجد و دیگر اماکن با

چراغانی ، تزیینات ، نصب پلاکارد و دیگر خدمات شایسته تلاش

می کنند ، به حالشان غبطه می خورم ، ولی در مواردی مصادف می شوم که

در ایام فرخنده ی مهدویه با پخش برنامه های کم ارزش و در مواردی ضد

ارزش ، استفاده ی بهینه از این تلاشها نمی کنند .

ما که در طول سال به یاد آن عزیز سفر کرده هستیم و باید هم باشیم ،

زیرا او همواره به یاد ما هست و خود در توقیع شریفش به شیخ مفید

می نویسد :

اِنّا غَيْرُ مُهْمِلينَ لِمُراعاتِكُمْ وَلا ناسينَ لِذِكْرِكُمْ ؛

ما هرگز شما را رها نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم .(۱)

پس ما نیز هرگز نباید از پدر مهربان غافل باشیم .

ولی چه کنیم که بر لبان نازک تر از گل آن یوسف زهرا تبسمی نقش

ببندد ؟ .

براساس اعتقاد قطعی ما هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال ما بر آن پدر

بزرگوار عرضه می شود ، هنگامی که اعمال خوبی در نامه ی اعمال ما بیند

خوشحال می شود و چون کارنامه ی ما را سیاه ببیند ، شرمسار می گردد .

۱- [۱] . طبرسی ، الاحتجاج ، ج ۲ ، ص ۴۹۷ .

چکنیم که دل شریف امام خود را نیازاریم ؟

هر عمل خیری که از ما سر می زند او خوشحال می شود ، چکنیم که او را خوشحال تر نماییم ؟

عمل خیری داریم و عمل صالح ، هر کاری که در مسیر اطاعت خدا و اولیای خدا باشد ، خدمت به جامعه باشد ، دستگیری از بندگان خدا باشد ، آن عمل خیر است .

همه ی اعمال صالح عمل خیر است ، ولی هر عمل خیری عمل صالح نمی باشد .

اگر به یک فرد مستمند کمک کنیم و نیازهای او را برطرف سازیم ، این عمل خیر است ، ولی اگر برای او شغل مناسبی پیدا کنیم و او را برای همیشه آسوده خاطر کنیم ، این عمل صالح است .

اگر هزینه ی معالجه ی بیماری را پرداخت کنیم و او را به دکتر برسانیم ، عمل خیر است ، اگر بیمارستانی تأسیس کنیم و منطقه ای را برای همیشه از مشکلات درمانی آسوده کنیم عمل صالح است .

اگر مراسم پرشوری برپا کنیم و مداحان با اخلاص ، عاشقان حضرت بقیه اللّه را سرشار از عشق و شور نمایند عمل خیر است ، ولی اگر کلاسهای مهدوی در دهه ی مهدویه دایر کنیم ، از اساتید کاردان دعوت کنیم و فضای آموزشی شایسته ای در نظر بگیریم ، با برنامه های جالب و جاذب جوانان را در این عرصه وارد کنیم ، فرهنگ مهدویت را توسعه دهیم و جوانان را با پیشوای مهربانشان بیشتر آشنا کنیم ، این عمل صالح است .

آیا قرآن کریم صاحبان عمل خیر را وارثان زمین معرفی کرده ، یا

ص:۱۲۵

صاحبان عمل صالح را ؟

نه تنها قرآن ، بلکه تورات و زبور نیز « صالحان » را وارث زمین اعلام

فرموده است .(۱)

به یاد چند تن از صالحان

در تبریز ما دانشمند درد آشنایی بود به نام حاج میرزا محمّد صابری که

انتشارات صابری در تبریز و انتشارات وفا در تهران از ایشان بود .

او خطیبی برجسته ، دانشمندی شایسته بود ، خدمات فرهنگی فراوان

در سطح کشور ، ترکیه و آذربایجان شوروی داشت .

در حدود چهل سال قبل در تبریز اعلام کرد که هر کس آب لوله کشی

ندارد ، اگر در خانواده اش نام مهدی باشد ، رونوشت شناسنامه اش را

بیاورد ، ما برای او هزینه ی لوله کشی آب شهری تقدیم می کنیم .

۲۵۰ نفر پیدا شد که آب لوله کشی نداشت و در میان اعضای خانواده اش

نام نامی و یاد گرامی حضرت مهدی علیه السلام وجود داشت ، توسط آن عالم

فرزانه هزینه ی آب لوله کشی ۲۵۰ خانوار در دهه ی مهدویه فراهم شد .

در شهر ما بازرگان نامداری بود به نام حاج جواد برق لامع ، صاحب

کارخانه ی حوله برق لامع ، او مردی متدین و متعهد بود ، خدمات فراوانی

داشت که در نوع خود بی نظیر ، مثلاً مسجدی در مرکز مسکو ساخته بود .

در ۶۰ کیلومتری تبریز روستایی بود به نام « سیسان » که مرکز فرقه ی

ضاله بود ، این مرد دردآشنا در آنجا مسجدی ساخت به نام مسجد صاحب

۱- [۱] . سوره انبیا ، آیه ی ۱۰۵ ؛ کتاب مقدس ، عهد عتیق ، مزامیر داود ، مزمور ۳۷ ، فرازهای ۹ _ ۱۸ .

الزمان ، این مسجد به قدری عالی بود که در خور شهری چون تهران و

مشهد بود ، ولی این عاشق حضرت در آن نقطه ی کور این مسجد را بنیاد

نهاد ، همه ساله در دهه ی مهدویه آنجا مجلس جشن و سرور برپا می کرد ،

همه ی علمای بزرگ منطقه را دعوت می کرد ، مجلس بسیار باشکوهی

برگزار می شد ، از شخصیتهای وزین علمی برای ایراد سخنرانی دعوت

می کرد و در ادامه ی آن جلسات هفتگی در طول سال دایر می کرد ، شخصاً

حضور می یافت ، جوانان پخته ، فرهیخته ، آشنا با معارف مهدوی و آگاه

از نیرنگهای دشمن آن کلاسها را اداره می کردند .

سرانجام بسیاری از فریب خورده ها به راه آمدند و به آغوش اسلام و

اعتقاد به امام عصر بازگشتند و شمار اندکی که چنین سعادتی نداشتند از

منطقه مهاجرت کردند .

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد .

و اینک این کمترین چند سالی است که توفیق شرکت در کلاسهای

آموزش معارف مهدوی در دهه ی مهدویه در شهر اصفهان نصیبم گردیده

است .

این کلاسها از شب یازدهم تا شب بیستم شعبان المعظم که « دهه

مهدویه » نام یافته ، دایر می شود .

این کلاسها که به ابتکار « مرکز تخصصی حضرت ولی عصر ارواحنا

فداه » برگزار می گردد ، از حدود یکماه قبل ثبت نام را آغاز می کند ، این

کلاسها در انحصار حوزویان و دانشجویان می باشد ، با کارت ورودی

حضور می یابند ، مطالب ارایه شده را یادداشت می کنند ، در آخرین جلسه

امتحان کتبی از آنها به عمل می آید به صاحبان رتبه ی بالا جوایز ارزنده ای

از سکه و کتاب و لوح اهدا می شود ، پایان نامه ها نگارش یافته ، بررسی

می شود و جوایز ارزنده ای طی مراسم باشکوهی اهدا می گردد .

برای طبقات دیگر مجلس باشکوهی در ساختمان « قائمیه » برپا

می شود ، ده شب این مجلس برگزار می باشد ، هر شب یک تن از خطبای

برجسته از سرتاسر میهن اسلامی در این محفل برای توسعه و تعمیق

فرهنگ مهدوی ایراد سخنرانی می کنند .

قائمیه ی اصفهان دقیقاً ۵۰ سال پیش به ابتکار مرحوم آیه اللّه

شمس آبادی در مرکز اصفهان تأسیس شده ، توسط هیئت امنای پرجوش و

خروش در طول نیم قرن به بهترین وجهی اداره شده ، دعای پربار ندبه در

هر پگاه جمعه ، مراسم پرشور دعای کمیل در شبهای جمعه ، برنامه های

متنوع سازنده در هر مناسبتی ، قله ی اوج آنها در « دهه ی مهدویه » به شهر

مذهبی و تاریخی اصفهان جلوه ی خاصی می دهد .

چرا دهه ی مهدویه ؟

خداوند منان در قرآن کریم گزارش می دهد که ما حضرت موسی علیه السلام

را با آیات و نشانه های خود برانگیختیم و به او فرمان دادیم که :

« اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ

بِاَیّامِ اللّه ِ » ؛

قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور و « ایام اللّه » را به

یاد آنها بیاور .(۱)

۱- [۱] . سوره ی ابراهیم ۱۴ ، آیه ۵ .

همه ی « ایام اللّه » به دهه ی مهدویه باز گشت می کند ، زیرا در احادیث

فراوان در تفسیر آیه ی شریفه آمده است :

اَیّامُ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ ثَلاثَهٌ : یَوْمٌ یَقُومُ القائِمُ وَیَوْمُ الْکَرَّهِ وَیَوْمُ الْقِیامَهِ ؛

روزهای خداوند عزّوجلّ سه روز است :

۱ . روز قیام قائم علیه السلام

۲ . روز پرشکوه رجعت

۳ . روز رستاخیز .(۱)

روز قیام و روز رجعت ارتباط مستقیم با حضرت بقیه اللّه دارد و

رستاخیز نیز از این جهت به آن حضرت گره می خورد که خروج حضرت

مهدی یکی از « أشراط السّاعه » می باشد .(۲)

ما باید در تمام روزهای سال به یاد آن بزرگوار باشیم به ویژه ماه

مبارک شعبان که میلاد مسعود آن کعبه ی موعود در نیمه ی آن قرار گرفته

است ، به ویژه دهه ی میانی آن (یازدهم تا بیستم شعبان) که « دهه ی

مهدویه » نام گرفته است .

امروزه کسی از نقش اعداد بی خبر نیست ، ولی در ایامی که بشر به نقش

و اهمیت اعداد پی نبرده بود ، قرآن کریم بر آنها پای فشرده ، قرآن پژوهان

را بر نقش آنها رهنمون شده است .(۳)

۱- [۱] . شیخ صدوق ، الخصال ، ص ۱۰۸ ؛ همو ، معانی الأخبار ، ص ۳۶۶ .

۲- [۲] . برزنجی ، الإشاعه لأشراط الساعه ، ص ۱۳۹ .

۳- [۳] . طنطاوی ، تفسیر الجواهر ، ج ۲۵ ، ص ۱۵۴ _ ۱۶۴ .

در این میان « دهه » نقش پررنگ تری دارد و اینک به چند آیه در این

رابطه فقط اشاره می کنیم :

۱. « فَمَنْ لَمْ یَجِدْ فَصِیامُ ثَلاثَهِ أَیّامٍ فِی الْحَجِّ وَ سَبْعَهٍ إِذا رَجَعْتُمْ

تِلْکَ عَشَرَهٌ کامِلَهٌ » ؛

کسی که قربانی پیدا نکند ، سه روز در ایام حج روزه بگیرد و هفت

روز پس از آنکه بازگشتید ، این ده روز کامل است .(۱)

علامه ی طباطبائی در مورد دو واژه ی « تمام » و « کمال » به تفصیل سخن

گفته ، به این نتیجه رسیده که « اتمام » عبارت است از انضمام همه ی

اجزای چیزی پس از شروع در برخی از اجزای آن ، ولی « کمال » عبارت

است از حالتی که اگر چیزی به آن حالت نرسد به اثر مطلوب خود نخواهد

رسید . در آیه ی فوق سه روز در حج و هفت روز در وطن روزه گرفتن یک

عمل تام است ، ولی اگر به یکدیگر ضمیمه نشوند به جای قربانی جایگزین

نخواهند شد و به کمال مطلوب نخواهند رسید .(۲)

در ادبیات عرب نیز اعداد کمتر از ۱۰ را جمع « قِلّه » و ۱۰ به بالا را

جمع « کَثره » می نامند . و لذا ده نخستین عدد از اعداد کثیر می باشد .(۳)

راغب در این رابطه گوید : العشره هو العدد الکامل ؛ ده عدد کامل است .(۴)

سپس اضافه می کند : به ایل و تبار از آن جهت « عشیره » گویند که انسان

۱- [۱] . سوره ی بقره ۲ ، آیه ۱۹۶ .

۲- [۲] . علامه طباطبائی ، المیزان ، ج ۲ ، ص ۷۷ .

۳- [۳] . جویباری ، تفسیر البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۱۷۵ .

۴- [۴] . راغب اصفهانی ، مفردات القران ، ص ۳۳۵ .

با وجود قبیله ی خود به کثرت می رسد و همانند عدد کامل می شود ، و چون

« عشره » عدد کامل است به قبیله نیز « عشیره » می گویند .(۱)

روی این بیان اگر « هفته ی مهدویه » بگیریم ، عملی است تام ، ولی به

کمال نرسیده ، و اگر « دهه ی مهدویه » بگیریم ، انشاءاللّه عمل کامل و

صالحی انجام داده ایم .

۲ . « فَکَفّارَتُهُ إِطْعامُ عَشَرَهِ مَساکِینَ مِنْ أَوْسَطِ ما تُطْعِمُونَ

أَهْلِیکُمْ أَوْ کِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِیرُ رَقَبَهٍ » ؛

کفاره ی یمین _ سوگند _ اطعام ده تن مستمند از میانگین طعام

خانواده ی خود ، یا پوشانیدن آنها و یا آزاد کردن یک برده .(۲)

در اینجا خداوند حکیم کفاره ی سوگند را سیر کردن و یا پوشانیدن ده

تن از مستمندان قرار داده است .

۳ . « مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها » ؛

آنکه کار نیکو آورد ده برابر پاداش برای اوست .(۳)

در این آیت جلیله خداوند پاداش نیکوکاران ده برابر اعلام فرموده

است .

۴ . « وَ واعَدْنا مُوسی ثَلاثِینَ لَیْلَهً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقاتُ

رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیْلَهً » ؛

۱- [۱] . همان .
۲- [۲] . سوره ی مائده ۵ ، آیه ۸۹ .

۳- [۳]. سوره ی انعام ۶ ، آیه ۱۶۰ .

سی شب با موسی وعده گذاشتیم با ده شب دیگر آن را به اتمام

رساندیم ، پس میقات پروردگارش در چهل شب به اتمام

رسید .(۱)

خداوند منان یکماه با کلیم خود وعده می گذارد ، سپس با افزودن یک

دهه آن را به اتمام می رساند .

۵. « أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَياتٍ » ؛

می گویند که این قرآن را خود بافته است ، بگو : شما نیز ده سوره

نظیر آن را بافته و پرداخته بیاورید .(۲)

قرآن کریم معاندان را به آوردن ۱۰ سوره همانند سوره های قرآن به

مبارزه طلبیده است .

۶. « يَتَخافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلاّ عَشْراً » ؛

آهسته به یکدیگر گویند : تنها ده روز درنگ کرده اید .(۳)

قرآن کریم خبر می دهد که مجرمان در روز رستاخیز در گوشی به

یکدیگر خواهند گفت که شما در سرای دنیا همه اش یک دهه مانده اید .

۷. « فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِكَ » ؛

اگر ده سال را به اتمام برسانی از سوی تست .(۴)

۱- [۱] . سوره ی اعراف ۷ ، آیه ۱۴۲ .

۲- [۲] . سوره ی هود ۱۱ ، آیه ۱۳ .

۳- [۳] . سوره ی طه ۲۰ ، آیه ۱۰۳ .

۴- [۴] . سوره ی قصص ۲۸ ، آیه ۲۷ .

قرآن کریم گزارش می دهد که حضرت شعیب با حضرت موسی هشت

سال مدت تعیین کرد و اتمام ده سال را به نظر او موکول کرد .

۸. «وَ الْفَجْرِ * وَ لَيالٍ عَشْرٍ * وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ » ؛

سوگند به فجر و شبان دهگانه و جفت و تک .(۱)

در این آیه خداوند به شبهای دهگانه سوگند یاد کرده است .

اما اینکه منظور از این ده شب کدام دهه در طول سال است ، در میان

مفسران اختلاف است ، به اقوال برخی از مفسران اشاره می کنیم :

ثعلبی پیشتاز مفسران در آن چهار احتمال نقل کرده :

۱ . دهه ی اول ذیحجه

۲ . دهه ی اول رمضان

۳ . دهه ی اول محرم

۴ . دهه ی آخر رمضان(۲)

جمعی از مفسّران سه قول نخستین را نقل کرده اند .(۳)

جمعی دیگر فقط قول نخستین را برگزیده اند ،(۴) برخی قول آخر(۵) و

برخی دهه ی اول هر ماه را .(۶)

۱- [۱] . سوره ی فجر ۸۹ ، آیه های ۱ _ ۳ .

۲- [۲] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۱۹۱ .

۳- [۳] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۵ ، ص ۷۳۸ ؛ قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ج ۲۰ ، ص ۳۹ .

۴- [۴] . ابن عباس ، المقباس ، ص ۵۹۳ ؛ علی بن بابویه ، تفسیر القمی ، ج ۲ ، ص ۴۱۹ ؛ سیوطی ، الدرر المنثور ، ج ۶ ، ص ۳۴۵ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۵ .

۵- [۵] . بیضاوی ، التفسیر ، ج ۳ ، ص ۵۲۹ .

۶- [۶] . جویباری ، البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۲۳۸ .

اما فجر :

شکافتن عمود صبح را فجر گویند ، زیرا شب تیره سپری می شود ، روز

روشن با جلوه ی شکوهمند خود از راه می رسد ، خداوند آن را برای

بندگانش نوید بخش سپری شدن شب و فرارسیدن روز قرار داده است .(۱)

از این رهگذر برخی گفته اند منظور از فجر در این آیه ، فجر روز اول

محرم الحرام است ، که سپری شدن یکسال قمری و سرآغاز سالی نوین را

نوید می دهد .(۲)

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده :

اَلْفَجْرُ جَدّی ؛

فجر جد بزرگوارم رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشد .(۳)

از این رهگذر برخی از مفسران گفته اند :

منظور از « فجر » فجر خورشید رسالت مهدی و مطلع ولایت

علوی تا طلوع فجر قیام مهدی آل محمّد علیهم السلام می باشد .(۴)

کشاف الحقایق ، امام به حق ناطق ، امام جعفر صادق علیه السلام در این رابطه

می فرماید :

« وَالْفَجْرِ » ؛ الفجر هو القائم علیه السلام ؛

۱- [۱] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۵ ، ص ۷۳۴ .
۲- [۲] . ثعلبی ، الکشف والبیان ، ج ۱۰ ، ص ۱۹۱ ؛ قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج ۲۰ ، ص ۳۸ .
۳- [۳] . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۴۲ .
۴- [۴] . جویباری ، البصائر ، ج ۵۵ ، ص ۲۳۶ .

منظور از « فجر » در این آیه قائم علیه السلام است .

« وَلَیالٍ عَشْرٍ » ؛ اَلْأَئِمَّهُ علیهم السلام مِنَ الْحَسَنِ اِلَی الْحَسَنِ ؛

منظور از شبهای دهگانه ، امامان علیهم السلام هستند ، از امام حسن

_ مجتبی _ تا امام حسن _ عسکری _ .

« وَالشَّفْعِ » ؛ أَمیرُالمؤمنینَ وَفاطمهُ علیهماالسلام ؛

منظور از جفت ، حضرت علی و حضرت فاطمه علیهماالسلام هستند .

« وَالْوَتْرِ » ؛ هُوَ اللّه ُوَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ ؛

منظور از وتر ، خداوند یکتای بی انباز است .(۱)

باقر علوم آل محمّد علیهم السلام در همین رابطه می فرماید :

منظور از « فجر » جدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، منظور از شبهای

دهگانه ، ده امام (از امام حسن مجتبی ، تا امام حسن

عسکری علیهماالسلام) ، منظور از « شَفع » امیرالمؤمنین علیه السلام و « وَتْر » نام

حضرت قائم علیه السلام است .(۲)

در همه ی تفسیرهایی از امامان نور در تفسیر این آیه ی شریفه رسیده ،

در یک نقطه شریک هستند و آن اینکه : منظور از شبهای دهگانه ، ده امام

از امام حسن مجتبی تا امام حسن عسکری علیهم السلام می باشند .

تعبیر شب از امامان نور به این جهت است که آنها مشعل نور بودند و

۱- [۱] . شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۷۹۲ ؛ بحرانی ، تفسیر البرهان ، ج ۱۰ ، ص ۲۶۵ ؛ مشهدی ، کنزالدقایق ، ج ۱۴ ، ص ۲۶۵ .

۲- [۲] . ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۳۴۲ .

همواره در حال نورافشانی ، جز اینکه انسان ها برای رسیدن به امیال

نفسانی از آن کانون های نور کسب نور نکردند و به کانون های ظلمت ،

چون خلفای بنی امیه ، بنی مروان و بنی عباس روی کردند ، از این رهگذر

خداوند نیز بر امت اسلامی غضب کرد و خورشید فروزان هدایت را به

پشت پرده ی غیبت برد ، تا روزی جامعه ی بشری از همه جا مأیوس و

نومید بازگشته ، به سوی امام نور روی آورند ، با تضرع و زاری از درگاه

حضرت احدیت مسألت نمایند که به ولی خود اذن ظهور عطا فرماید .

سوگند به شب از آن جهت است که شب در حال سپری شدن است و

نوید بخش فرارسیدن روز روشن و طلوع فجر و انفجار نور(۱) و شاهد این

تفسیر آیه ی بعدی است که می فرماید :

« وَاللَّیْلِ اِذا یَسْرِ » ؛

سوگند به شب هنگامی که سپری می گردد .(۲)

اگر منظور از « فجر » سرآغاز سال قمری ، دهه ی عاشورا باشد ، روز

دهم آن روز قیام جهانی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه می باشد .

اگر منظور از « فجر » دهه ی اول ذیحجه باشد که « ایام معلومات » و

« روزهای حرام » نیز نامیده می شود(۳) روز دهم آن روز فداکاری ،

جانبازی و ایثار ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح ، سر سلسله ی شجره ی نبوت

و نیای بزرگ کعبه ی مقصود و قبله ی موعود است .

ص:۱۳۶

۱- [۱] . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۵ ، ص ۷۳۶ ؛ طبری ، جامع البیان ، ج ۳۰ ، ص ۱۱۰ .

۲- [۲] . سوره ی فجر ۸۹ ، آیه ی ۴ .

۳- [۳] . بیرونی ، الآثار الباقیه ، ص ۴۲۸ .

و اگر منظور از « فجر » طلوع خورشید رسالت و طلیعه ی حکومت اللّه

باشد ، تحقق بخش هدف و آرمان آن نبی مکرم و همه ی انبیای والا مقام آن

امام همام می باشد .

و اگر منظور از « فجر » شخص آقا بقیه اللّه باشد ، او همان انفجار نور در

پایان شب دیجور غیبت می باشد ، که به دست توانمند او جهان از همه ی

ظلمت ها و تاریکی ها منزه شده ، زمین با نور پروردگارش روشن شده ،

دیگر نشانی از ظلم ، تبعیض ، نفاق ، جهل و دیگر مظاهر تاریکی باقی

نخواهد ماند .

بنیانگذار مجالس دهگی

پس از اشاره ای کوتاه به راز و رمز « دهه ی مهدویه » و بررسی آیات

دهه در قرآن کریم ، لازم است اشاره ای به نخستین پایه گذار جلسات

دهگی داشته باشیم تا معلوم شود که این همه آوازها از کجاست ؟

مشهورترین دهه ای که در میان جامعه ی ما از بیش از هزار سال پیش

رایج بوده و هست ، « دهه ی عاشورا » می باشد ، هیچ کشوری در زیر آسمان

سراغ نداریم که شیعیان مقیم آن کشور از لحظه ی طلوع هلال غمبار

محرم الحرام خود را آماده ی عزاداری و عرض ادب به ساحت مقدس سالار

شهیدان نکنند و از شب اول محرم تا شب عاشورا در حد توان مجالس و

محافلی برگزار نکنند .(۱)

۱- [۱] . جامع ترین اثری که تاکنون پیرامون تاریخچه ی عزاداری امام حسین علیه السلام به رشته ی تحریر درآمده ، کتاب

پربـار « عزاداری سـنتی شـیعیان » تـألیف سـید حسـین معتمـدی می باشـد که در هفت مجلـد بزرگ منتشـر شـده ، تاریخچه ی عزاداری شیعیان را در جای جای جهان پهناور گرد آورده است .

آیا تاکنون فکر کرده اید که این مجالس از کی ، چگونه و به دستور چه

کسی انجام یافته است ؟

تا جایی که این کمترین با بضاعت ناچیز خود پی گیری کرده ، آغازگر

این مجالس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشد .

اگر همه ی امامان در حدّ امکانات زمان برای سالار شهیدان مجالس

برگزار کرده اند ، ولی امام رضا علیه السلام پس از پذیرفتن ولایت عهدی تحمیلی ،

فضائی فراهم شد که توانستند عزاداری امام حسین علیه السلام را شور و هیجان

بدهند و لذا در زیارتنامه ی آن حضرت می خوانیم :

یا مَنْ هَیَّجَ اَحْزانَ یَوْمَ الطُّفُوفِ ؛

ای امام بزرگواری که غمها و اندوه های روز عاشورا را هیجان

بخشیدی .(۱)

روز اول ماه محرم امام رضا علیه السلام منزل را سیاهپوش می کرد و شخصاً بر

در و دیوار پارچه ی مشکی می زد و محفل را برای اقامه ی عزاداری سالار

شهیدان مهیا می کرد .(۲)

ریّان بن شبیب روز اول محرم محضر مقدس امام رضا علیه السلام رسیده ،

امام علیه السلام فصل گسترده ای پیرامون ماه محرم ، حوادث خونین عاشورا ، از

پاداش گریه بر امام حسین علیه السلام و دیگر مطالب مربوطه سخن گفته ، در

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۱۰۲ ، ص ۵۵ .

۲- [۲] . ر . ک : ابوالحسنی ، سیاهپوشی در سوک ائمه ی نور .

ضمن آن جمله ی معروف را فرمود :

یَابْنَ شَبیبٍ اِنْ کُنْتَ باکِیاً لِشَیْ ءٍ فَابْکِ لِلْحُسَیْنِ علیه السلام ؛

ای پسر شبیب اگر خواستی بر چیزی گریه کنی برای حسین علیه السلام

گریه کن .(۱)

روی این بیان سرآغاز مجالس دهگی مجالسی است که در دودمان

امامت و رسالت به فرمان امام رضا علیه السلام و در حضور آن حضرت برگزار

می شد .

این مجالس دهگی هر روز پررنگ تر از روز قبل و هر سال باشکوهتر

از سال قبل برگزار می شود و این مصداق بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می باشد که

فرمود :

برای شهادت فرزندم حسین حرارتی در دلهای مؤمنان هست

که هرگز به سردی نخواهد گرایید .(۲)

تنها خداوند منان می داند که چند صد هزار نفر در مجالس امام

حسین علیه السلام با حقانیت اسلام آشنا شده به آغوش اسلام آمده اند و لذا یکی از

خاورشناسان می گوید : « مجالسُ الحسینِ مدارس » ؛ مجالس امام حسین

کلاس درس می باشد .

یکی از رهیافته ها که مردی دانشمند و صاحب قلم است ، کتاب

ارزشمندی نوشته ، راز تشرف خود را به آیین تشیع در آن شرح داده و آن

۱- [۱] . شیخ صدوق ، الأمالی ، ص ۱۱۲ .

۲- [۲] . محدث نوری ، مستدرک الوسائل ، ج ۱۰ ، ص ۳۱۸ .

را : « لَقَدْ شَيَّعَنِى الْحُسَيْنُ » نام نهاده ، يعنى : مرا امام حسين شيعه كرد .(۱)

بعدها مجالس دهه ى آخر صفر ، مجالس دهه ى فاطميه و اخيراً

مجالس « دهه ى مهدويه » بر آنها افزوده شده است ، ولى همه ى آنها از

بركات مجالس هشتمين امام نور است .

يكى ديگر از مسائلى كه امام رضا عليه السلام هيجان داد ، مسأله ى انتظار و

اعتقاد به حضرت مهدى عليه السلام مى باشد .

هنگامى كه دعبل اشعار معروف خودش را پيرامون آخرين حجت در

محضر امام رضا عليه السلام انشاد كرد ، امام عليه السلام برخاست ، در مقابل نام آن

حضرت تواضع كرد ، دست مباركش را بر سر نهاده ، براى فرج آن حضرت

دعا كرد .(۲)

دعاهايى كه از امام رضا عليه السلام پيرامون حضرت بقيه اللّه براى عصر غيبت

رسيده ، نشانگر اهتمام آن حضرت به نشر معارف مهدوى مى باشد .(۳)

چرا اصفهان ؟

يكى ديگر از اوراق زرين شهر مذهبى اصفهان در دهه ى اخير با

برگزارى مجالس « دهه ى مهدويه » ورق خورد و ورقى ديگر بر اوراق

مفاخر اصفهان افزوده شد .

ولى جاى شگفت نيست ، زيرا « سلمان » پيشتاز مسلمانان جهان از اين

۱- [۱] . ادريس الحسينى ، لقد شيعنى الحسين ، ۴۲۳ صفحه ى وزيرى ، چاپ دارالخليج العربى ، بيروت ، ۱۴۲۶ ه .

۲- [۲] . تسترى ، قاموس الرجال ، ج ۴ ، ص ۲۹۰ .

۳- [۳] . ر . ک : موسوی اصفهانی ، مکیال المکارم ، ج ۲ .

شهر برخاسته ، غوّاص بحار علوم آل محمّد علیهم السلام « علامه ی مجلسی » آب

زلال معارف اهلبیت را از این شهر به سراسر جهان اسلام روان ساخته

است ، شخصیتهای کم نظیر تاریخ تشیع چون شیخ بهائی و میرداماد در این

شهر نورافشانی کرده اند .

پرتوی از دهه ی مهدویه

برگزاری دهه ی مهدویه باشکوه و جلوه ی خاصی در این آثار و برکات و

فواید فراوانی تاکنون در برداشت که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم :

۱ . تشکیل کتابخانه ی تخصصی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در

اصفهان با بیش از ۲۰۰۰ مجلد کتاب و شعب آن در تعدادی از شهرستانها و

تعدادی از کشورها .

۲ . تأسیس سایت تخصصی با نشان :

به چهارده زبان

۳ . کلاسهای تخصصی معارف مهدوی در دهه ی مهدویه و در دیگر

مناسبت ها با حضور اساتید مرکز جهانی حضرت ولی عصر ـ عجّل اللّه تعالی

فرجه الشریف ـ و اساتید حوزه چون حجه الاسلام و المسلمین استاد مردانی .

۴ . برنامه های تخصصی در سیمای مرکز اصفهان در شبهای دهه ی

مهدویه .

۵ . نمایشگاه کتب و آثار مربوط به حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در

دهه مبارکه و در طول سال .

۶ . چاپ و نشر کتب مهدوی و ترویج آثار دیگر تلاشگران در حوزه ی

مهدویت .

۷ . کنفرانسهای مهدوی با حضور اساتید حوزه و دانشگاه و

سخنرانیهای پربار که CD های آن توسط مرکز جهانی در مراکز علمی و

فرهنگی منتشر می شود .

از جمله اساتیدی که در این کنفرانسها در سالهای گذشته به ایراد

سخنرانی پرداخته اند عبارتند از :

۱ . آیت اللّه حاج آقا حسن فقیه امامی دام ظله

۲ . آیت اللّه حاج شیخ علی دوانی دام عزه

۳ . مرحوم آیت اللّه رحمانی همدانی قدس سره

۴ . حجه الاسلام والمسلمین ابوالحسنی (منذر)

۵ . حجه الاسلام والمسلمین نظری منفرد

۶ . حجه الاسلام والمسلمین رشاد

۷ . حجه الاسلام والمسلمین معاونیان

۸ . دانشمند محترم استاد دکتر نجدی ، از انگلستان .

۹ . دانشمند محترم دکتر نهاوندیان ، از دانشگاه تهران .

۱۰ . دانشمند محترم دکتر اسدی گرمارودی ، از دانشگاه تهران .

۱۱ . دانشمند محترم استاد شفیعی سروستانی ، از تهران .

۱۲ . پرفسور لیگن هوزن ـ مستبصر ـ از امریکا .

۱۳ . محقق شهیر صالح الوردانی ـ مستبصر ـ از مصر .

۱۴ . محقق شهیر شیخ حسن شحاته ـ مستبصر ـ از مصر .

۱۵ . محقق شهیر مهندس ارکادی ـ مستبصر ـ از ایتالیا .

۸ . مسابقات عمومی مهدوی در مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی

عصر ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ و هیئت قائمیه و سیمای مرکز اصفهان .

۹ . استفاده از شعرا و مادحین درد آشنا ، چون ادیب فرزانه آقای

سازگار و شاعر گرانمایه آقای ژولیده .

۱۰ . اعزام مبلغ به شهرها و مراکزی که در آنها مجالس دهه ی مهدویه

برگزار می شود .

۱۱ . اهدای هزاران مجلد کتاب و هزاران عدد CD و نوارهای کاست و

نشر پوسترهای متنوع در موضوع مهدویت و انتظار .

۱۲ . همکاری و راهنمایی هیئت های مذهبی در تشکیل جلسات

دهه ی مهدویت .

همایش ویژه ی روز نیمه ی شعبان

نخستین کسی که بنیانگداز پیاده روی در اسلام بود ، تا جایی که این

کمترین سراغ دارد حضرت فاطمه بنت اسد بود .

هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرمان پیامبر فواطم را از مکه ی

معظمه به سوی مدینه ی منوره حرکت می داد ، اشترانی به تعداد آنها تهیه

کرد و فواطم را بر فراز آنها سوار کرد .

هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام اشتری را در برابر مادر بزرگوارش مهیا

کرد و از ما درخواست که سوار شود ، فرمود : فرزندم من سوار نمی شوم من

پیاده می روم .

فرمود : مادرجان ! راه بسیار طولانی و ناهموار است .

فرمود : می دانم ، ولی به شهری می روم که حبیبم رسول خدا در

آنجاست ، و لذا دوست دارم این مسیر را با پای پیاده طی کنم .

در سیره ی امامان معصوم نیز موارد فراوانی ثبت شده که از مدینه تا

مکه ی معظمه برای انجام حج یا عمره به احترام خانه ی خدا با پای پیاده این

مسیر را طی کرده اند .

در سفر زیارتی امام حسین علیه السلام نیز به این موضوع تأکید فراوان شده ،

پاداش خاصی از معصومین علیهم السلام روایت شده است .

چند سالی است که مراجع بزرگوار تقلید در روز شهادت حضرت

زهرا علیهاالسلام از بیوتات خود تا حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام _ روی

اسفالت داغ قم _ با پای پیاده و پای برهنه با احتشام خاصی حرکت

می کنند .

سال گذشته برای اولین بار همایش عظیمی روز نیمه ی شعبان در مرکز

اصفهان با حضور جمعیت انبوه عاشقان و شیفتگان حضرت بقیه اللّه

ارواحنا فداه برگزار گردید .

اتحاد علما ، اندیشمندان ، اساتید و مسئولان در این همایش چشمگیر و

دشمن شکن بود .

پرچمهای متنوع به زبانهای فارسی ، عربی و انگلیسی پیرامون انتظار و

مهدی موعود بر شکوه این همایش افزوده بود .

نگارنده که در این همایش افتخار حضور داشت ، هنوز آن جوش و

خروش جوانان را که از سرِ شور و براساس شعور بود فراموش نکرده است .

حضور انبوه توریست ها در گرداگرد این همایش موجب شد که

ص:۱۴۴

خادمان حضرت مهدی علیه السلام با سرعت شگرفی نشریه های مربوط به

معارف مهدوی ـ به زبان انگلیسی ـ را از مرکز جهانی حضرت ولی

عصر ـ عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف ـ آورده ، در میان توریست ها منتشر کردند .

این همایش با شور و اشتیاق خاصی تا خیابان سید ادامه یافت و در آنجا

پس از استماع سخنرانی پذیرایی شدند .

مردم گلهای فراوانی با وانت ها به سوی مرکز همایش منتقل کرده ،

شاخه های گل را به افراد تقدیم می کردند و مردم با حمل شاخه های گل ،

میلاد مسعود گل نرجس را به عاشقان شیفته و مشتاقان دلباخته ی آن

کعبه ی مقصود و قبله ی موعود تبریک می گفتند .

اطلاع یافتیم که مردم قم نیز با تأیید مراجع بزرگوار و ارشاد خطبا و

مبلغین ارجمند ، در این شهر فقاهت و اجتهاد جلسات پرباری را به عنوان

« دهه ی مهدویه » برگزار کردند ، طلاب ، فضلا ، جوانان ، هیئتهای

مذهبی و مردم متدین و متعهد این شهر در این مجالس با شور و اشتیاق

حضور یافتند .

از کویت ، بحرین ، مسکو و چند کشور عربی و غربی گزارش برگزاری

« دهه ی مهدویه » دریافت گردید .

امسال در ده شهر انگلستان به نوبت دهه ی مهدویه برگزار خواهد شد .

در استانبول نیز دهه ی مهدویه با تب و تاب خاصی اعلام شده است .

نگارنده در نظر داشت مطالب دیگری در این رابطه به خوانندگان

گرامی تقدیم کند ولکن محدودیت زمانی مانع از ادامه ی بحث شد ، امید

است در آینده ای نه چندان دور به بررسی ابعاد مختلف این موضوع

ص:۱۴۵

بپردازیم .

در پایان به عنوان دست مریزاد به همه ی خادمان فرهنگ مهدویت ،

به ویژه عزیزان تلاشگر در مرکز تخصصی که همه ساله شاهد تلاشهای

شبانه روزی آنان هستم ، نظر این عزیزان را به حدیث امام صادق علیه السلام

جلب می کنم که فرمود :

وَلَوْ اَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ اَیّامَ حَیاتی ؛

اگر من زمان آن حضرت را درک می کردم همه ی عمر او را خدمت

می کردم .(۱)

هنگامی که امام صادق علیه السلام چنین تعبیر بلندی را در حق آن حضرت

بفرمایند ، عزیزانی که دامن خدمت به کمر بسته ، شب و روز در خدمت

آن امام علیه السلام توفیق خدمتگزاری دارند ، باید قدر این نعمت را بدانند ، و این

مدال افتخار را بسیار ارج نهاده ، ارزان نفروشند .

با یکدنیا امید دست به سوی خداوند برافراشته عرضه می داریم :

اللهم عجل لولیک الفرج واجعلنا من اعوانه وانصاره .

۲۴ رجب ۱۴۲۷ ه .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

۱- [۱] . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۴۸ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹